

۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به مطالعه

نویسنده: کتی ای. زاهلر
مترجم: سارا رئیسی



شما به خوبی می دانید که عشق به مطالعه می تواند دروازه دنیایی از یادگیری، فرهنگ و اندیشه را به روی فرزندتان بگشاید. در این کتاب ۵۰ فعالیت ساده و لذت بخش ارائه شده است که به بچه ها کمک می کند برای همیشه به مطالعه علاقه مند شوند. هر فعالیت دستورالعمل ساده ای دارد و نشان می دهد که چگونه فرزندتان را برای مطالعه و دانستن بیشتر تشویق کنید.



به نام خدا

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

۵ روش ساده

برای علاقه‌مند کردن فرزندان به

مطالعه

کتی ای. زاهلر

مترجم: سارا رئیسی طوسی

سرشناسه :	زاهلر، کتی Zahler, Kathy
عنوان و پدیدآور:	۵۰ (پنجاه) روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به مطالعه
مشخصات نشر :	کتی ای. زاهلر؛ مترجم سارا رئیسی طوسی
مشخصات ظاهری :	تهران: صابرین، کتابهای دانه ۱۳۸۱.
فروست :	۱۵۲ ص. مصور، جدول
شابک :	(کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان)
یادداشت :	۴ - ۴۳ - ۶۱۸۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
یادداشت : عنوان اصلی:	50 simple things you can do to raise a child who loves reading
موضوع :	کودکان -- کتاب و مواد خواندنی
موضوع :	خواندن -- علاقه
شناسه افزوده :	رئسی طوسی، سارا، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۸۱ ز ۱۰۳۷/۱۱ز۲
رده بندی دیویی:	۵/۰۲۸
شماره کتابخانه ملی:	۸۱-۱۲۲۷۷ م



کتابهای دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به مطالعه
کتی ای. زاهلر

مترجم	سارا رئیسی طوسی
ویراستار	مهناز سلیمانی
طرح جلد	کاظم طلائی
تعداد	۳۰۰۰
چاپ هشتم	۱۳۸۹
حروفچینی و صفحه‌آرایی	هما (امید سید کاظمی)
لیتوگرافی	سیب
چاپ جلد	اکسیر
چاپ متن و صحافی	پژمان

۴ - ۴۳ - ۶۱۸۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ : شابک
ISBN: 978 - 964 - 6181 - 43 - 4

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۲۷۰۰ تومان

فهرست مطالب

۶	سخن ناشر
۷	مقدمه
۱۱	بخش ۱. مطالعه را با هم تجربه کنید
۱۲	۱. بگذارید فرزندتان ببیند که شما می خوانید
۱۴	۲. اطلاعاتی را که از مطالعه به دست می آورید، تقسیم کنید
۱۷	۳. با صدای بلند بخوانید
۲۰	۴. روزنامه را خانوادگی بخوانید
۲۲	۵. تشویق کنید که نسل های مختلف با هم بخوانند (خواندن بین نسلی)
۲۵	۶. تشویق کنید که بچه های یک نسل با هم بخوانند (خواندن هم نسلی)
۲۷	۷. با صدای بلند با همدیگر بخوانید
۳۰	۸. درباره ی مطالب مورد علاقه ی خود در خانواده صحبت کنید
۳۲	۹. صحنه های مورد علاقه ی خود را در خانواده اجرا کنید
۳۵	۱۰. خواندن کتاب های مورد علاقه ی خود را به فرزندانتان توصیه کنید
۳۷	۱۱. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: خرید
۴۰	۱۲. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: آشپزی
۴۳	۱۳. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: تعمیر خانه
۴۶	۱۴. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: کارهای دستی
۴۹	۱۵. برای خواندن دلیل های عملی بیاورید: شغل شما

- بخش ۲. مطالب خواندنی را در دسترس قرار دهید**
- ۵۳
۵۴. ۱۶. در خانه مطالب خواندنی داشته باشید
۵۸. ۱۷. به هر جایی که می‌روید همراه خود کتاب ببرید
۶۰. ۱۸. در اختیار بچه‌های مریض، کتاب و مجله قرار دهید
۶۲. ۱۹. به عنوان پاداش به فرزندان کتاب یا مجله بدهید
۶۴. ۲۰. کارهایی را اختراع کنید که به خواندن مربوط می‌شود
۶۶. ۲۱. مجلات کودکان را مشترک شوید
۶۸. ۲۲. برای فرزندان یک دوست مکاتبه‌ای پیدا کنید
۷۱. ۲۳. در خانواده داستان‌های تجربه‌ی زبانی خلق کنید
۷۴. ۲۴. برای خانواده دفتر یادگاری درست کنید
۷۷. ۲۵. مراجعه به کتابخانه را در روال کارهای جمعی خانواده قرار دهید
۸۰. ۲۶. به نمایشگاه‌های کتاب بروید
۸۲. ۲۷. فرزند خود را با کتاب‌های سری آشنا کنید
۸۴. ۲۸. داستان‌هایی را پیدا کنید که فیلم یا کارتون آن نیز ساخته شده است
۲۹. از کتاب‌هایی که موضوع آن جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی است استفاده کنید
- ۸۷
۸۹. ۳۰. برای تابستان یک برنامه‌ی مطالعه تنظیم کنید
۹۲. ۳۱. در سفرهای طولانی با ماشین کتاب بخوانید
۹۵. ۳۲. به نوار قصه گوش کنید
- بخش ۳. رفتار بچه‌ها را اصلاح کنید.**
- ۹۷
۹۸. ۳۳. اطمینان حاصل کنید که فرزندان برای خواندن آمادگی دارد
۱۰۳. ۳۴. خواندن فعال را تشویق کنید
۱۰۷. ۳۵. اجازه بدهید بچه‌ها به موضوعی علاقه‌مند شوند و آن را دنبال کنند
۳۶. به بچه‌هایی که نمی‌توانند بخوانند اجازه بدهید قصه را از روی تصاویر تعریف کنند
- ۱۱۰
۱۱۳. ۳۷. از بچه‌ها بخواهید پس از شنیدن داستان آن را دوباره تعریف کنند
۱۱۶. ۳۸. از بچه‌ها بخواهید داستان‌ها را ارزیابی کنند

- ۱۱۹ ۳۹. بین داستان‌ها و زندگی بچه‌ها ارتباط برقرار کنید
- ۱۲۱ ۴۰. بچه‌ها را تشویق کنید با شخصیت‌ها همانند سازی کنند
- ۱۲۴ ۴۱. بین کتاب‌ها رابطه برقرار کنید
- ۱۲۶ ۴۲. بچه‌ها را تشویق کنید پاسخ خود را از کتاب بگیرند نه از شما
- ۱۲۹ **بخش ۴. رفتار خود را تغییر دهید**
- ۱۳۰ ۴۳. از واژه‌ها لذت ببرید و این لذت را نشان بدهید
- ۱۳۱ ۴۴. افق‌های فرزندتان و افق‌های خود را گسترش دهید
- ۱۳۳ ۴۵. محیط مناسبی برای خواندن فراهم کنید
- ۱۳۵ ۴۶. تلویزیون را به طور دائم روشن نگذارید، بلکه از آن عاقلانه استفاده کنید
- ۱۳۹ ۴۷. با معلم فرزندتان همکاری کنید
- ۱۴۱ ۴۸. انتظار بالایی داشته باشید
- ۱۴۴ ۴۹. تفاوت‌های بین بچه‌ها را به رسمیت بشناسید
- ۱۴۷ ۵۰. آرام باشید

امروزه در جامعه‌ی ما والدین نقش ویژه‌ای در آموزش فرزندان خود به عهده گرفته‌اند. این امر از یک سو به احساس مسئولیت و نگرانی آنها نسبت به آینده‌ی عزیزانشان مربوط می‌شود، و از سوی دیگر ناشی از سهمی است که نظام آموزشی کشور و مدارس به عهده‌ی آنها گذاشته‌اند.

به هر حال، اغلب پدران و مادران در برابر این مسئولیت خطیر از اطلاعات و دانش کافی برخوردار نیستند و مشتاق‌اند که بدانند چه باید بکنند.

مجموعه «کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان» که یک جلد از آن را در دست دارید، هدفش ارائه‌ی راهکارهای عملی و شیوه‌های مؤثری است که می‌تواند به والدین کمک کند تا فرزندانشان را در راه رشد علمی و آموزشی یاری کنند.

در ترجمه‌ی کتاب‌های این مجموعه و در موارد محدودی، مثال‌ها و جایگزین‌هایی که برای خواننده‌ی ایرانی‌اشناتر و قابل استفاده‌تر باشد، به کار گرفته شده است.

سخنی با والدین

فکر می‌کنم که یکی از آدم‌های خوش اقبال بودم. خانه‌ای که در آن بزرگ شدم پر از کتاب بود و والدینم هر دو به مطالعه عشق می‌ورزیدند. خواندن را خیلی زود آموختم و پس از آن همیشه می‌خواندم. هنوز هم تفریح مورد علاقه‌ام خواندن است.

دختر کوچکی دارم که به کتاب‌های تصویری علاقه‌مند است. در بغل من می‌نشیند و صفحه‌های کتاب خود را ورق می‌زند، گاهی نیز روی صفحه‌ها خم می‌شود و ادای خواندن را در می‌آورد. مطمئنم او نیز در آینده خوب می‌تواند بخواند، اما این اطمینان را از کجا می‌توان به دست آورد؟

توانایی خواندن فرزند خود را نمی‌توانم با قطعیت پیش‌بینی کنم اما بهترین کاری که می‌توانم انجام بدهم این است که راه او را هموار کنم تا بتواند به ادبیات و به کتاب علاقه‌مند شود. از همان ابزاری استفاده می‌کنم که در این کتاب پیشنهاد کرده‌ام: با هم خواندن، به کتابخانه رفتن، قصه تعریف کردن و فراهم آوردن محیطی مناسب برای مطالعه در خانه.

این که دخترم در امتحانات استاندارد نمره خوبی کسب کند یا از نظر سطح توانایی خواندن جزو بهترین بچه‌های کلاس باشد، برای من کافی نیست. می‌خواهم به خواندن عشق بورزد، در داستان‌ها گم شود و در پایان هر داستان، در حالی آنرا کنار بگذارد که تحت تأثیر آن قرار گرفته و تغییر کرده است. اما هر پدر و مادری می‌داند که انتقال علایق خود به فرزندان کار ساده‌ای نیست. دخترم از هم‌اکنون نیز از خود اراده دارد. آیا او نیز به همان کتاب‌هایی علاقه خواهد داشت که من داشتم؟ احتمالاً نه. آیا می‌توانم با این موضوع کنار بیایم؟ امیدوارم.

فعالیت‌ها و پیشنهادهای این کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود. بخش اول «مطالعه را با هم تجربه کنید» است. کارشناسان مطالعه با این مسئله موافق‌اند که مطالعه‌ی والدین برای موفقیت بچه‌ها در خواندن ضروری است. اما همه بر سر این موضوع توافق ندارند. همانطور که خواهید دید، خواندن را می‌توان به روش‌های مختلف در زندگی روزمره به کار برد و لازم نیست که حتماً مانند یک درس رسمی به آن پرداخت.

بخش دوم، «مطلب خواندنی را در دسترس قرار دهید»، ممکن است غیرمعقول به نظر برسد اما من خانه‌هایی را دیده‌ام که افراد آن کاملاً هوشمند بوده‌اند اما تنها مطلب خواندنی که در آنجا یافت می‌شد یکی دو تا کتاب آشپزی، یک مجله الکترونیک یا نوشته‌های پشت جعبه کیک آماده بوده است. درست کردن یک کتابخانه در منزل نه مشکل و نه پرهزینه است. روش آن را به شما خواهم گفت.

دو بخش آخر به رفتارهای فرزندتان و به برخورد خودتان مربوط می‌شود. در «رفتار بچه‌ها را اصلاح کنید» چند روش استاندارد برای خواندن نقادانه ارائه داده‌ام که به راحتی می‌توانید در خانه به کار گیرید. در «رفتار خود را اصلاح کنید» نشان داده‌ام که چگونه می‌توانید با تغییر فکر و رفتار خود توانایی‌های فرزندتان را افزایش دهید. نمی‌گویم خودتان را از پایه عوض کنید: تغییرات ساده‌ی شما وضعیت فرزندتان را بهبود خواهد بخشید.

این کتاب از آن کتاب‌هایی نیست که از صفحه اول تا آخر بخوانید و دوباره در قفسه بگذارید، بلکه مجموعه‌ای است از پیشنهادها که می‌توانید هنگام نیاز از آن استفاده کنید. در ابتدای هر فصل یک حکایت آورده‌ام که ممکن است احساس آشنایی را در شما نیز زنده کند و بگویید: «آها! من هم چنین تجربه‌ای داشته‌ام!» دستورالعمل‌های زیادی نیز در کتاب آورده‌ام: چگونه برای تابستان برنامه مطالعه شخصی خود را تنظیم کنید، چگونه در خانه نمایش اجرا کنید، چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنید، چگونه از روی تصاویر قصه بگویید و الی آخر. فهرست کتاب‌های سری، داستان‌هایی که کارتون یا فیلم آن ساخته شده است، کتاب‌های مربوط به مناسبت‌های ملی و مذهبی، نوارهای قصه و مجله‌های کودکان را نیز

آورده‌ام. این فهرست‌ها به شما کمک می‌کند کتابخانه منزل خود را تأسیس یا به آن چیزهایی اضافه کنید.

وقتی کتابی را تمام می‌کنم که از آن لذت برده‌ام، در بسیاری از اوقات دنبال کتاب‌های دیگری درباره همان موضوع یا از همان نویسنده می‌گردم یا درباره موضوعی که قبلاً برایم ناشناخته بود با دوستان یا خانواده بحث می‌کنم و آنچه را خوانده و آموخته‌ام در زندگی خود به کار می‌گیرم. اگر این کتاب را انتخاب کرده‌اید نشان می‌دهد که دوست دارید فرزندتان به خواندن علاقه‌مند باشد. اما این نقطه آغاز راه است. امیدوارم پیشنهادهایم به شما کمک کند تا افکار خود را نیز پرورش دهید و امیدوارم به این نتیجه برسید که در تلاش خود برای پرورش فرزندتان که به خواندن علاقه‌مند است، از منابع دیگر نیز کمک بگیرید.


کتی ای. زاهلر

بخش ۱

مطالعه را با هم تجربه کنید

۱.

بگذارید فرزندتان ببیند که شما می‌خوانید

وقتی براندن برای اولین بار به خانه‌ی جک رفت، بیش از هر چیز مجذوب  جعبه‌ی حیوانات او شد. درون جعبه حیوانات یک لاک‌پشت کله‌سرخ و یک قورباغه بود که از برکه گرفته بود. کارت‌های بازی جک نیز برای براندن جالب بود اما موضوع دیگری نیز توجه براندن را جلب کرد: مادر جک به بچه‌ها خوش آمد گفته بود، برای آنها نوشابه ریخته بود و برگشته بود سراغ کتابی که مشغول خواندنش بود.

براندن پرسید: «مادرت چه کار می‌کند؟»

جک سرش را بالا کرد و گفت: «لابد دارد کتاب می‌خواند.»

براندن مکث کرد و بالاخره پرسید: «مگر با این سن و سالش به مدرسه می‌رود؟»

اولین نشانه موفقیت بچه‌ها در مدرسه، مطالعه در خانه است. برای این‌که بچه‌ها در خانه مطالعه کنند باید یک الگوی رفتاری داشته باشند که در خانه مطالعه می‌کند. اگر والدین کتاب بخوانند، احتمالاً فرزندانشان نیز اهل خواندن می‌شوند. اگر والدین اهل مطالعه نباشند، احتمالاً فرزندانشان نیز اهل مطالعه نخواهند شد - به نظر این بچه‌ها خواندن فعالیتی است که صرفاً به مدرسه مربوط می‌شود.

پس خیلی ساده است: اگر می‌خواهید فرزندتان در مدرسه موفق باشد و اگر می‌خواهید به مطالعه عشق بورزد، اگر می‌خواهید فرزندتان را کتاب‌خوان بار بیاورید، خودتان باید مطالعه کنید.

اگر روزنامه صبح را هنگام صرف صبحانه تورق می‌کنید خوب است اما به هیچ وجه کافی نیست. آنچه فرزندان نیاز دارد این است که ببینند به طور مرتب برای خواندن کتاب وقت زیادی می‌گذارید.

اگر اهل مطالعه نیستید مقداری کار می‌برد:

- ① باید ببینید که به خواندن چه مطالبی علاقه دارید.
- ② باید در خانه کتاب داشته باشید. (به روش‌های ۱۶ و ۲۵ مراجعه کنید.)
- ③ باید تلویزیون را خاموش کنید. (به روش ۴۶ مراجعه کنید.)
- ④ باید کاری در نظر بگیرید که فرزندان در زمان مطالعه شما به آن بپردازند. (چطور است به آنها هم کتاب بدهید؟)

هر چقدر هم که کتاب خواندن برنامه زمانی شما را تحت فشار قرار دهد و از وقت شما برای انجام کارهای دیگر بکاهد، نتیجه آن در طولانی مدت با ارزش است. اگر خودتان از مطالعه کردن لذت نمی‌برید، چطور می‌توانید انتظار داشته باشید فرزندان لذت ببرند؟ اگر فکر می‌کنید فرزندان باید صرف این که بچه است کاری را انجام بدهد که خود شما انجام نمی‌دهید، کارتان از روی دورویی است. اگر وقت بگذارید و کتاب بخوانید به طور غیرمستقیم به فرزندان می‌گویید که خواندن مهم است. اما اگر برایش سخنرانی کنید و او را پند و اندرز دهید و برایش موعظه کنید، هرگز نمی‌توانید این پیام را به او منتقل کنید.

۲.

اطلاعاتی را که از مطالعه به دست می آورید، تقسیم کنید


هر وقت که جرامایا از فرزندش می پرسید: «امروز در مدرسه چه  آموختی» تنها جوابی که می شنید این بود: «چیز خاصی یاد نگرفتم.» این بار تصمیم گرفت که سر میز شام سر صحبت را جور دیگری باز کند و گفت: «امروز در روزنامه خواندم که افرادی که کلسترول طبیعی دارند می توانند بدون این که با مشکلی روبه رو شوند روزانه دو تا تخم مرغ بخورند.» همه بلافاصله شروع به صحبت کردند. پسر نوجوانش به تندی گفت: «هر چه راجع به کلسترول می گویند چرت است.» همسرش با تعجب گفت: «اصلاً این طور نیست کلسترول خونِ عمویت بالاست و به همین دلیل در معرض خطر بیماری قلبی است.» دخترش گفت: «بله، ولی اگر واقعاً راست می گویند چرا هرچند ماه یک بار، نظرشان عوض می شود؟ کتاب بهداشت ما پنج سال پیش چاپ شده و مطالبی که در آن نوشته اند با آنچه امروز می گویند کاملاً تفاوت دارد.» پسر جرامایا از جایش بلند شد و گفت: «آگهی این مجله را نگاه کنید. تبلیغ تخم مرغ است که می گوید حالا دیگر همه می توانند تخم مرغ بخورند. می بینید، هنوز نتیجه ی تحقیقات منتشر نشده است که تبلیغ در مجله چاپ می شود! فکر نمی کنید مسئله کمی مشکوک است؟» جرامایا به پشتی صندلی خود تکیه داد. او از واکنش خانواده نسبت به سخنی که بدون قصد و غرض به زبان آورده بود، جا خورده بود.

شما از مطالبی که می‌خوانید، روزانه چیزهایی می‌آموزید. پس چرا آن‌را با خانواده خود در میان نگذارید؟ خبر کوتاه یک روزنامه، شایعه‌ای که در خبرنامه شرکتتان چاپ شده یا آماری که در گزارش سالانه چاپ می‌شود می‌تواند جرقه یک بحث یا گفت‌وگو را بزند.


بعضی از بچه‌ها بیشتر به هدف سرگرمی کتاب می‌خوانند و گاهی از این‌که می‌توان با هدف کسب اطلاعات نیز مطالعه کرد، بی‌خبرند. گرچه از کتاب‌های درسی خود در مدرسه اطلاعاتی به دست می‌آورند اما اگر آنها را به حال خود بگذاریم مطالب علمی را انتخاب نمی‌کنند. اما بزرگسالان بیشتر به هدف کسب اطلاعات مطالعه می‌کنند - نه به این دلیل که دوست دارند، بلکه چون این مطالب بخش عمده‌ای از کار روزانه‌ی آنها را تشکیل می‌دهد.

اگر اطلاعاتی را که از مطالعه خود به دست می‌آورید با فرزندان‌تان در میان بگذارید، می‌توانید آنها را برای خواندن به قصد کسب اطلاعات آماده کنید. با این کار به بچه‌ها می‌فهمانید که به آنچه می‌خوانید علاقه دارید و دوست دارید آنها نیز به آن علاقه‌مند شوند. وقتی بچه‌ها می‌بینند که چگونه از اطلاعاتی که به دست آورده‌اید استفاده می‌کنید، دیگر کمتر از خواندن به قصد کسب اطلاعات خواهند ترسید.

حتی می‌توانید فرزندان‌تان را تشویق کنید اطلاعاتی را که از خواندن به دست می‌آورند با شما در میان بگذارند. اگر پرسید: «در کتاب علوم شما درباره کلسترول چه چیزی نوشته‌اند؟» جالب‌تر از آن است که پرسید: «امروز در مدرسه چه چیزی یاد گرفتی؟»


 حتی یک هفته بعد از صحبت کلسترویل در خانواده جرامایا سر میز شام، بحث هم‌چنان داغ بود. دختر جرامایا یک بخش از کتاب بهداشت خود را برای همه خوانده بود و همسر او نیز جزوه‌ای را از مطب دکتر به خانه آورده بود. پسرش با خواندن جزوه متقاعد شده بود که کلسترویل می‌تواند مسئله آفرین باشد اما هم‌چنان اعتقاد داشت که گل‌کی در کار صنایع تولید تخم‌مرغ هست. از طرفی جرامایا نیز از این‌که دیگر مجبور نیست عبارات کلیشه‌ای از بچه‌ها بپرسد، تا آنها نیز از سر بی‌حوصلگی جواب بدهند، سرشار از شادی بود چون خانواده‌اش واقعاً با هم ارتباط کلامی برقرار کرده بودند.

با صدای بلند بخوانید

«لوک» که تازه خواندن یاد گرفته بود، هنگام خواندن کتاب داستان خود،  سر این جمله گیر کرد: «آنرا به من بده، داداش روباه.» او همه کلمات را می‌توانست بخواند اما معنی جمله را نمی‌فهمید. فکر می‌کرد شاید جمله باید این‌طور نوشته می‌شد: «آنرا به داداش من بده، روباه.» یا «آنرا به داداش روباه من بده» لوک هنوز علائم نقطه گذاری را خوب نمی‌فهمید و کلمات را تک‌تک و با لحن یکسان می‌خواند و به همین دلیل نمی‌توانست معنی این جمله خاص را بفهمد. لوک بعدها از پدرش خواست که داستان را با صدای بلند بخواند. پدرش قصه را با لحن مناسب خواند تا به جمله اسرارآمیز رسید و سپس قصه را تمام کرد. لوک تک‌تک کلمات داستان را فهمید.

درک مطلب بچه‌ها هنگام خواندن، به طور طبیعی از توانایی آنها هنگام برقراری ارتباط کلامی کمتر است. بچه‌ها هنگامی که مدرسه را شروع می‌کنند صدها کلمه را می‌فهمند اما فقط چند کلمه را می‌توانند بخوانند یا بخش کنند. این اختلاف زمانی از بین می‌رود که بچه‌ها در خواندن مهارت به دست بیاورند و کلماتی را که قبلاً به صورت شفاهی استفاده می‌کردند، به طور مرتب به صورت نوشتاری ببینند.

علاوه بر آن سطح توانایی بچه‌ها در خواندن، از سطح علایق آنها نیز پایین‌تر است. بچه‌های کلاس اول قادر به درک مطالبی بسیار پیچیده‌تر از «بابا آب داد» هستند. اما چون هنگام خواندن مهارت کافی برای درک مطلب نوشتاری پیچیده ندارند، دچار محدودیت می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توانید در طول عمرتان برای بچه‌ها انجام بدهید این است که با صدای بلند برایشان کتاب بخوانید. این کار را می‌توانید کمی بعد از تولد آنها شروع کنید و تا پیش دبستانی و سال‌ها بعد نیز ادامه بدهید. هنگامی که با صدای بلند برای بچه‌ها کتاب می‌خوانید، فرصت خوبی پیدا می‌کنید که نوشته‌ها را با هم تجربه کنید. با این کار فرزندان‌تان به زبان توجه می‌کنند و مهارت‌های ضروری درک مطلب آنها که در مدرسه و در سال‌های بعد به آن نیاز دارند، پرورش می‌یابد.

برای موفقیت تحصیلی بچه‌ها، درک مطلب، پرورش دایره‌ی لغات و قدرت تشخیص لغات آنها با میزانی که والدین با صدای بلند برایشان کتاب می‌خوانند رابطه‌ی مستقیم دارد. مهم‌تر از آن این‌که وقتی با صدای بلند کتاب می‌خوانید به بچه‌ها می‌فهمانید که برای کتاب ارزش و اهمیت قائلید و کتاب خواندن بخش مهمی از تعاملات خانوادگی شما را تشکیل می‌دهد.

چگونه با صدای بلند بخوانید


- ① با حالت و لحن مناسب بخوانید. برای هر یک از شخصیت‌ها از یک صدای خاص استفاده کنید. از علائم نقطه‌گذاری کمک بگیرید تا لحن خواندنتان را عوض کنید یا برای افزایش تأثیر خواندنتان مکث کنید.
- ② با علاقه بخوانید و با متن درگیر شوید. اگر به طرح داستان یا مشکلات شخصیت‌های آن علاقه‌مند شده‌اید به زبان بیاورید تا فرزندان‌تان بدانند. اگر اتفاقات هیجان‌انگیز است با لحنی هیجان‌زده بخوانید، اگر ترسناک است با لحنی بخوانید که نشانه ترس است.
- ③ از سؤال‌های جدی و هوشمندانه استفاده کنید. قبل از این‌که ورق بزنید،

از بچه‌ها پرسید که به نظرشان چه اتفاقی خواهد افتاد. از آنها بخواهید نام شخصیت‌هایی را که در تصاویر دیده می‌شوند، بگویند. (برای مطالب بیشتر درباره خواندن جدی و هوشمندانه مراجعه کنید به روش ۳۴.)

⑥ **تماس چشمی برقرار کنید.** شما بازیگر هستید و فرزندتان تماشاچی. سرتان را بالا بیاورید و به حالت چهره فرزندتان توجه کنید. همراه او بخندید و برای اظهار نظر درباره روند داستان مکث کنید.

اگر درباره مهارت یا صدایتان هنگام خواندن، درباره توانایی تان برای انتخاب کتاب یا میزان وقتی که می‌توانید برای این کار بگذارید نگرانی دارد، آن را برطرف کنید. خواندن با صدای بلند مهم‌تر از این است که بتوانید از آن چشم‌پوشی کنید و هیچ‌وقت برای شروع این کار دیر نیست.

روزنامه را خانوادگی بخوانید

 پدرم همیشه اصرار دارد که قسمت طنزهای کاریکاتوری روزنامه باعث شد تا ما خواندن یاد بگیریم. وقتی ما سه خواهر و برادر خیلی کوچک بودیم، او این قسمت‌ها را برایمان می‌خواند و وقتی من به کلاس اول رسیدم، پدرم بهانه می‌آورد که وقت ندارد و پیشنهاد می‌کرد خودمان بخوانیم. انگیزه‌ی خواندن در درون ما تقویت شد: ما واقعاً دلمان می‌خواست بدانیم که در این تصاویر خوش آب و رنگ چه می‌گذرد. پس از مدتی من می‌توانستم برای خواهر و برادر کوچک‌ترم بخوانم و بالاخره نیز هر سه می‌توانستیم بر سر این صفحات با هم بجنگیم و آنها را جدا از هم بخوانیم.

اگر فرصت کمی دارید که با فرزندان‌تان و برای آنها بخوانید، روزنامه می‌تواند منجی شما باشد. سطح بیشتر روزنامه‌ها طوری است که بچه‌های بین کلاس سوم دبستان و اول راهنمایی می‌توانند آنها را بفهمند، و بیشتر روزنامه‌ها شامل سبک‌ها و انواع ادبی گوناگونی است. پس هر یک از اعضای خانواده می‌تواند مطلبی را که باب طبع خود باشد در آنها پیدا کند.

روزنامه‌هایی که صفحات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان یا ویژه‌نامه کودکان و نوجوانان چاپ می‌کنند از همه بهتر است چون مطالب آن هم مناسب فرزندان دبستانی شماست و هم مناسب فرزند نوجوانتان. پس وقتی از راه می‌رسید همین‌طور روزنامه را نیندازید و بروید. هدف شما

مشارکت خانوادگی است پس بگذارید فرزندان شما را در حال روزنامه خواندن ببینند.

اگر می‌توانید یک قدم جلوتر نیز بروید و برخی از مطالبی را که خواندید با آنها در میان بگذارید. از فرزند ده-دوازده ساله‌تان بپرسید درباره‌ی فیلم‌های جدید چه چیزی خوانده است و از فرزند نوجوانتان بخواهید مهم‌ترین اخبار ورزشی را برایتان بازگو کند. از فرزند دبستانی خود بپرسید کدام یک از مطالب طنز روزنامه از همه خنده‌دارتر بود. خودتان نیز می‌توانید به نامه‌های جالبی که خوانندگان نوشته‌اند، یا به هر مطلب جالب دیگری اشاره کنید. ضرورتی ندارد که هنگام مطالعه سکوت را رعایت کنید و خواندن روزنامه می‌تواند فعالیت پرسر و صدایی باشد. هنگامی که به صورت فردی می‌خوانید، با صدای بلند نیز اظهار نظر کنید و بدین ترتیب فرزندان خود را تشویق کنید که به صورت جدی بخوانند (مراجعه کنید به روش ۳۴)، این مهارت به آنها کمک می‌کند که آنچه را می‌خوانند به خاطر بسپارند و آن را خوب درک کنند.

۵.

تشویق کنید که نسل‌های مختلف با هم بخوانند (خواندن بین‌نسلی)

استفان در یک خانواده‌ی گسترده در بروکلین بزرگ شد. پدربزرگ‌هایش چند ایستگاه دورتر و خاله‌ها، عمه‌ها، دایی‌ها و عموهایش همه در فاصله چند کوچه از آنها زندگی می‌کردند. خانه آنها پرسر و صدا و پررفت و آمد بود و همیشه پر بود از بچه‌ها، بزرگ‌ترها و از بوی غذای ایتالیایی که روی اجاق می‌پخت. استفان و خاله‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عموزاده‌هایش همه خاطره شیرین مهمانی‌های دوره‌ای بزرگ را که به صورت منظم در خانه اعضای فامیل برگزار می‌شد، به یاد می‌آورند.

همیشه بعد از شام بچه‌ها را که خسته بودند و از نا رفته بودند به یکی از اتاق‌ها می‌فرستادند و آنها را به صورت ردیفی روی یک تخت بزرگ یا روی تشک‌هایی روی زمین می‌خواباندند. وقتی همه بچه‌ها دراز می‌کشیدند، فرد مورد علاقه‌شان می‌آمد و قصه قبل از خواب را برایشان می‌خواند. بیشتر اوقات خاله کارولین می‌آمد و با لباس‌های مد روز و عطر لطیفش کنار تخت می‌نشست و با لحن پرهیجان خود برای هر یک از شخصیت‌های داستان یک جور حرف می‌زد و بچه‌ها را با اظهار نظرهای خود درباره طرح داستان می‌خندانند. البته محبوب‌ترین قصه‌گو پدربزرگ بود که بعد از ۴۰ سال زندگی در بروکلین هنوز لهجه غلیظ ایتالیایی خود را حفظ کرده بود. آشناترین قصه، با لهجه پدربزرگ بیگانه و جدید به نظر می‌رسید. پدربزرگ کتاب را از صفحه اول می‌گشود و صفحه عنوان را با همان علاقه و حیرت می‌خواند که خود قصه را.


بین ساختار خانوادگی و موفقیت کودک در خواندن و زبان، روابط دوجانبه‌ای وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها در حیطه‌ی تعامل با

بزرگسالان است. بچه‌هایی که به خانواده‌های گسترده تعلق دارند و به طور مرتب به دیدن اعضای بزرگ‌تر فامیل می‌روند و با بزرگسالان به گردش و مسافرت می‌روند و به انجام فعالیت‌های مختلف می‌پردازند، نسبت به بچه‌هایی که دسترسی کمتری به افراد بزرگسال دارند، در خواندن پیشرفته‌ترند.

این خبر برای والدین ناامید و خسته خبر خوبی است: توانایی‌های زبانی فرزندان و توانایی آنها در خواندن تنها به شما بستگی ندارد. اگر می‌خواهید بچه‌هایی بار بیاورید که هم عاشق خواندن و هم خواننده‌های موفقی باشند، ایجاد ارتباط بین آنها و بزرگسالان دیگر می‌تواند کمی از بار را از دوش شما بردارد.

اگر والدینتان مهمان شما هستند، از آنها بخواهید در آیین قصه‌خوانی شبانه شرکت کنند. اغلب پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها دوست دارند که بدین ترتیب مرکز توجه قرار بگیرند. گهگاهی از والدین یا از همسایه‌های مسن‌ترتان بخواهید هنگامی که از خانه بیرون می‌روید از فرزندانتان مراقبت کنند، مطالب خواندنی نیز در اختیارشان قرار دهید تا با بچه‌ها بخوانند.

اگر بچه‌ها عادت کرده باشند که فقط والدین خودشان برایشان کتاب بخوانند، ابتدا باید آنها را آماده کرد تا بتوانند از سبک کتاب‌خوانی بزرگسالان دیگر لذت ببرند. به بچه‌ها بگویید که خوانندگان مختلف یک ترانه‌ی واحد را به صورت‌های متفاوت می‌خوانند و هنرپیشه‌های مختلف یک نقش واحد را به صورت‌های متفاوت اجرا می‌کنند. اگر کسی می‌خواهد برای اولین بار برای فرزندانتان قصه بخواند، بهتر است کتاب جدیدی را در اختیار او قرار دهید، تا این‌که کتابی را بخواند که مورد علاقه بچه‌هاست و داستان آن را از بر می‌دانند.


 استفان اکنون پدر دو فرزند است و فامیل‌هایش در سراسر کشور پخش شده‌اند اما چون از قصه‌خوانی بین نسلی خاطره خوبی دارد سعی کرده است تجربه‌ی دوران کودکی خود را برای فرزندانش بازسازی کند. آنها خانم مستی را که در همسایگی‌شان زندگی می‌کند، به صورت منظم دعوت می‌کنند تا صبحانه را با آنها صرف کند و مجله‌های بچه‌ها را با آنها بخواند. همسر استفان، ماریسا، برای مراقبت از بچه‌ها از افرادی از هر سن و سال کمک می‌گیرد. استفان و ماریسا از این‌که بچه‌هایشان شب را در منزل دوستانشان بگذرانند یا دوستانشان شب را در منزل آنها بگذرانند استقبال می‌کنند و قصه‌خوانی را در برنامه چنین شب‌هایی می‌گنجانند.

وقتی پدر ماریسا به خانه آنها می‌آید، با بچه‌ها در طبیعت قدم می‌زند یا آنها را به باغ وحش می‌برد و وقتی بچه‌ها به خانه‌ی او می‌روند، او آنها را به دفتر کار خود می‌برد تا روز خود را با تعامل با بزرگسالان مشغول کار بگذرانند. گرچه بچه‌ها فقط ۵ و ۸ سال سن دارند، دایره‌ی لغات آنها و توانایی‌شان برای گفت‌وگو و تعامل با بزرگسالان به صورت واضحی پیش‌رفته است.

۶.

تشویق کنید که بچه‌های یک نسل با هم بخوانند (خواندن بین نسلی)

دختر ۱۴ ساله آندریا اخیراً به نقش پرستارِ بچه‌های خانواده ارتقا یافته است. نُرّا ثابت کرده است که می‌تواند برادران دوقلوی خود را به خوبی غذا بدهد، به حمام ببرد و به موقع بخواباند. اما هنگامی که قصه قبل از خواب را برای بچه‌ها می‌خواند، کارش واقعاً می‌درخشد. آندریا می‌گوید: «از اول باید از نُرّا می‌خواستم قصه را بخواند. او واقعاً هنرپیشه است و کاری می‌کند که قصه‌ها زنده بشوند! الآن دوقلوها حتی وقتی من هم در خانه هستم می‌خواهند که قصه را نُرّا بخواند. گرچه چندان احساس خوبی به من دست نمی‌دهد که بچه‌ها نُرّا را به من ترجیح بدهند اما به هر حال وقت من شب‌ها آزاد می‌شود که عالی است. گاهی من هم پیش پسرها می‌نشینم و به قصه‌ای که نُرّا می‌خواند گوش می‌دهم!»


قانونی وجود ندارد که بگوید فقط بزرگسالان باید برای بچه‌ها کتاب بخوانند، بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و هنرهای خود را به رخ خواهرها و برادرهای کوچک‌تر خود بکشند. این کار به نفع خواننده، شنونده و به نفع شماست.

خواندن با صدای بلند، باعث فصاحت می‌شود و دایره لغات بچه‌ها را بهبود می‌بخشد و به آنها می‌آموزد که چگونه با حالت و لحن مناسب بخوانند. جلب رضایت شنوندگان کم‌سن و سال کار ساده‌ای نیست و کسی که می‌خواهد قصه را با موفقیت بخواند و به جای هُو با هورای

شنوندگان مواجه شود، باید با احساس، با صدایی واضح و با لحن مناسب بخواند. اگر به طور موقت این نقش خود را به فرزند بزرگ‌ترتان محوّل کنید تجربه خوبی به دست می‌آورد و ممکن است انگیزه پیدا کند که این نقش را به خوبی اجرا کند.

هنگامی که روابط نسبتاً صلح‌آمیز است، بچه‌های کوچک‌تر از صرف وقت با خواهران و برادران بزرگ‌تر خود سود می‌برند. وقتی کوچک‌ترها می‌بینند که خواندن چقدر مهم است و می‌بینند که بزرگ‌ترها با موفقیت می‌خوانند، خود نیز برای خواندن انگیزه پیدا می‌کنند. اگر فرزند بزرگ‌تر خود را تشویق کنید کتاب‌های مورد علاقه خود را با صدای بلند بخواند بسیار مؤثر است. وقتی بچه‌ها برای بچه‌ها کتاب می‌خوانند، کمی بار از دوش شما برداشته می‌شود. شما همیشه فرصت ندارید که کارت‌ان را کنار بگذارید و برای آنها کتاب بخوانید، شاید حتی فرصت نکنید مطالبی را که روی بسته‌بندی مواد غذایی نوشته شده است برای بچه‌ها بخوانید. اگر فرزند بزرگ‌ترتان سواد خواندن دارد، می‌تواند به شما کمک کند، دستور بازی‌ها را بخواند، معنی لغتی را در لغت‌نامه پیدا کند و قبل از خواب برای خواهر یا برادر کوچکش قصه بخواند.

با صدای بلند با همدیگر بخوانید


 برنيس همیشه برای پسرش جروم با صدای بلند کتاب می خواند و ساعت کتاب خوانی ساعت مورد علاقه هر دوی آنهاست. اکنون که جروم در کلاس دوم دبستان است برنيس متوجه چیز جدیدی شده است: هنگامی که مادرش کلمات را با صدای بلند می خواند، اغلب اوقات جروم نیز لب های خود را حرکت می دهد و بدون صدا می خواند. گاهی نیز روی صفحه خم می شود و به بخشی جلوتر از آنچه برنيس می خواند توجه می کند. برنيس گاهی مکث می کند و از جروم می پرسد که آیا علاقه دارد که خودش برای مادرش بخواند، اما جروم همیشه می گوید نه و از مادرش می خواهد که به خواندن ادامه دهد.

وقتی بچه ها یاد گرفتند که به تنهایی بخوانند، باز هم باید به کار خود ادامه بدهیم و برای آنها با صدای بلند کتاب بخوانیم. البته می توانیم روال کار را تغییر دهیم. اکنون دیگر می توانیم کار خواندن را با فرزندمان تقسیم کنیم. برای این کار روش های زیادی وجود دارد که برخی از آنها را توضیح می دهیم. اگر فرزندان در برابر این کار مقاومت کرد، از آن یک بازی بسازید. خواندن شعرها به صورت مشترک به طور طبیعی از هر چیز دیگری راحت تر است اما انواع دیگر قطعات ادبی را نیز می توان به صورت مشترک خواند.

چگونه کار خواندن را تقسیم کنیم

نفری یک خط. شما خط اول را بخوانید، فرزندتان خط دوم، و الی آخر. روش دیگر این است که نفری یک صفحه بخوانید.

شما: یکی بود یکی نبود

کودک: زیر گنبد کبود

دیالوگ. شما روایت را بخوانید و فرزندتان دیالوگ را، یا هر یک از شما متن گفته‌های یکی از شخصیت‌ها را بخواند.

شما: بچه‌ها در را باز کنید، من مادرتونم. (آقاگرگه)

کودک: اگر تو راست می‌گی، دست‌هایت را نشان بده! (شنگول)

(قصه شنگول و منگول)

شما: لک‌لک به مرد گفت: مرا آزاد کن، من لک‌لکم، نه دُرنا.

کودک: من ترا با دُرناها گرفتم و همراه دُرناها هم می‌کشمت.

(مورچه و کبوتر^۱)

ترجیع‌بند (بند برگردان)

شما: که یکی هست و هیچ نیست جز او.

هر دو: وحده لا اله الا هو

(هاتف اصفهانی)

با همدیگر (هر دو با هم می‌خوانید).

هر دو: دویدم و دویدم

سر کویی رسیدم

دوتا خاتونی دیدم...

وقتی با همدیگر با صدای بلند می‌خوانید به فرزندتان می‌گویید که

خواندن با صدای بلند تنها کار شما نیست، بلکه کاری است که از آن لذت می‌برید و فرزندتان نیز می‌تواند از آن لذت ببرد. یکی از محاسن آن این است که همیشه نسبت به توانایی فرزندتان در خواندن، یعنی میزان روان بودن، درک مطلب و دایره لغات او آگاهی خواهید یافت. فایده دیگر آن این است که فرزندتان را برای خواندن برای هم‌نسل‌های خود آماده می‌کند (مراجعه کنید به روش ۶)، که اگر کودک خردسالی داشته باشید و وقتتان نیز کم باشد، کمک بزرگی است.

درباره مطالب مورد علاقه خود در خانواده صحبت کنید

«تازگی‌ها چیز جالبی خوانده‌ای؟»



«رمانی که من می‌خوانم درباره مردم زادگاه توست!»

«در شماره‌ی این ماه مجله‌ی بهداشت مقاله‌ای هست که حتماً باید بخوانی»

«تو تابه حال از قیصر امین‌پور چیزی خوانده‌ای؟ حتماً از او خوشت می‌آید!»

«به محض این‌که کتاب هفته را بخوانم آن را به تو قرض می‌دهم.»

بسیاری از بزرگسالانی که من می‌شناسم خیلی راحت کتاب‌ها و مقاله‌هایشان را با همدیگر عوض می‌کنند، انگار که یک پیمانۀ شکر یا مته برقی را می‌خواهند قرض بگیرند. با این کار می‌توانید نویسندگان جدید و انواع سبک‌های ادبی جدید را کشف کنید، علایق تازه‌ای پیدا کنید و در عین حال دوستانتان و سلیقه‌ی آنها را نیز بشناسید.

اما بسیاری از همین بزرگسالان که کتاب‌های خود را به دوستانشان قرض می‌دهند هرگز به این فکر نمی‌افتند که همین تبادل ساده را نیز در خانه آغاز کنند. اگر می‌خواهید فرزندان خود را با آنچه می‌خوانید آشنا کنید و خود نیز با آنچه فرزندانتان می‌خوانند آشنا شوید، بهترین روش این است که درباره مطالب مورد علاقه‌ی خود در خانواده صحبت کنید. آیا مطلب جذابی می‌خوانید؟ درباره‌اش صحبت کنید! اگر فرزندانتان

کوچک‌تر از آنند که بتوانند آن مطلب را بخوانند اشکالی ندارد. کافیست بفهمند که از آنچه می‌خوانید لذت می‌برید و به آن علاقه دارید و دوست دارید که علاقه‌ی خود را با آنها در میان بگذارید.

فرزندان بزرگ‌ترتان را نیز تشویق کنید که درباره‌ی آنچه می‌خوانند صحبت کنند و بگویند که چه جنبه‌ای از آن را دوست دارند (مراجعه کنید به روش ۳۸). آیا علاقه دارند که قسمت کوتاهی از آن را برای شما با صدای بلند بخوانند؟ آیا از همان نویسنده مطلبی هست که به درد بچه‌های کوچک‌تر خانواده بخورد؟

به صورت خانوادگی به کتابخانه بروید و پس از بازگشت به خانه همیشه این آیین را اجرا کنید: کتاب‌ها را در یک قفسه‌ی مخصوص کتابخانه بگذارید. این کار دو فایده دارد: اول این که کتاب‌های کتابخانه کمتر گم می‌شوند و کمتر اتفاق می‌افتد که در بازگرداندن آنها تأخیر کنید و دوم این که همه اعضای خانواده می‌بینند که بقیه چه کتابی می‌خوانند. بچه‌ها به تدریج علایق خود را در زمینه‌های مختلف، از غذا و لباس گرفته تا مطالب خواندنی، پیدا می‌کنند. اگر بتوانند ببینند که افراد دیگر چگونه بر اساس ملاک‌های متفاوت انتخاب می‌کنند، خود نیز می‌توانند علایق خود را در زمینه کتاب‌خوانی گسترش دهند و به سلیقه‌ی ناب‌تری دست یابند.

۹.

صحنه‌های مورد علاقه خود را در خانواده اجرا کنید

سارا کتابش را بست و کناری گذاشت. او با لذت گفت: «پدر می‌دانی بهترین قسمت داستان شازده کوچولو^۱ کجاست؟»

پدرش در حالی که سرش را از روی روزنامه برمی‌داشت، گفت: «نه، کجاست؟»

«وقتی که بالاخره یک روز صبح، درست به هنگام دمیدن خورشید، خودنمایی کرده بود.»

— آه من هنوز خواب‌آلوده‌ام... از شما عذر می‌خواهم... گیسوانم چقدر آشفته است...

آن وقت شازده کوچولو نتوانسته بود از تعجب و تحسین خودداری کند.

و پدرش همراه با سارا گفت: «تو چه زیبایی!»

— گل به نرمی گفته بود: «مگر نیستم؟! آخر من هم با خورشید در یک دم شکفته‌ام...»

در یک لحظه سارا شده بود گل و پدرش شازده کوچولو!

معلمینی که هنرهای زبانی را آموزش می‌دهند، فواید تئاتر را در این زمینه به خوبی درک می‌کنند. تئاتر بچه‌ها را در متن دیالوگ، شخصیت‌پردازی و طرح قرار می‌دهد و به آنها کمک می‌کند آنچه را که می‌خوانند بهتر درک کنند و به خاطر بسپارند. با این روش عالی نیز می‌توانید بچه‌هایی را که به خواندن تمایل ندارند، ترغیب کنید که مهارت‌های خود را بیازمایند.

۱. شازده کوچولو، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوازدهم ۱۳۶۶.

همان طوری که در مثال قبل دیدید، لازم نیست صحنه‌ای را که می‌خواهید اجرا کنید، صحنه پیچیده‌ای باشد. می‌توانید صحنه را با تعریف داستان مورد علاقه فرزندتان بازسازی کنید. هنگامی که به صورت خانوادگی کتاب می‌خوانید، اگر پس از خواندن یک صحنه پرحادثه خواندن را قطع کنید و آن را اجرا کنید، لذت بخش است. از توانایی فرزندانتان برای اجرای صحنه به راحتی پی می‌برید که چه مقدار از آن را به خاطر سپرده‌اند و پیچیدگی‌های شخصیت‌ها و طرح را تا چه حد درک می‌کنند.

چگونه صحنه‌ها را در خانه اجرا کنیم

۱. صحنه‌ای ساده را که آغاز و پایانی مشخص دارد انتخاب کنید.
 ۲. نقش هر فرد را مشخص کنید یا اجازه بدهید بچه‌ها نقش دلخواه خود را انتخاب کنند.
 ۳. ابتدا صحنه‌ها را مغشوش و به هم ریخته یادآوری کنید و بعد آنها را به ترتیب وقوع مشخص کنید.
 ۴. صحنه را اجرا کنید و در صورت امکان از دیالوگ و حرکت نیز استفاده کنید.
 ۵. در آخر درباره آن بحث کنید: هر یک از شخصیت‌ها چه احساسی دارد؟ علت رفتارهای آنها چه بوده؟ در آینده چه اتفاقی ممکن است رخ بدهد؟
- هر چه تعداد فرزندانتان بیشتر باشد یا هر چه بچه‌های بیشتری را بتوانید به این کار مشغول کنید، تئاترتان پیشرفته‌تر می‌شود. در صورت تمایل می‌توانید همه بچه‌های محل را درگیر کار کنید. از آنها بخواهید

متن نمایش را بر اساس داستان‌های مورد علاقه خود بنویسند، لباس بازی خود را درست کنند، نقش‌های خود را تمرین کنند و نمایش را برای دوستان و والدین خود اجرا کنند. بعضی از بچه‌هایی که به هیچ وجه علاقه‌ای به خواندن نشان نمی‌دهند، کاملاً مایل هستند متن گفت‌وگوهای خود را حفظ کنند، آنها به خوبی از پس این کار برمی‌آیند و نقش خود را به صورت عالی در برابر تماشاچیان اجرا می‌کنند. نقش بازی کردن یکی از بهترین روش‌ها برای مشغول کردن بچه‌ها به خواندن است و به آنها انگیزه می‌دهد که خود نیز به تنهایی کتاب بخوانند.

خواندن کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را به فرزندانتان توصیه کنید

در انباری خانه پدر و مادرم یک جعبه پر از کتاب است که اغلب کتاب‌های آنرا من و خواهرم خوانده‌ایم. امروزه بسیاری از آن کتاب‌ها به سختی پیدا می‌شوند اما آنها همه کتاب‌های مورد علاقه مادرم بودند و او آنها را برای ما نگه داشته بود. با دیدن علاقه‌ای که مادرمان نسبت به آن کتاب‌ها نشان می‌داد، توجه ما نیز به آنها جلب شد. برای ما باز کردن کتاب‌های قدیمی با جلد اعلای خاک‌آلود و صفحه‌آرایی و حروفچینی قدیمی‌شان، خیلی هیجان‌انگیز بود. قدیمی بودن کتاب‌ها باعث می‌شد فکر کنیم که مخصوص بزرگسالان و مهم هستند.

کتاب‌های مورد علاقه شما در دوران کودکی چه بود؟ آیا آنها را در اختیار فرزندتان قرار داده‌اید؟ اگر خواندن کتاب‌های مورد علاقه خود را به فرزندانتان توصیه کنید دو مطلب را به صورت ظریف و غیرمستقیم به آنها می‌فهمانید: اول این که خودتان به خواندن علاقه دارید و دوم این که فرزندانتان را آن قدر دوست دارید که می‌خواهید علاقه خود را با آنها نیز در میان بگذارید.

طبق تحقیقی که کارول چامسکی^۱ در ۱۹۷۲ انجام داد، بین مراحل رشد زبانشناختی بچه‌ها و تعداد کتاب‌هایی که مادران آنها با خاطره خوب از دوران کودکی خود به یاد داشته و برای فرزندانشان خوانده‌اند،

1. Carol Chomsky

رابطه مهمی وجود دارد. وقتی مادران کتاب‌های گوناگون و مورد علاقه دوران کودکی خود را به یاد می‌آورند، بچه‌ها نیز به ارزش این کار نزد مادرانشان پی می‌برند و نسبت به بچه‌های دیگر برای کتاب خواندن ارزش بیشتری قائل می‌شوند.

پس به گذشته خود بیاندیشید، در صورت لزوم به کتابخانه سری بزنید تا خاطراتتان زنده شود. شاید ببینید که یکی از نویسندگان مورد علاقه دوران کودکی‌تان هنوز می‌نویسد و کتاب‌های جدید بسیاری وجود دارد که می‌توانید همراه با فرزندتان برای اولین بار بخوانید.

اگر فرزندتان مانند شما نیست و به کتاب یا نویسنده خاصی شور و شوق نشان نمی‌دهد، ناامید نشوید. سلیقه‌های افراد با هم متفاوت است و برای این‌که کسی به کتاب‌های چارلز دیکنز یا سی. اس. لوئیس علاقه‌مند شود، شاید لازم باشد که سلیقه‌اش پرورش یابد. مهم تلاش است. همین‌که به طور غیرمستقیم به فرزندتان بفهمانید که شما نیز زمانی کودک بودید و توانایی‌ها و علائقتان نیز در حد یک کودک بود، باب‌های ارتباط و گفت‌وگو بین شما گشوده می‌شود.

۱۱

برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: خرید

ایوا که دختری ۱۳ ساله است، از دسته مجله‌هایی که خاله‌اش به او داده بود رو برگرداند و غرغرنان گفت: «حوصله‌ام سر رفته!» خاله‌اش که کلافه شده بود پرسید: «خوب می‌خواهی چه کار کنی؟ باران می‌بارد و نمی‌توانیم ساحل برویم. تنها کاری که می‌توانیم بکنیم خواندن است!» ایوا ناله‌کنان گفت: «من از خواندن متنفرم، اگر در خانه خودمان بودم به مرکز خرید می‌رفتم.»

— «مرکز خرید؟ باشد، نزدیک‌ترین مرکز خرید ۲۰ کیلومتر از اینجا فاصله دارد. به آنجا می‌رویم ولی باید برای خرید تابع قواعدی باشی که من تعیین می‌کنم.» ایوا گفت: «قبول است!»

وقتی به مرکز خرید رسیدند، خاله ایوا از او خواست جای پارک را پیدا کند و موقعیت آن را به خاطر بسپارد و سپس راهنمای مرکز خرید را به ایوا نشان داد و گفت:

«سه تا از فروشگاه‌ها را انتخاب کن و راه رسیدن به هر کدام را نیز پیدا کن.» ایوا دوتا از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مورد علاقه خود و یک فروشگاه را که نام جالبی داشت انتخاب کرد. دست خاله‌اش را گرفت و او را کشان‌کشان در راهروهای مرکز خرید برد تا تابلوی اولین فروشگاه را دید.

خاله‌اش گفت: «خیلی خُب، حالا قسمتی را پیدا کن که لباس‌های اندازه تو را به نمایش گذاشته‌اند، می‌توانی سه تا از لباس‌ها را پُرُو کنی.»

ایوا به سرعت دستوره‌های خاله‌اش را اجرا کرد. یکی از لباس‌ها واقعاً افسانه‌ای بود اما خاله‌اش باز هم قواعدی داشت: «به مارک لباس دقت کن. آیا قابل شست‌وشو (در ماشین لباس‌شویی) است؟»

متأسفانه این‌طور نبود و ایوا آن‌را سر جایش گذاشت و همراه خاله‌اش به فروشگاه دوم رفت و قبل از این‌که به فروشگاه سوم بروند ایوا لباس‌های زیادی را پُرُو کرده بود اما آنها را به علت قیمت، عدم قابلیت شست‌وشو یا جنس، کنار گذاشته بود. در آخرین فروشگاه همان چیزی را پیدا کرد که می‌خواست. به سمت ماشین حرکت کردند و ایوا از خاله خود تشکر کرد و گفت: «ببخشید اما من واقعاً نمی‌توانم وقت خود را با خواندن بگذرانم.»

خاله‌اش گفت: «منظورت چیست؟ از وقتی که برای خرید آمدیم تو قدم به قدم مشغول خواندن بوده‌ای!»

بچه‌ها به سختی می‌توانند بین خواندن و فعالیت‌های روزمره خود ارتباط برقرار کنند، به خصوص اگر خواندن را صرفاً فعالیتی درسی بدانند. حتی یک خرید ساده نیز به خواندن نیاز دارد و اگر دستورالعمل ساده زیر را به کار گیرید، فرزندتان متوجه آن خواهد شد.

چگونه هنگام خرید تمرین خواندن کنیم

- ① از فرزندانتان بخواهید اجناسی را که می‌خواهید در راهنمای فروشگاه پیدا کنند و با خواندن علائمی که از سقف آویزان شده است محل مورد نظر را شناسایی کنند.
- ② از فرزندانتان بخواهید مارک‌های مختلف پودر رخت‌شویی، ماست، حبوبات و غیره را از نظر قیمت، محتویات و اندازه بسته‌بندی آن با هم مقایسه کنند. با همدیگر ببینید که کدام جنس برای خریدن بهتر است.
- ③ علائم تجاری‌ای را که فرزندتان می‌شناسد به او نشان بدهید و برای او توضیح بدهید که تولیدکنندگان از این علائم تجاری استفاده می‌کنند

تا مردم بتوانند محصولات آنها را در یک نگاه و بدون خواندن کلمات، پیدا کنند. حتی فرزند پیش دبستانی شما نیز می تواند محصولات مورد علاقه خود را با «خواندن» علامت تجاری آنها پیدا کند.

● از فرزندانان بخواهید بر اساس ملاک هایی که برایشان ذکر می کنید، مارک مشخصی را برای یک محصول انتخاب کنند. مثلاً از آنها بخواهید بیسکویتی را انتخاب کنند که نسبت به سایر بیسکوئیت ها شکر کمتری در تهیه آن به کار رفته باشد یا نوشابه ای را پیدا کنند که بدون کافئین باشد.

هنگامی که اجناس خریداری شده را در منزل جابه جا می کنید با فرزندانان صحبت کنید و بگویید که خواندن چگونه به شما کمک می کند تا بتوانید خوب خرید کنید و مواردی را که هنگام خرید از خواندن استفاده کردید برشمرد. مثلاً: برای پیدا کردن مغازه، انتخاب کالا، پیدا کردن بخش مورد نظر فروشگاه، انتخاب چک پول مناسب و الی آخر. از بچه ها بخواهید تعریف کنند که چه چیزهایی را هنگام خرید خواندند و از آنها بخواهید تصور کنند که اگر نمی توانستند خوب بخوانند، چگونه خرید برایشان سخت تر، گران تر و وقت گیرتر می شد.

۱۲.

برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: آشپزی

مونا هنوز هم از خاطره روزهایی که در منزل مادر بزرگش غذا می‌خوردند



لذت می‌برد.

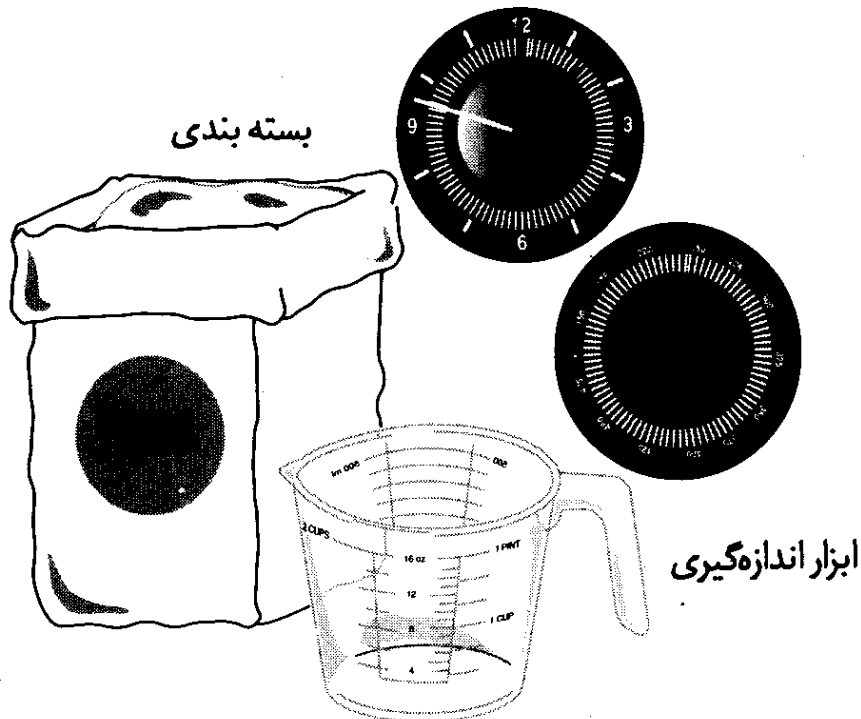
«من با کتاب آشپزی روی چهارپایه بلندی می‌نشستم و برادرم مایرون که در هیچ زمان دیگری حاضر نبود پیش‌بند ببندد، پیش‌بندی به تن می‌کرد. مادر بزرگ مثل سرهنگی که سربازانش را تمرین می‌داد، داد می‌زد: بعد چی؟ بعد چی؟ و من صورت مواد لازم را می‌خواندم و مایرون و مادر بزرگ این طرف و آن طرف می‌رفتند تا همه چیز را پیدا کنند و بچینند. بعد مادر بزرگ می‌گفت: بعد چی؟ بعد چی؟ و من مراحل تهیه غذا را به ترتیب می‌خواندم و مایرون داد می‌زد: «نوشته نصف پیمانه یا یک چهارم پیمانه؟» همه چیز آشفته به نظر می‌رسید ولی واقعاً لذت‌بخش بود. من هنوز هم از خواندن کتاب‌های آشپزی لذت می‌برم، همه آنها یک ساختار قابل پیش‌بینی دارند. البته مایرون هم در ارتش آشپز شده است و هر وعده برای صدها نفر غذا می‌پزد.

بسیاری از بچه‌ها هرگز به این فکر نمی‌افتند که «چرا باید خواند؟» اما بعضی از بچه‌ها نیاز دارند که رابطه بین خواندن و مسائل عملی را ببینند. فرزندتان از دیدن این که هنگام آشپزی از مهارت خواندن خود استفاده می‌کنید، سود می‌برد. حتی اگر بر اساس غریزه‌ی خود آشپزی می‌کنید و هرگز کتاب آشپزی باز نمی‌کنید، باز هم هنگام آشپزی می‌خوانید و فرزندتان می‌تواند در این کار به شما کمک کند.

چگونه هنگام پختن غذا تمرین خواندن کنیم

۱. اگر از کتاب آشپزی استفاده می‌کنید، از یکی از فرزندانتان بخواهید صورت مواد لازم را بخواند و از دیگری بخواهید جای هر یک از مواد را در قفسه‌ها پیدا کند.
۲. از یکی از فرزندانتان بخواهید مراحل تهیه غذا را یکی یکی بخواند. این مراحل را در صورت امکان با کمک فرزندتان انجام دهید.
۳. هنگام کار به هر چیزی که می‌خوانید اشاره کنید. علاوه بر دستور پخت غذا چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید:

وسایل تنظیم زمان و دما




اگر می‌خواهید فرزندتان تجربه‌ی جالبی از خواندن داشته باشد، از او بخواهید دستور غذای مورد علاقه خود را انتخاب کند، از موادی که باید برای پختن آن بخرد، صورتی تهیه کند، به فروشگاه برود و آن مواد را پیدا

کند و سپس در پخت غذا به شما کمک کند. پخت غذا کاری اساسی و روزمره است اما به خوبی نشان می‌دهد که مردم چگونه در زندگی واقعی خود از خواندن استفاده می‌کنند.

۱۳

برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: تعمیر خانه

 شوهرم بی‌صبرانه انتظار روزی را می‌کشد که بچه‌هایمان بزرگ شوند و بتوانند در انجام کارهای خانه به او کمک کنند. فکر می‌کنم پیش خودش تصور می‌کند که با بچه‌ها به پشت بام رفته است تا آنتن جدید را نصب یا یکی از کاشی‌ها را تعمیر کند، و بچه‌ها ابزار کار را به دست او می‌دهند. من از تصور این‌که بچه‌های کوچک بخواهند از نردبان بالا بروند دچار نگرانی و اضطراب می‌شوم، اما با این فکر خودم را آرام می‌کنم که «وَرَدست‌های کوچولوی بابا» در خانه یا حیاط دنبال چیزی می‌گردند تا آن‌را تعمیر کنند، اگر اتفاقی برایشان نیفتد، از این کار درس‌های ارزشمندی می‌آموزند.

دنیای عجیب تعمیرات خانگی موقعیت‌های فراوانی را برای خواندن فراهم می‌کند. اگر شما مثل من باشید باید قبل از تعویض یک لامپ سوخته، مطالب روی پاکت لامپ جدید را حتماً بخوانید و اگر مثل شوهر من باشید اول کار مورد نظر را شروع می‌کنید و بعد در صورت برخوردن به یک مشکل دنبال دستورالعمل می‌گردید.

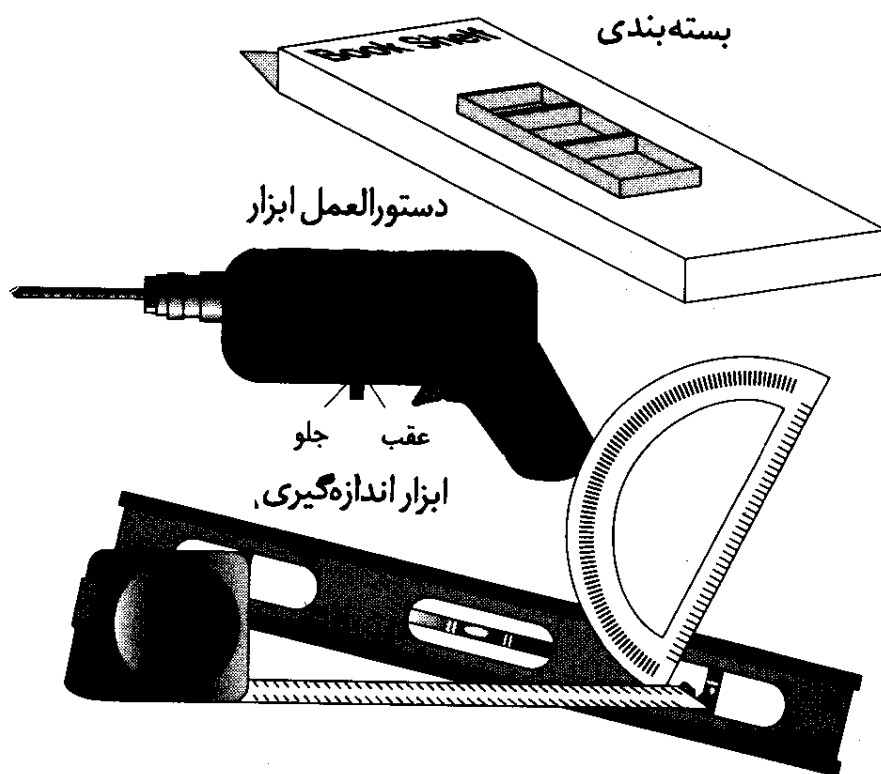
بچه‌ها اغلب از سنین پایین به استفاده از ابزار علاقه نشان می‌دهند و چه بخواهید و چه نخواهید با چکش پلاستیکی خود به اشیاء می‌کوبند. اگر بتوانید این انرژی بچه‌ها را در جهت کاری که به درد زندگی واقعی آنها می‌خورد سمت و سوبدهید بسیار عالی است. با این کار به آنها نشان

می‌دهید که چگونه در زندگی خود به عنوان یک بزرگسال از خواندن استفاده می‌کنید.

چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنیم

۱. ابزارتان را با فرزندتان بررسی کنید و درباره‌ی نام، کار و طرز کار هر یک صحبت کنید. حتماً تأکید کنید که بعضی از ابزارها فقط باید توسط بزرگسالان استفاده شود.

۲. از ابزاری که برای انجام یک کار خاص لازم دارید صورتی تهیه کنید، از فرزندتان بخواهید آن را بخواند، ابزار را پیدا کند و آنها را آماده کند.



۳. مسئولیت اشیا را به فرزندتان بسپارید. اگر می‌خواهید ماشین لباس‌شویی را نصب کنید، ممکن است داخل بسته مخصوص لوازم


آن یک صورت از لوازم نیز وجود داشته باشد. از فرزندتان بخواهید صورت را بخواند و اطمینان حاصل کند که همه لوازم ذکر شده در بسته مخصوص موجود است.

۴. به هر چیزی که می خوانید اشاره کنید. علاوه بر دستورالعمل های موجود، چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید.

دخالت دادن بچه ها در کار تعمیرات خانگی حُسن دارد، چون بچه ها با دیدن نتایج کار به اهمیت خواندن پی می برند. اگر لوله یا اتصالاتی که تازه تعویض شده اند دچار مشکل شوند یا دستشویی ای که پدر تازه نصب کرده است از جا کنده شود و به زمین بیفتد، لابد یک جای کار ایراد داشته است. این جور فاجعه ها معمولاً زمانی رخ می دهند که از دستورالعمل پیروی نشود. (گاهی نیز به این دلیل است که دستورالعمل درست نوشته نشده است اما این دیگر از حوصله این کتاب خارج است.)

۱۴.

برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: کارهای دستی

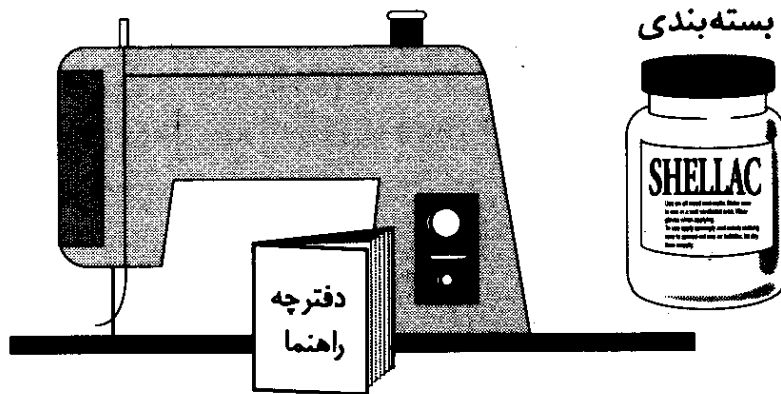
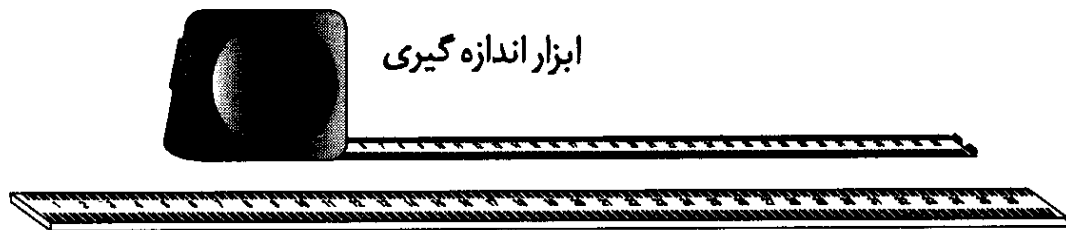
 بسیاری از آشنایان ما برای خواندن رمان و زندگی‌نامه وقت ندارند چون وقت آزاد خود را صرف کارهای دستی می‌کنند. یکی از این زنان برای بچه‌های دوستانش لحاف‌های بسیار زیبایی می‌دوزد، یکی برای سرگرمی صندلی‌های حصیری می‌بافد و شوهرش ساعت‌های قدیمی را تعمیر می‌کند. یکی از زنان لباس همه اعضای خانواده خود را می‌دوزد و یکی دیگر مبلمان قدیمی را بازسازی می‌کند. همه این افراد سرگرم کارهایی‌اند که خواندن را نیز به نوعی شامل می‌شوند و بچه‌های آنها نیز می‌توانند از پرداختن به این کارها سود ببرند.

مطالب غیرادبی معمولاً اهداف زیر را پی‌گیری می‌کند: دادن اطلاعات، متقاعد کردن و دستور دادن یا راهنمایی کردن. ما از صبح تا شب چه پشت جعبه مایکروفر، چه در دفترچه خودرو و چه در نقشه راهنمای مسیرهای اتوبوس، دستورالعمل یا راهنما می‌خوانیم. برای انجام کارهای دستی معمولاً باید از انواع دستورالعمل‌ها پیروی کنیم. وقتی در انجام کار خاصی مهارت به دست می‌آورید می‌توانید از خواندن تمام دستورالعمل آن چشم‌پوشی کنید اما وقتی به یادگیری آن مشغول هستید، استعدادتان در خواندن و عمل کردن به دستورها، نقش اساسی ایفا می‌کند.

چگونه هنگام انجام کارهای دستی تمرین خواندن کنیم

۱. مدل‌ها، دستورالعمل‌ها و صورت‌لوازم مورد نیاز را دم دست بگذارید. از فرزندتان بخواهید به شما بگوید که برای انجام کار به چه چیزهایی نیاز دارید.

۲. در صورت تمایل، فرزندتان را همراه خود به فروشگاه ببرید تا کالاهای مورد نیاز را پیدا کنید و بخرید: پارچه، تکه‌های چوب، نخ، الگو یا شابلن، رنگ و غیره.



راهنمای استفاده از ابزار یا دستگاه

۳. ضمن انجام کار به هر چیزی که می‌خوانید اشاره کنید. به غیر از دستورالعمل‌ها چیزهای دیگری نیز هست که باید بخوانید: بسیاری از بچه‌ها به طور طبیعی به کارهای دستی گرایش دارند. هنگام انجام کارهای دستی مجازند که دست و بال خود را کثیف کنند و نتیجه‌ی کار نیز برایشان کاملاً ملموس است.

وقتی برای اولین بار قلاب‌بافی می‌کنند و تمام نخ‌ها را به هم گره

می‌زنند و وقتی قطعات ماکت هواپیمای خود را به میز ناهارخوری تان می‌چسبانند، مهارت‌هایی را می‌آموزند که تا آخر عمر از آنها استفاده خواهند کرد. مهارت‌های بصری‌ای که برای جور کردن قطعات یک ماکت یا بخش‌های یک الگو استفاده می‌شود، پیش‌نیازی است که به فرزندتان کمک می‌کند به خوبی و راحتی بخواند. اگر فرزندتان بخواهد در مدرسه یا در شغل خود کارآیی خوبی داشته باشد، باید بتواند از دستورالعمل‌های دو، سه یا ده مرحله‌ای پیروی کند. اگر برای سرگرمی به کارهای دستی می‌پردازید، به فرزندانتان اجازه بدهید آنها نیز در انجام این کارها دخالت داشته باشند و بدین ترتیب در حق آنها خدمت بزرگی بکنید.

۱۵.

برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: شغل شما

من و همسر من به خوبی روزهایی را به یاد می‌آوریم که به طرز مرتب در آزمایشگاه‌های محل کار پدرانمان، به دیدن آنها می‌رفتیم. من بوی مواد شیمیایی، صندلی‌های گردان و علائم عجیبی را که با گچ رنگی روی تخته سیاه می‌نوشتند، به خاطر می‌آورم... وقتی به ما اجازه می‌دادند که با گچ رنگی در گوشه‌ای از تخته سیاه علائم خودمان را بنویسیم یا شکل دانشجویان مشغول کار را رسم کنیم، چقدر هیجان‌انگیز بود.

چرا باید دیدار از محل کار پدر و مادر فقط سالی یک‌بار اتفاق بیفتد؟ محیط کار بهترین موقعیت را فراهم می‌کند تا به صورت عملی به فرزندانمان نشان دهیم که چرا باید خواندن، نوشتن، جمع و تفریق را بیاموزند. چه مهندس معمار باشید و چه هنرپیشه، چه آرایشگر و چه نانوا، در محل کار خود می‌خوانید و فرزندانتان باید این را بدانند. قبل از این که فرزندانتان را به محل کارتان دعوت کنید به پاسخ این سؤال‌ها بیاورید:

❶ در کار خود چگونه از خواندن استفاده می‌کنم؟ آیا دفترچه راهنما می‌خوانم یا نامه، صفحه نمایشگر رایانه، دستورالعمل، ابزار اندازه‌گیری، جدول، برچسب پوشه‌ی پرونده، تابلوی فرمان، و یا نقشه؟

این‌که بتوانم هنگام کار خود خوب و سریع بخوانم چه اهمیتی دارد؟
 کدام یک از مهارت‌هایی را که در مدرسه آموخته‌ام در محل کار خود استفاده می‌کنم؟ آیا می‌نویسم؟ آیا حساب می‌کنم؟ آیا از مهارت‌های گفتاری و شنیداری استفاده می‌کنم؟ چگونه؟

اگر به این سؤال‌های خود پاسخ بدهید می‌توانید هنگامی که فرزندانتان از محل کارتان بازدید می‌کنند، روی این مسئله که چگونه مهارت‌هایی را که می‌آموزند در کار شما نقش پیدا می‌کنند، بهتر تمرکز کنید.

فرزندتان را به بخش‌های مختلف محل کارتان ببرید و قدم به قدم به او بگویید که در یک روز عادی چه کارهایی انجام می‌دهید. ابزارهایی را به او نشان دهید که کارتان را ساده‌تر می‌کند و به او بگویید که چگونه آموختید که این کار را انجام دهید. بیشتر بچه‌ها فکر می‌کنند که یادگیری با خوردن زنگ و تعطیل شدن مدرسه، تمام می‌شود و به سختی می‌توان نظر آنها را عوض کرد. اگر برایشان تعریف کنید که چگونه هنگام انجام کار چیزهایی می‌آموزید، به آنها کمک می‌کنید تا بهتر بتوانند تجربیات زندگی تحصیلی خود را به «زندگی واقعی» بزرگسالان ربط دهند.

اگر می‌توانید کار خود را با کار بچه‌ها مقایسه کنید:

«یادت می‌آید در مدرسه یاد گرفتی که چگونه از دستگاه Mac استفاده

کنی؟ من دارم طرز استفاده از این دستگاه جدید را یاد می‌گیرم.»

«یادت می‌آید هفته گذشته چطور با یک سطر از اعداد مشکل پیدا

کرده بودی؟ حالا بین من باید با یک صفحه پر از عدد کار کنم!»

«وقتی این قسمت را امتحان می‌کنم، همان کاری را می‌کنم که تو

هنگام امتحان دادن انجام می‌دهی. اول همه کارهایی را انجام می‌دهم که

بلد هستم و بعد برمی‌گردم و روی قسمت‌هایی کار می‌کنم که خوب بلد نیستم.»

محل کار شما نباید برای فرزندان‌تان فضای اسرارآمیزی باشد که بیشتر روز در آنجا ناپدید می‌شوید. اگر فرزندان‌تان بدانند که چه کاری انجام می‌دهید، و چرا و چگونه آنرا انجام می‌دهید، می‌توانند شما را بهتر درک کنند و در ضمن می‌فهمند که چرا مشغولیت فعلی آنها - یعنی یادگیری در مدرسه - نقش مهمی را در آینده آنها ایفا خواهد کرد.

بخش ۲

**مطالب خواندنی را
در دسترس قرار دهید**

در خانه مطالب خواندنی داشته باشید

⚠ پدرم تعریف می‌کند که یکی از همسایگان مهربانشان سال‌ها پیش به خانه پدر و مادرم که در نزدیکی دانشگاه واشنگتن بود سر زد و وقتی به درون اتاق نشیمن آپارتمان آنها قدم گذاشت، نفسش بند آمد، دور خود چرخید و گفت: «وای چقدر کتاب! یک روز حتماً باید بیایم و یکی از آنها را از شما قرض بگیرم.» لابد قبل از آن به ذهن والدینم خطور نکرده بود که نحوه‌ی تزئین خانه‌شان کمی غیرعادی است. من هم که در جمع خانواده‌های دانشگاهی دیگر بزرگ شده بودم چنین فکر نمی‌کردم. (البته سال‌ها بعد که شوهرخواهرم می‌خواست قفسه‌های کتاب‌خانه‌شان را مانند قفسه‌های کتابخانه موازی هم بچیند، ناراحتی خواهرم را درک می‌کردم. گاهی پیش می‌آید که آدم‌ها زیاده‌روی بکنند.) خانواده ما از شهری به شهر دیگر نقل مکان می‌کرد و ما بچه‌ها یاد گرفته بودیم که کتاب‌ها را چگونه در جعبه بچینیم و از جعبه در بیاوریم و دوباره روی قفسه بچینیم. روزهای بارانی که از پرسه زدن در خانه کسل می‌شدیم، کتاب‌های قدیمی را از قفسه‌ها برمی‌داشتیم و سرگرم اساطیر یونانی و ماجراهای جنگ جهانی دوم می‌شدیم. از قفسه‌های کتاب‌های والدینمان هر کتابی را که می‌خواستیم قرض می‌کردیم و به مجموعه کتاب‌های خودمان می‌افزودیم.

تحقیقات نشان می‌دهد که صرف نظر از وضعیت اقتصادی-اجتماعی، بچه‌هایی که در خواندن موفق‌اند چند خصوصیت مشترک دارند:

① والدینشان از آنها انتظار تحصیلی بالایی دارند.

⑤ والدین یا خواهر و برادر بزرگ‌تر در انجام تکالیف مدرسه به آنها کمک می‌کنند.

⑥ والدین آنها با صدای بلند کتاب یا مطالب دیگر را برایشان می‌خوانند.
⑦ آنها در خانه کتاب دارند.

وقتی صحبت از مطالب خواندنی برای بچه‌ها می‌شود، هر چقدر بر اهمیت در دسترس بودن کتاب تأکید کنیم باز هم کم است. بچه‌ها نباید فکر کنند خواندن کاری است که فقط باید در مدرسه انجام داد.

شما چند بار با وضعیت زیر روبه‌رو شده‌اید؟

فرزندتان باید روز شنبه یک گزارش را به معلم خود تحویل دهد.
جمعه‌شب است و شما نمی‌توانید او را به کتابخانه ببرید.

اگر در قفسه‌های کتاب خود مطالب مرجع داشته باشید فرزندتان می‌تواند بدون ترک خانه گزارش قابل قبولی بنویسد. لازم نیست برای درست کردن یک کتابخانه مرجع در خانه خود متحمل هزینه سنگین بشوید. دایرةالمعارف‌ها، لغت‌نامه‌ها و مطالب مرجع دیگر در بعضی از جاها به صورت دست دوم به فروش می‌رود. سعی کنید کتاب‌هایی را تهیه کنید که خیلی قدیمی نباشند و آنها را در جایی نگهداری کنید که به راحتی در دسترس شما و فرزندتان باشد. به خاطر داشته باشید که اگر در خانه رایانه و مودم دارید از منابع مختلف اینترنت نیز می‌توانید استفاده کنید. گرچه استفاده از اینترنت مجانی نیست! (برای اطلاعات بیشتر درباره منابع مرجع به روش ۴۲ مراجعه کنید.)

هدف اصلی از نوشتن، انتقال اطلاعات، متقاعد کردن و سرگرم کردن است. بیشتر مطالبی که بچه‌ها در مدرسه می‌خوانند، به خصوص از کلاس چهارم به بعد، برای دریافت اطلاعات است. اگر بچه‌ها متوجه

جنبه‌ی سرگرمی بسیاری از کتاب‌ها و مجلات موجود بشوند، به خواندن در خانه علاقه‌ی بیشتری پیدا می‌کنند.

اگر در خانه مجموعه‌ی خوبی از کتاب‌های کودکان دارید، قبل از خواب که می‌خواهید برای فرزندتان قصه بخوانید، برای پیدا کردن قصه دچار مشکل نمی‌شوید. باز هم می‌توانید از فروشگاه‌هایی که کتاب‌های دست دوم می‌فروشند استفاده کنید. می‌توانید از دوستانتان بخواهید کتاب‌هایی را که دیگر برای گروه سنی فرزندانشان مناسب نیست به شما بدهند یا با دوستانی که فرزندانشان هم‌سن فرزندان شما هستند قرار بگذارید که کتاب‌هایتان را به همدیگر قرض بدهید. وقتی می‌گوییم کتاب‌ها باید در دسترس باشند، منظورم دقیقاً همین است. بچه‌ها باید بتوانند به آنها دست پیدا کنند، به آنها دست بزنند، آنها را ورق بزنند و بخوانند. اگر کتاب‌های جلد اعلا را در قفسه‌های شیشه‌ای نگهداری کنید و آنها را از دور تحسین کنید هیچ فایده‌ای به حال فرزندانتان نخواهد داشت. البته خوب است که از سن پایین به فرزندانتان بیاموزیم که به کتاب احترام بگذارند اما اگر روی قفسه کتاب‌ها علامت «دست نزنید» نصب کنیم یا با رفتار خود به بچه‌ها نشان بدهیم که نباید به کتاب‌ها دست بزنند، به جای تشویق کتاب‌خوانی، بچه‌ها را از این رفتار منصرف می‌کنیم.

چگونه احترام گذاشتن به کتاب را آموزش بدهیم

- ① به بچه‌ها یادآوری کنید که با دست‌های تمیز به کتاب‌ها دست بزنند.
- ② از آنها بخواهید کتاب‌ها را پاره نکنند، صفحات کتاب را تا نکنند.
- ③ در کتاب‌ها - به خصوص کتاب‌های کتابخانه - چیزی نکنند و نویسند.

- ❶ فرزندانان را کمک کنید برای کتاب‌های خود نشان‌گر درست کنند. به آنها بگویید که به جای باز گذاشتن کتاب‌ها در حالت دَمَر که به شیرازه‌ی کتاب فشار وارد می‌آورد، از نشان‌گر استفاده کنند.
- ❷ به همدیگر کمک کنید و صفحات یا شیرازه‌ی کتاب‌هایی که پاره شده‌اند را تعمیر کنید.
- ❸ با نام فرزندانان مَه‌ری تهیه کنید تا در کتاب‌های خود بزند. اگر فرزندانان احساس کند کتاب جزو اموال شخصی اوست، بهتر می‌تواند مسئولیت نگهداری آن را به عهده بگیرد.

۱۷.

به هر جایی که می‌روید همراه خود کتاب ببرید

⚠ ملانی با عصبانیت گفت: «هیچ کاری مثل این سخت نیست که دو تا بچه‌ی کوچک را که از شدت گوش‌درد گریه می‌کنند به درمانگاه ببری و دو ساعت تمام در یک اتاق انتظار که به هیچ‌وجه مناسب بچه‌ها نیست انتظار بکشی. پیرمردهای عصا به دست زیر لب مرا نفرین می‌کردند و زن‌های حامله با وحشت به من زل می‌زدند و می‌ترسیدند از این‌که خودشان در آینده مثل من بشوند. البته مطمئن هستم که همه فکر می‌کردند بهتر از من می‌توانند از پس این کار بر بیایند، شاید هم حق داشتند...»

اما من یک چیز را یاد گرفتم: دیگر هرگز بدون این‌که دو سه تا کتاب توی کیف پسرم بگذارم از خانه خارج نمی‌شوم. با خواندن مجله‌ها و کتاب‌هایی که در اتاق انتظار درمانگاه‌ها پیدا می‌شود نمی‌شود سر بچه‌ها را گرم کرد.»

بچه‌ها از انتظار کشیدن متنفرند. اگر ماشین خراب شود، اگر صف فروشگاه بلند باشد یا اگر مطب دندانپزشکی بیش از حد شلوغ باشد حتی خوش‌خلق‌ترین بچه نیز می‌تواند رفتاری از خود نشان بدهد که والدین را به ستوه بیاورد.

تنها علاج این است که خود را با سرگرمی‌های گوناگون برای موقعیت‌های اضطراری مجهز کنید. هر جا که می‌روید ممکن است موقعیت اضطراری پیش بیاید، پس هر جا که می‌روید اسباب‌بازی و کتاب را بخشی از اثاثیه خود قرار دهید.

قبل از این که از خانه خارج شوید از فرزندانتان بخواهید که هر کدام کتاب یا مجله مورد علاقه خود را برای بردن انتخاب کند. می توانید آنها را در کوله پستی فرزندتان، در کیف خود یا در کیف نوزادتان بگذارید. شاید به نفعتان باشد که با دوام ترین کتاب ها را با خود ببرید یا کتاب ها و مجلاتی را ببرید که از گم شدن یا خراب شدن آنها ناراحت نمی شوید. همه والدین می دانند که بردن کتاب و اسباب بازی به سفر خیلی از اوقات یعنی جا گذاشتن کتاب یا اسباب بازی در سفر. اگر به جایی مانند ساحل دریا یا رستوران می روید که ممکن است کتاب های خوب در آنجا آسیب ببینند یا اگر فرزندتان حواس پرت است، کتاب های کتابخانه را همراه خود نبرید.

اگر بتوانید بچه ها را در موقعیت های پرتنش سرگرم نگه دارید هم برای اعصاب خودتان خوب است و هم پیش همه مردم دنیا عزیز می شوید. اگر هنگام انتظار کشیدن در صف برای دو کودک سرشار از شیفتگی و هوشیار با صدای بلند کتاب بخوانید خیلی بهتر از آن است که در راهروهای فروشگاه دنبال یک بچه نق نقو بدوید در حالی که بچه دیگر توی چرخ دستی نشسته است و جیغ می کشد و هر آن ممکن است تعادل خود را از دست بدهد و بیفتد. چقدر پدری که بچه خود را در صندلی مخصوص در رستوران آرام و سرگرم نگه می دارد در نظرمان خوشایند است و چقدر پدری که کودک نوپای خود را ول می کند تا در رستوران پرسه بزند و مواد غذایی را روی زمین بریزد، ناخوشایند. با کمی برنامه ریزی و چند کتاب خوب می توانید روابط خود را با دوستان، همسایگان و غریبه ها بهبود بخشید.

در اختیار بچه‌های مریض، کتاب و مجله قرار دهید

⚠️ مطمئنم که اعتیاد من به مجله‌های باطله ریشه در زمانی دارد که در کودکی به علت پنومونی (ذات‌الریه) در رختخواب می‌ماندم. فقط وقتی حالم خیلی بد می‌شد پدر و مادرم راضی می‌شدند چنین مطالبی در اختیارم بگذارند اما به درد و بیماری‌اش می‌ارزید چون دسترسی به آنها برایم لطفی افسانه‌ای داشت و هریک از آنها را بارها و بارها می‌خواندم.

شاید درست نباشد بگویم اما به نظر من خواندن مطالب سطح پایین بهتر از این است که آدم چیزی نخواند. چرا باید بچه‌ی مریض با چشم‌های تب‌دار خود به صفحه تلویزیون زل بزند حال آن‌که می‌تواند مهارت‌های خواندن خود را تقویت کند؟ حتی کتاب‌های کارتونی هم با ارزشند. آنها هم مانند ادبیات داستانی «واقعی» شامل طرح، شخصیت‌پردازی و گفت‌وگویند. مجله‌های نوجوانان با جذابیت‌های ظاهری‌شان برای بچه‌های ده-دوازده‌ساله منبع لذت‌اند و شامل انواع سبک‌های نوشتاری غیرداستانی نیز می‌شوند که بسیاری از بچه‌ها به قدر کافی فرصت آشنایی با آنها را پیدا نمی‌کنند. با خواندن این مجله‌ها، بچه‌ها برای مطالبی که باید در بزرگسالی بخوانند آمادگی پیدا می‌کنند. اگر فرزندان یک دوران طولانی نقاقت در پیش رو دارد، (مثلاً بعد از آبله‌مرغان، سرخک یا

برونشیت) اطمینان حاصل کنید که مطالب خواندنی کافی در اختیار دارد تا سرگرم بماند. اگر بتوانید هر روز که از سر کار به منزل برمی‌گردید چیز جدیدی به مطالبش اضافه کنید خیلی خوب است. وقتی بچه‌ها نه آن قدر مریض‌اند که تمام روز را بخوابند و نه آن قدر سلامتند که به فعالیت‌های روزمره پردازند، خیلی زود کسِل می‌شوند. وقتی به داروخانه می‌روید تا شربت سینه بگیرید، به دکه روزنامه‌فروشی هم سری بزنید و مجله‌ای را که به نظرتان جذاب است انتخاب کنید. اگر جاده سلامتی را ادبیات پیش‌پاافتاده هموار می‌کند می‌ارزد با پرداخت این بهای اندک باعث رضایت فرزندتان شوید و به هر حال خواندن از بسیاری فعالیت‌های دیگر که فرزند بیمارتان می‌تواند انتخاب کند، سالم‌تر است.

به عنوان پاداش به فرزندان کتاب یا مجله بدهید

⚠ مسئله پاداش دادن به بچه‌ها برای رفتارهایی که از آنها انتظار داریم، مسئله پیچیده‌ایست. زنی که من می‌شناسم برای این‌که فرزندان خود را به خواندن تشویق کند در صفحه دهم یا پانزدهم لای کتاب اسکناس می‌گذاشت. استدلال او این بود که اگر تا آن صفحه می‌خواندند جذب می‌شدند و واقعاً هم همینطور بود.

من به شخصه طرفدار این نیستم که به خاطر گرفتن نمره‌های خوب در مدرسه یا به خاطر تعداد کتاب‌هایی که می‌خوانند، به بچه‌ها پاداش بدهیم. اما قبول دارم که بعضی از اوقات بچه‌ها مستحق پاداشند و فکر می‌کنم بد نیست چیزهایی را به آنها بدهیم که می‌خواهیم برایش ارزش قائل شوند. پاداش را به خاطر رفتارهایی باید به بچه‌ها داد که «ورای وظیفه» آنهاست نه به خاطر رفتارهایی که در روند عادی زندگی از آنها انتظار داریم. البته که نمره‌های خوب مایه افتخار است. اما نمره‌های خوب باید در طولانی مدت و به خودی خود پاداش کار فرد محسوب شود. خواندن هم همینطور است. بعضی از بچه‌ها هنگام رقابت شکوفا می‌شوند و به همین دلیل نیز برنامه مطالعه تابستانی کتابخانه‌ها می‌تواند مفید باشد (مراجعه کنید به روش ۳۰). البته اگر کودک را با پاداش

به خواندن تشویق کنید ممکن است اثر عکس داشته باشد: آیا با برداشتن پاداش انگیزه‌ی خواندن از بین می‌رود؟

فرض کنید فرزندان یک کار واقعاً قابل توجه انجام داده است: مثلاً باعث پیروزی تیم فوتبالشان شده است یا دو هفته پشت سر هم در تعطیلات پایان هفته از خواهر و برادر کوچک‌ترش بدون هیچ شکایتی نگهداری کرده، یا برای نظافت محله اهالی محل را بسیج کرده است. چطور است به او نشان بدهید که به کار او افتخار می‌کنید و به عنوان پاداش کتاب یا مجله‌ای را به او بدهید که با موضوع کارش ارتباط داشته باشد: می‌توانید به او یک رمان ورزشی یا کتابی درباره‌ی نگهداری از بچه بدهید یا او را مشترک یک مجله مربوط به طبیعت و محیط زیست کنید.

اگر کاری که انجام داده است کوچک‌تر است می‌توانید به او یک کتاب مصور یا کتاب جدول و معما بدهید. و اگر کارش خیلی بزرگ بود می‌توانید پاداش بزرگی به او بدهید، مثلاً یک دایرةالمعارف کودکان. اگر فرزندان را طوری بار آورده‌اید که به خواندن علاقه‌مند باشند از دریافت چنین پاداشی به هیجان می‌آیند. علاوه بر آن وقتی از مطالب خواندنی به عنوان پاداش استفاده می‌کنید این مفهوم را نزد بچه‌ها تقویت می‌کنید که کتاب، مجله و حتی مجله‌ی مصور کودکان، فی‌نفسه با ارزش‌اند.

کارهایی را اختراع کنید که به خواندن مربوط می شود

اولین کاری که در افزایش پول گرفتم سفارش دادن مقاله برای پدرم بود. کارم این بود که کارت مخصوص را پُر کنم، آدرس مقاله را از پایین صفحه کپی کنم و آدرس گیرنده را بنویسم. پدرم برای هر کارت یک سکه به من می داد. تلفظ و معنی بسیاری از کلماتی را که آن روزها می نوشتم، حتی امروز هم نمی دانم. کد پستی تقریباً تمام شهرک های دانشگاهی ایالات متحده را نیز حفظ شدم.

حتماً کارهای زیادی در خانه دارید که حوصله یا فرصت انجام آنها را ندارید. کدام یک از این کارها شامل خواندن یا نوشتن می شود؟ اگر فرزندتان کسل و بی حوصله است، آیا می توانید او را به انجام آن کار ترغیب کنید؟ شاید فکر کنید که اگر برای فرزندتان کار بسازید برای خودتان دردسر تراشیده اید اما وقتی تعطیلات طولانی تابستانی فرامی رسد و استخر به علت تعمیرات تعطیل است، این جور کارها می تواند نعمتی باشد. به پیش نهادهای زیر فکر کنید و خودتان نیز کارهایی را پیشنهاد کنید:

● از فرزندتان بخواهید یک صورت غذا بر اساس حروف الفبا برایتان تهیه کند یا دستور تهیه غذاهایی را که با عجله از تلویزیون یادداشت کرده اید، برایتان پاک نویس کند یا در کامپیوتر تایپ کند.

۱۰ از فرزندتان بخواهید از جشن‌ها و مراسم و سالگردهای افراد فامیل یک تقویم درست کند و آن را برای سایر اعضای فامیل نیز ارسال کند.

۱۱ عکس‌هایی را که می‌خواهید در آلبوم بچینید به فرزندتان بدهید و از او بخواهید تاریخ و محل گرفتن هر عکس را روی یک برچسب مشخص کند.


۱۲ از فرزندتان بخواهید قفسه کتاب یا مجموعه نوارها و CD هایتان را به ترتیب حروف الفبا و براساس نام خانوادگی نویسنده یا خالق اثر مرتب کند.

۱۳ از فرزندتان بخواهید کارهایی را که هر یک از اعضای خانواده باید در خانه انجام دهد، به صورت یک تقویم هفتگی بنویسد که روی در یخچال نصب کنید.

۱۴ اگر می‌خواهید همراه خانواده یا برای خانواده کاری انجام دهید که نیاز به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات دارد، از فرزندتان بخواهید بخش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات را به عهده بگیرد. مثلاً برای خرید ماشین، انتخاب محل مناسب برای مسافرت و غیره.

اگر برای فرزندتان عاقلانه کار اختراع کنید، نه تنها مهارت‌های خواندن و نوشتن او را تقویت می‌کنید بلکه ترتیب آن را می‌دهید که او برخی از کارهای شما را نیز برایتان انجام دهد. کاری که برای شما تکراری است و هیچ ارزش ذهنی ندارد می‌تواند برای فرزندتان واقعاً جالب یا مشکل باشد، به خصوص اگر طوری آن را نشان دهید که ضروری و باارزش به نظر برسد.

مجلات کودکان را مشترک شوید

 روزی که مجله خواننده هفتگی پخش می‌شود، حتی پرسر و صداترین گروه بچه‌های کلاس سوم نیز ساکت و آرام می‌شوند. این مجله خبیری هفتگی شامل اخبار کوتاه مربوط به بچه‌ها، داستان و معما و پازل می‌شود. اما بزرگ‌ترین حُسن این مجله این است که هر یک از بچه‌ها نسخه مخصوص خود را دریافت می‌کنند. بچه‌ها می‌توانند در آن بنویسند یا قسمت‌هایی از آن را بسُزند و به خانه ببرند تا به سایر اعضای خانواده نشان دهند. این که محتوای مجله چه باشد مهم نیست، فکری که پشت آن خوابیده است عالی است. ضمیری که در عنوان مجله به کار رفته است گویای همه‌چیز است: این مجله مالِ من است. در کلاس درس کمتر چیزی پیدا می‌شود که واقعاً مالِ بچه‌ها باشد اما این چند ورق خبرنامه مالِ خود آنهاست.

احساس تملک نسبت به مطلب می‌تواند بی‌علاقه‌ترین خواننده را نسبت به ورق زدن و خواندن آن ترغیب کند. به همین دلیل است که داستان‌های شخصی بچه‌ها تا این حد برای خواننده‌ی کم‌سن و سال مؤثر است (مراجعه کنید به روش ۲۳) و به همین دلیل است که نامه‌نگاری روش موفقیت‌آمیزی برای وادار کردن بچه‌ها به استفاده از مهارت‌های زبانی است (مراجعه کنید به روش ۲۲). اگر فرزندان در میان محموله‌های پستی مجله‌ای پیدا کند که به نام و آدرس او فرستاده شده باشد، سن و سالش هر چه باشد، به خواندن آن ترغیب می‌شود.

مجله‌های بچه‌ها بر اساس موضوع و گروه سنی دسته‌بندی می‌شوند و به همین دلیل است که جالب‌اند. فرزند شما بیشتر به چه مطالبی علاقه دارد؟ به چه فعالیت‌هایی علاقه دارد؟ برای هر سلیقه‌ای می‌توانید مجله‌ای پیدا کنید. قبل از آن که سرمایه‌گذاری کنید و مجله‌ای را آبونمان شوید می‌توانید چند شماره آن را از کتابخانه قرض کنید تا علاقه‌ی فرزندتان را آزمایش کنید. کتابدار نیز شاید بتواند به شما در پیدا کردن عنوان مجلات مناسب کمک کند.


آبونمان مجله یک هدیه‌ی عالی است. صورت زیر عنوان بعضی از مجلات خوب را نشان می‌دهد.

بعضی از مجلات و روزنامه‌های کودک و نوجوان

عنوان	گروه سنی
سروش کودکان	کودکان
کیهان بچه‌ها	کودکان
دوچرخه (همشهری)	نوجوانان
بادبادک	خردسالان
سیب	نوجوانان
سروش نوجوان	نوجوانان

۲۲

برای فرزندان یک دوست مکاتبه‌ای پیدا کنید

تاکوئو با والدین خود برای یک اقامت دوساله از ژاپن به شیکاگو آمد.  گرچه در ابتدا هیچ انگلیسی بلد نبود اما علاقه او به بیس بال و رفتار دوستانه‌اش باعث شد که نزد پسرهای کلاس محبوبیت کسب کند. نالدو که هم ورزشکار خوبی بود و هم دلقک کلاس بود تاکوئو را زیر پر و بال خود گرفت. تاکوئو به سرعت یاد می‌گرفت و به زودی توانست به انگلیسی بخواند و بنویسد و داستان‌هایی را از سرزمین مادری‌اش تعریف کند. گرچه ابتدا از نظر خواندن هم سطح دوست خود نالدو بود، اما به سرعت ارتقا پیدا کرد و به رده دوم کلاس رسید.

هنگام بازگشت به ژاپن تاکوئو قول داد که برای نالدو نامه بنویسد. نالدو تا آن زمان از کسی نامه دریافت نکرده بود. اما تاکوئو به قول خود وفا کرد و از فرودگاه توکیو برای نالدو یک کارت پستال فرستاد و در آن از جریانات خنده‌داری که در سفر طولانی هوایی آنها رخ داده بود، تعریف کرد. نالدو و تاکوئو از آن پس به صورت مرتب با هم مکاتبه کرده‌اند. تنها چیزی که نالدو بیرون از کلاس می‌نویسد نامه است و بیشترین لذتی که از خواندن می‌برد، هنگام خواندن نامه‌های تاکوئو است.

بعضی از بچه‌ها برای خواندن به ترغیب زیادی نیاز ندارند، آنها می‌دانند که با خواندن وارد دنیای تازه‌ای می‌شوند، با شخصیت‌های تازه آشنا می‌شوند و چیز جدیدی می‌آموزند، و همین برایشان کافی است. وقتی در پست مطلبی را دریافت می‌کنیم که حامل نام ماست برای خواندن آن

ترغیب می شویم. کمتر بچه‌ای پیدا می‌شود که نامه‌ای را نخوانده کنار بیاورد تا تلویزیون تماشا کند یا به بازی‌های رایانه‌ای بپردازد. حتی نامه‌های تبلیغاتی نیز برای کسی که نامه‌های زیادی دریافت نمی‌کند، می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. بهترین دوست مکاتبه‌ای برای فرزند شما کسی است که تقریباً هم‌سن و سال خود او باشد. دوست مکاتبه‌ای او می‌تواند، پسرخاله، فرزند یکی از همکاران شما یا یک دانش‌آموز خارجی باشد. در بهترین حالت فرزند شما می‌تواند با دوست مکاتبه‌ای خود علایق مشترکی داشته باشد، اما در بسیاری از اوقات حتی کسانی که زمینه‌های زندگی‌شان با هم کاملاً متفاوت است می‌توانند با هم مباحث مکتوب خوبی داشته باشند.

دریافت نامه از دوست مکاتبه‌ای می‌تواند برای کسی که نسبت به خواندن بی‌میل است، انگیزه‌ی تازه‌ای باشد. این نامه‌ها به خواندن جدی نیاز دارند (مراجعه کنید به روش ۳۴)، به خصوص اگر گیرنده قصد پاسخ دادن داشته باشد. گیرنده‌ی نامه می‌تواند مطابق میل خود نامه را نگه دارد تا بعداً بخواند، یا آن را به کس دیگری نشان دهد. نامه دوست مکاتبه‌ای جنبه‌ای کاملاً شخصی دارد و به همین علت برای خواننده جالب است. برای کمک به فرزندان در جهت حفظ یک رابطه‌ی خواندن/نوشتن خوب با دوست مکاتبه‌ای خود، نکات زیر را به او توصیه کنید.

چگونه دوستی مکاتبه‌ای را فعال نگه داریم

۱. به مطالبی که دوستت می‌گوید یا می‌پرسد پاسخ بده.
۲. درباره‌ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهدافت بگو.

۳. درباره‌ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهداف دوست مکاتبه‌ایات سؤال کن.

۴. نقاط مشترکتان را پیدا کن و درباره‌ی آنها بنویس.

۵. نقاط تمایزتان را پیدا کن و درباره‌ی آنها بنویس.

۶. برای همدیگر عکس و یادگاری بفرستید.

۷. طوری بنویس که انگار با دوستت مستقیماً صحبت می‌کنی.

۸. اگر دوست مکاتبه‌ایات اینترنتی است با هم قرار ملاقات نگذارید.

اگر ارتباط مکاتبه‌ای فرزندان موفقیت‌آمیز شد و فرزندان از نوشتن و دریافت نامه لذت می‌برد می‌توانید موارد مشابه زیر را برای برقراری ارتباط به او پیشنهاد کنید:

❶ به نویسنده مورد علاقه خود نامه بنویس و بگو که چرا از کتابش لذت بردی.

❷ برای اعضای فامیل که دور از شما زندگی می‌کنند یک خبرنامه درست کنید.

❸ برای سردبیر روزنامه مورد علاقه و یا محلی خود نامه‌ای بنویس و نظر خود را درباره‌ی یک موضوع مهم بیان کن.

در خانواده داستان‌های تجربه‌ی زبانی خلق کنید

⚠️ وقتی دانشجوی کارشناسی ارشد بودم، در آموزش خواندن مفهوم جدیدی مطرح شد: تجربه‌ی زبانی. براساس این مفهوم توانایی شنیداری، گفتاری، نوشتاری و خواندن، بخشی از طیف تجربه‌ی ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد و گفتار، نقاشی و نوشتن را که وسیله بیانی افراد است، نباید از خواندن جدا کرد.

تاکنون برنامه‌ی درسی کامل و بی‌نقصی ارائه نشده است اما این‌که برای یادگیری خواندن و نوشتن از زبان شفاهی بچه‌ها شروع کنیم هنوز هم معقول به نظر می‌رسد. بیشتر اساتید آموزش نیز معتقدند که برای مطالعه هنرهای زبانی باید خواندن، نوشتن، شنیدن و گفتن را به صورت یک پارچه در نظر گرفت.

براساس رویکرد تجربه‌ی زبانی، نوشتن یعنی ثبت زبان شفاهی و خواندن نوعی گفت‌وگو بین نویسنده و خواننده است. بدین ترتیب توانایی اولیه‌ی کودک برای حرف زدن و شنیدن به طور طبیعی با خواندن و نوشتن ترکیبی یک پارچه به وجود می‌آورد. «داستان تجربه زبانی» داستانی است که کودک براساس تجربه خود و به زبان خود بیان می‌کند. بسیاری از بچه‌هایی که تازه خواندن می‌آموزند برای خواندن مطلبی درباره زندگی خود انگیزه‌ی زیادی دارند. به همین دلیل «داستان‌های تجربه‌ی زبانی» در سال‌های اولیه دبستان برای آموزش خواندن بسیار

مفیدند. سن و سال کودکان هر چه باشد می‌توانید از داستان‌های تجربه‌ی زبانی او به عنوان مطالب خواندنی جالب استفاده کنید.

چگونه داستان تجربه‌ی زبانی را پدید آوریم

❶ اگر فرزندان کم‌سن و سال است، مطالبی را که به زبان می‌آورد بنویسید و اگر بزرگ‌تر است بگذارید خودش داستان را بنویسد.

❷ موضوع‌های ساده انتخاب کنید:

بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

ترسناک‌ترین اتفاقی که برایت افتاد چه بود؟

دوست داری به کجا سفر کنی؟

بهترین دوست تو کیست و به چه دلیل؟

❸ مطلب را ساده نگه دارید. اجازه بدهید چند دقیقه فکر کند سپس چند جمله‌ای را برای داستان انتخاب کند. خیلی بازنویسی نکنید، سعی کنید داستان را به زبان کودکان بنویسید.

❹ ضمن این‌که می‌نویسید برای فرزندان توضیح بدهید که چه می‌کنید.

اگر فرزندان کم‌سن و سال است توضیح بدهید که هر چه می‌گوید را

می‌توان با حروف الفبا نوشت. و حتی افراد غریبه نیز می‌توانند بعداً

آنچه را که گفته است، بخوانند.

❺ از فرزندان بخواهید برای داستان نقاشی بکشند و آن را در یک پوشه یا

کلاسور بگذارید.

روز بعد از این‌که داستان تجربه‌ی زبانی را نوشتید از فرزندان

بخواهید آن را بخوانند. حتی بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند نیز

می‌توانند برخی از عناصر داستان را به یاد بیاورند یا برخی از کلمات را

بشناسند. چون داستان ساخته‌ی خودِ فرزندتان است، می‌خواهد بداند که هر کلمه چیست.

تعدادی داستان جمع‌آوری کنید و از بچه‌ها بخواهید آنها را با اعضای دیگر خانواده بخوانند. بد نیست خودتان نیز درباره‌ی موضوعی که به فرزندتان داده‌اید، بنویسید و اجازه دهید فرزندتان علاوه بر داستان خود، داستان شما را نیز بخواند. با این کار داستان فرزند خود را «منتشر» می‌کنید و به تجربیات شخصی او مشروعیت می‌بخشید و وقتی خودتان می‌نویسید به او نشان می‌دهید که همه برای انتقال عقاید خود از زبان استفاده می‌کنند.

برای خانواده دفتر یادگاری درست کنید

وقتی بچه بودیم، سرگرمی مورد علاقه‌مان در روزهای بارانی ورق زدن دفترهای یادگاری قدیمی پدر و مادرمان بود. مادرم که در کودکی صدای قشنگی داشت، دفترهای یادگاری بزرگی داشت که برنامه‌ی کنسرت‌ها، قطعات موسیقی، عکس‌ها و گل‌های خشک خود را در آن چسبانده بود که حس کنجکاوی ما را نسبت به آن دوره از زندگی او تحریک می‌کرد. پدرم از روزهایی که در نیروی دریایی گذرانده بود، یک آلبوم عکس بزرگ نگه داشته است که در بالای هر عکس عنوانی نوشته شده است. با دیدن این آلبوم به حقایق تازه‌ای درباره‌ی پدرم دست یافتم: او در لباس نظامی بسیار خوش تیپ بود، زمانی پیمپ می‌کشیده، مدتی از عمر خود را در جاهای بسیار عجیب سپری کرده و به کشیدن کاریکاتورهای خنده‌دار علاقه داشته است. این دفترهای یادگاری که سال‌ها قبل از تولد ما گردآوری شده بودند بخشی از تاریخ خانوادگی ما را حفظ کرده بودند.

گردآوری دفتر یادگاری علاوه بر این‌که روشی عالی برای حفظ تاریخ خانواده است می‌تواند یک تجربه آموزشی فوق‌العاده نیز باشد. کشوی عکس‌هایی را که با عکس فرزند قنذاقی‌تان شروع می‌شود بیرون بریزید. بلیط هواپیمای اولین سفر هوایی خود یا کودکتان، برچسب‌هایی که هیچ‌وقت به ماشین خود نچسباندید، کارت تبریک‌هایی که از فامیل دریافت کرده‌اید و هر چیزی که بخشی از فرهنگ خانواده‌ی شما را تشکیل می‌دهد می‌تواند در دفتر یادگاری قرار بگیرد.

بچه‌های سنین مختلف می‌توانند در گردآوری این دفتر یادگاری کمک کنند. کارها را به روشی که به نظر تان معقول می‌آید تقسیم‌بندی کنید.

بچه‌های کوچک‌تر می‌توانند...

- ① عکس‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کنند.
- ② عکس‌ها یا کارت‌پستال‌ها را روی صفحه تنظیم کنند.
- ③ برای هر صفحه عنوانی جدی یا طنز پیشنهاد کنند.
- ④ در صفحات دفتر، نقاشی، کاریکاتور یا طرح بکشند.

بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند...

- ① مطالب را به ترتیب زمان مرتب کنند.
- ② برای عکس یا کارت‌پستال‌ها عنوان یا توضیح بنویسند.
- ③ عکس‌ها یا مطالب یا یادگاری‌ها را به صفحه‌ی دفتر بچسبانند یا وصل کنند.

④ برای دفتر یادگاری نمایه تنظیم کنند.

وقتی دفتر یادگاری تان کامل شد اجازه بدهید فرزندان تان آن را رسماً به دوستان یا اعضای فامیل نشان دهند. حتی بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند نیز می‌توانند متنی را که خود آفریده‌اند «بخوانند» — آنها می‌توانند موضوع هر عکس یا یادگاری را تعریف کنند. بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند عنوان‌ها یا توضیحات را با صدای بلند بخوانند. دفتر یادگاری را جایی بگذارید که همه اعضای خانواده بتوانند آن را در روزی بارانی که می‌خواهند در جاده خاطرات سفر کنند، به راحتی پیدا کنند.

چند پیشنهاد برای دفترهای یادگاری موضوعی

- ① فعالیت‌های ورزشی فرزند خود را ثبت کنید.
- ② جشن عبادت، جشن پایان دبستان، جشن ورود به دبیرستان، یا هر حادثه‌ای را که تنها یک بار رخ می‌دهد ثبت کنید.
- ③ خاطرات یک سفر خانوادگی را گردآوری کنید.
- ④ زندگی هر یک از فرزندان خود را در دفتری جداگانه ثبت کنید.
- ⑤ عکس‌هایی را که فرزندان در اردوهای تابستانی یا تشکلهای دانش‌آموزی گرفته است در یک دفتر نگهداری کنید.
- ⑥ برای جشن‌های تولد اعضای خانواده‌تان یک دفتر یادگاری درست کنید.

مراجعه به کتابخانه را در روال کارهای جمعی خانواده قرار دهید

⚠ من با بهترین دوست خود در کتابخانه آشنا شدم. سال ۱۹۶۳ بود و ما در مقابل قفسه‌ی «سری زندگی‌نامه‌ها» در قسمت کودکان با هم برخورد کردیم. هر دویمان مجذوب این سری کتاب‌ها شده بودیم و علاقه ما به آنها بیشتر به خاطر تعداد زیاد کتاب‌های موجود در سری بود تا به خاطر علاقه قلبی به زندگی قهرمانان آمریکایی. ما هر دو اهل رقابت بودیم و ملاک یادگیری برای ما نه دانش کسب‌شده بلکه کمیت کتاب‌هایی بود که می‌خواندیم.

ما به تنهایی به کتابخانه نمی‌رفتیم. خانواده‌هایمان نیز می‌آمدند، در طول کودکیمان، شنبه هر هفته با خانواده‌هایمان به آنجا می‌رفتیم. شنبه صبح که می‌شد کتاب‌ها را از زیر تخت، پشت کوسن‌های مبل، از روی میز آشپزخانه، و از لای قفسه کتاب اتاق نشیمن جمع می‌کردیم. آنها را در یک جعبه می‌چیدیم، سوار ماشین می‌شدیم و به کتابخانه می‌رفتیم. آنجا پخش می‌شدیم: بزرگسالان به اتاق بزرگسالان می‌رفتند، بچه‌های کوچک به سراغ کتاب‌های تصویری، و من و دوستم به سراغ کتاب‌های سری.

جین چال، کارشناس خواندن، معتقد است که خواندن سه پیش‌نیاز دارد: قابلیت دسترسی، قابلیت خواندن و علاقه. مراجعه مکرر به کتابخانه هر سه پیش‌نیاز را فراهم می‌کند. والدین ما که رفتن به کتابخانه را روال خانوادگی قرار داده بودند، به ما خدمت بزرگی کردند.

● آنها منبع بی‌پایانی از مطالب خواندنی در اختیارمان قرار دادند.
(قابلیت دسترسی)

• آنها کاری کردند که بتوانیم مطالبی را پیدا کنیم که با سن و توانایی خواندنمان هماهنگی داشته باشد. (قابلیت خواندن)

• آنها ما را به جایی بردند که بتوانیم درباره‌ی هر موضوع یا در هر سبک ادبی قابل تصور مطلب پیدا کنیم. (علاقه)

و مهم‌تر از همه:

• آنها خواندن را به صورت یک عادت مشترک خانوادگی درآوردند و بدین ترتیب باز هم بر اهمیت آن تأکید کردند.

ممکن است از فکر این‌که باید هر روز در معرض دید فرزندتان، یا برای فرزندتان بخوانید، حیران شوید (مراجعه کنید به روش‌های ۱ و ۳). ممکن است بودجه‌تان اجازه ندهد خیلی کتاب یا مجله بخرید (مراجعه کنید به روش ۱۶). پس مراجعه منظم به کتابخانه می‌تواند کمک کند. وقتی فرزندتان آموخت که نام خود را بنویسد می‌توانید او را عضو کتابخانه کنید و برایش کتاب قرض کنید.

کتابخانه عمومی محلتان ممکن است تنها از یک اتاق تشکیل شده باشد و یا یک ساختمان بزرگ باشد. اما در هر کتابخانه‌ای کسی هست که بتواند شما را با آنجا آشنا کند و قوانین کتابخانه را برایتان توضیح دهد. اطلاعات زیر را حتماً به دست بیاورید:

۱. زمان مجاز برای نگه داشتن هر کتاب چقدر است؟
۲. جریمه تأخیر در بازگرداندن کتاب چیست؟
۳. آیا اتاق یا قسمت کودکان وجود دارد؟
۴. آیا جلسات کتاب‌خوانی با صدای بلند برای بچه‌ها برگزار می‌شود؟
۵. آیا برنامه‌ی مطالعه‌ی تابستانی برگزار می‌شود؟
۶. ساعت کار کتابخانه چگونه است؟

۷. آیا کتابخانه خدمات ویژه مانند دوره‌های آموزشی یا جلسات سخنرانی ارائه می‌دهد؟

به فرزندان‌تان بفهمانید که باید در کتابخانه سکوت را رعایت کرد و باید از اموال کتابخانه با دقت و ملاحظه نگهداری کرد. با رفتار خودتان به آنها نشان بدهید که کتابخانه جای مخصوص و باارزشی است که تمام خانواده می‌تواند از آن لذت ببرد.

وقتی من و دوستم به سن بلوغ رسیدیم، دیگر همراه خانواده به کتابخانه نمی‌رفتیم. (بچه‌ها بالاخره در یک زمان در مقابل حرکت‌های جمعی خانواده شورش می‌کنند. به آنها بگویید که هر وقت مایل باشند با شما بیایند از همراهی آنها استقبال خواهید کرد اما اگر ترجیح می‌دهند به تنهایی به کتابخانه بروند، باز هم می‌توانند.) اکنون که از آن زمان ۳۰ سال گذشته است و من و دوستم در فاصله ۵ هزار کیلومتری هم زندگی می‌کنیم باز هم برای خواندن مطالب بیشتر، درباره‌ی موضوعات بیشتر، با هم رقابت می‌کنیم و هنوز هم کتابخانه‌ی عمومی را بخشی از خانه‌ی خود به حساب می‌آوریم.

به نمایشگاه‌های کتاب بروید

«وقتی برای اولین بار به نمایشگاه کتاب رفتم ده‌ساله بودم، سالن بزرگی را به یاد می‌آورم که پر بود از غرفه‌ها و قفسه‌های کتاب. در گوشه‌ای از سالن بچه‌ها دور میزی نشسته بودند و برای شرکت در مسابقه، نقاشی می‌کشیدند و در گوشه‌ای دیگر، روی زمین دور نویسنده‌ای حلقه زده بودند که داستان خود را با صدای بلند برای بچه‌ها می‌خواند. آن روز با دستی پر و با کُلی کتاب و اسباب‌بازی فکری به خانه برگشتیم اما بهترین خاطره برایم این بود که در یکی از غرفه‌ها با نویسنده‌ی محبوب خود آشنا شدم، با او صحبت کردم و او نیز با کمال مهربانی کتاب جدید خود را برایم امضا کرد.»

فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب جای بسیار جالبی برای جلب علاقه کودکان به کتاب و کتاب‌خوانی است. در بسیاری از آنها علاوه بر ارائه کتاب‌های کودکان بخش‌هایی نیز تعبیه شده است که به فعالیت‌های جنبی اختصاص دارد. اجرای نمایش‌های عروسکی، گروه‌های قصه‌خوانی، کارگاه‌های داستان‌نویسی، آشنایی با نویسندگان کودکان، همه فعالیت‌هایی‌اند که می‌توانند در شکوفا کردن علاقه‌ی فرزندان نسبت به کتاب و کتاب‌خوانی تأثیر بگذارند.

به آگهی‌ها و پوسترهایی که زمان و مکان برگزاری نمایشگاه‌های کتاب را تبلیغ می‌کنند دقت و سعی کنید با خانواده در این نمایشگاه‌ها حضور پیدا کنید. شما می‌توانید به غرفه‌های بزرگسالان سر بزنید و

کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را بررسی کنید و به فرزندان‌تان اجازه بدهید که هم‌زمان در غرفه‌های مخصوص کودکان گردش و در فعالیت‌های جنبی بخش کودکان شرکت کنند.

حسن دیگر این نمایشگاه‌ها، برخورداری از تخفیف ویژه خرید کتاب است!

فرزند خود را با کتاب‌های سری آشنا کنید

⚠ وقتی بچه بودم عاشق کتاب‌های سری بودم، (مثل قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب)، و تا امروز هم علاقه‌ی خود را حفظ کرده‌ام. وقتی از یک کتاب لذت می‌بریم و بعد می‌فهمیم که همان نویسنده درباره‌ی همان شخصیت‌ها و همان مکان، سه، شش یا ده جلد دیگر نیز کتاب نوشته است، هیجان‌زده می‌شویم. امروزه گرچه سلیقه‌ام نسبت به موضوع کتاب‌های مورد علاقه‌ی کودکی‌ام تغییر کرده اما روشم هنوز همان روش است: باید تک‌تک کتاب‌ها را بخوانم و بی‌صبرانه انتظار جلد بعدی را بکشم.

کتاب‌های سری برای خواننده بهترین دوست به حساب می‌آید. گاهی محبوبیت این کتاب‌ها نه به خاطر کیفیت ادبی بلکه به خاطر کمیت آنهاست. بچه‌ها آنها را یک جلد بعد از دیگری با سرعت می‌خوانند و باز هم منتظر جلد بعدی‌اند.

گاهی که بچه‌ها به سری کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود دست می‌یابند به کلی از جلوی چشم غیب می‌شوند و فقط هرچند گاه یک‌بار پدیدار می‌شوند تا بگویند: «بعدی کجاست؟»

البته بسیاری از کتاب‌های سری از ارزش ادبی نیز برخوردارند و بسیاری از نویسندگان بزرگ و محبوب به مجموعه‌ی کتاب‌های کودکان سری‌های سه یا چندجلدی افزوده‌اند.

اگر می‌خواهید فرزندان‌تان به خواندن علاقه‌مند شوند و اگر می‌خواهید از دیدن این‌که غرق یک کتاب شده‌اند لذت ببرید، می‌توانید کمی هم از کیفیت کتاب چشم‌پوشی کنید. فرصت برای خواندن آثار کلاسیک در آینده بسیار است. در واقع اگر زرنگ باشید می‌توانید نویسندگانی مانند آلکوت، کیپلینگ و شکسپیر را نیز به عنوان سری نویس معرفی کنید.^۱

۱. در ایران مجموعه‌های زیر را می‌توان تهیه کرد:

الف. مجموعه‌ی ۱۰ جلدی فسقلی‌ها، ناشر: کتاب‌های بنفشه (واحد کودکان و نوجوانان انتشارات قدیانی).

ب. مجموعه‌ی کتاب‌های نگاهی به تاریخ علم، ایزاک آسیموف، انتشارات فاطمی.

ج. مجموعه‌ی کتاب‌های سفرهای علمی، انتشارات افق.

داستان‌هایی را پیدا کنید که فیلم یا کارتون آن نیز ساخته شده است

⚠ کارتون گوزپشت نژدام، ساخته والت دیزنی، مطابق معمول نظرهای متناقض منتقدین را برانگیخت: به هیچ وجه امانت را رعایت نکرده است، بخش‌های مهمی را حذف کرده، شخصیت‌ها و اتفاقاتی را به داستان اضافه و داستان را از اصل آن زیباتر و لطیف‌تر کرده است. درباره سفیدبرفی و هفت کوتوله و بامبی هم مردم همین را می‌گفتند. این داستان‌ها در شکل اصلی خود چندان برای بچه‌ها خوشایند نبودند بلکه در واقع تا حدی ترسناک و سیاه هم بودند. مادرم می‌گوید: «اگر دیزنی سفیدبرفی، پینوکیو و بقیه را به صورت کارتون درنیآورده بود، من هرگز با آن داستان‌ها آشنا نمی‌شدم. وقتی من بچه بودم کسی آن داستان‌ها را برایم نخوانده بود. مادر و پدرم برای من داستان‌های نُروژی می‌خواندند اما از برادران گریم یا هانس کریستین آندرسن چیزی برایم نمی‌خواندند. من این فیلم‌های کارتون‌های بعد از ظهرهای شنبه در سینما می‌دیدم.» به نظر شما چند خواننده مانند مادر من وجود دارد؟

وقتی مردم درباره‌ی «سواد فرهنگی» صحبت می‌کنند منظورشان دانش ما از مجموعه‌ی فرهنگ است که مردم جامعه به صورت مشترک از آنها استفاده می‌کنند. داستان‌های پریان اروپایی بخشی از دانش مشترک مردم آمریکایی را تشکیل می‌دهد. بچه‌ها باید کلیت داستان زیبای خفته، سیندرلا و بسیاری از داستان‌های دیگر را بدانند. اگر این داستان‌ها را در خانه نخوانند ممکن است در مدرسه با آنها آشنا شوند. اگر نه چه؟

آیا باید از شنیدن اشاره‌هایی که مردم در زندگی روزمره خود به این داستان‌ها می‌کنند، یا مثال‌هایی که از این داستان‌ها می‌زنند، گیج شوند؟ فیلم‌های دیزنی، به رغم تمام ضعف‌هایی که دارند، خدمت بزرگی کرده‌اند و این داستان‌ها را برای عموم قابل دسترس کرده‌اند. گرچه ممکن است برادران گریم خود نتوانند بعضی از شخصیت‌های گرم و مهربانی را که دیزنی آفریده است به عنوان شخصیت ترسناک و تلخ اصلی خود بشناسند، اما این فیلم‌ها شخصیت‌های مهم ادبی را به صورت تصویری برای چندین نسل ارائه کرده است. گوژپشت نتردام هم با اضافاتی که دارد یکی از همین‌هاست.

برای خواندن، کتاب‌های فراوان و خوبی وجود دارد که فیلم یا سریال تلویزیونی آن‌ها نیز ساخته شده است. بسیاری از کتاب‌هایی که هرگز تجدید چاپ نمی‌شدند، با بسته شدن قرارداد تولید فیلم آن با جلدی خوش‌آب و رنگ تجدید چاپ می‌شوند. بسیاری از کتاب‌های کلاسیک کودکان مانند شازده کوچولو یا زنان کوچک، با جلدی تازه و مخاطبینی جدید، دوباره متولد می‌شوند.

برای این‌که از این داستان‌ها و فیلم‌ها بهترین استفاده را بکنید بهتر است کتاب را قبل از دیدن فیلم به فرزندتان بدهید. بدین ترتیب بچه‌ها ابتدا فرصت می‌کنند شخصیت‌ها و حوادث را پیش خود تصور کنند و سپس آنها را با تصور فیلم‌ساز مقایسه کنند. بعضی از بچه‌ها داستان را بیشتر به این دلیل می‌خوانند که می‌خواهند بدانند آخر چه می‌شود، دیدن فیلم قبل از خواندن داستان، کتاب را برای چنین بچه‌هایی خراب می‌کند. البته دیدن فیلم بر اساس داستان نویسنده‌ای بزرگ ممکن است بچه‌ها را به خواندن داستان‌های دیگر آن نویسنده نیز ترغیب کند. بعضی

از بچه‌ها نیز دوست دارند کتاب متعلق به خود آنها باشد و ممکن است از این‌که صاحب کتابی‌اند که دوستانشان تنها فیلم آن‌را دیده‌اند، لذت ببرند. در جدول زیر چند داستان را که فیلم آن ساخته شده است و برای بچه‌های سنین مختلف مناسب است پیشنهاد کرده‌ام. شاید بد نباشد قبل از این‌که فرزندتان فیلم را ببیند، خودتان آن‌را تماشا کنید تا ببینید آیا برای دیدنش آمادگی دارد یا نه.

چند داستان کلاسیک کودکان (کارتون)

سال تولید	عنوان	نویسنده
۱۹۸۹	پری دریایی کوچک	آندرسن، اچ. سی.
۱۹۵۸	پیتر پن	باری، جی. ام.
۱۹۸۲	آخرین اسب شاخدار	بیگل، پیتر
۱۹۵۱	آلیس در سرزمین عجایب	کارول، لوئیس
۱۹۴۰	پینوکیو	کالودی، کارلو
۱۹۹۱	دیو و دلبر	دو بیومونت، ماری لپرینس
۱۹۵۰	سیندرلا	برادران گریم
۱۹۵۹	زیبای خفته	
۱۹۳۷	سفیدبرفی و هفت کوتوله	
۱۹۹۶	گورپشت نژدام	هوگو، ویکتور
۱۹۶۷	کتاب جنگل	کیپلینگ، رادیارد
۱۹۷۹	شیر، جادوگر و کمد لباس	لوئیس، سی. اس.
۱۹۸۹	وینی‌پو	میلنه، آ. آ.
۱۹۴۲	بامبی	سالتن، فلیکس
۱۹۷۳	تار عنکبوت شارلوت	وایت، ای. بی.
۱۹۶۳	شمشیر در سنگ	وایت، تی. اچ.

چند داستان کلاسیک کودکان (فیلم)

۱۹۳۵	مردان کوچک	آلکوت، لوئیزا. ام.
۱۹۹۵	زنان کوچک	

بر اساس عناوین ترجمه‌شده به فارسی یا کتاب و فیلم‌های فارسی.

از کتاب‌هایی که موضوع آن جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی است، استفاده کنید

در کتابخانه عمومی محله ما، کتاب‌های کودکان در یک سمت سالن اصلی قرار دارد. اولین باری که به آن قسمت سر زدم تعجب کردم: یک قفسه‌ی کامل از کتابخانه به کتاب‌هایی اختصاص داده شده بود که موضوع آن جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی بود، چه ادبیات داستانی، چه کتاب‌های غیرداستانی، چه شعر و چه انواع ادبی دیگر. ظاهراً میزان درخواست این کتاب‌ها از طرف والدین و معلم‌ها آنقدر زیاد است که کتابدارها مجبور شده‌اند آنها را از سایر کتاب‌ها جدا کنند. اگر در قفسه جدایی باشند راحت‌تر می‌شود به آنها دسترسی پیدا کرد. از آن‌پس دقت کردم و دیدم در کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های دیگر نیز قفسه مشابهی وجود دارد که به کتاب‌های مربوط به جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی اختصاص دارد.

اگر تردید دارید که ادبیات الهام‌گرفته از مناسبت‌های ملی و مذهبی تا چه حد نزد مردم محبوب است یک لحظه به فیلم‌های آهنگ برنادت و کریسمس چارلی براون بیاندیشید. اهمیتی ندارد که شما یا فرزندان‌تان چند بار این فیلم‌ها را دیده باشید، آنها در تار و پود مناسبت‌های ملی و مذهبی تنیده شده‌اند.

برقرار کردن رابطه بین ادبیات و زمان معقول به نظر می‌رسد. معلمین همیشه همین کار را می‌کنند و مناسبت‌های ملی و مذهبی را هر سال با

دانش‌آموزان خود مرور می‌کنند، از روز دانش‌آموز گرفته، تا سالگرد انقلاب و پیروزی و روز استقلال و اعیاد مذهبی و...

کتابدار می‌تواند به شما کمک کند تا کتاب‌هایی را پیدا کنید که به این مناسبت‌ها مربوط می‌شود. بعضی از آنها را می‌توانید هنگام خواب برای بچه‌ها بخوانید و بعضی را می‌توانید به آنها بدهید تا به تنهایی بخوانند.^۱

۱. در ایران ما می‌توانیم به مناسبت‌های مختلف نظیر میلاد حضرت رسول(ص)، تولد حضرت علی(ع)، روز عاشورا و...، کتاب‌هایی را تهیه و در اختیار کودکانمان قرار دهیم. همین کار را به مناسبت ۲۲ بهمن، سالروز ملی شدن نفت، انقلاب مشروطه، روز آزادی خرمشهر و... می‌توان انجام داد. (ن)

برای تابستان یک برنامه مطالعه‌ی آزاد تنظیم کنید

⚠ دبستانِ تُرگود مارشال که در گذشته براساس نظام آموزشی معمول اداره می‌شد، اخیراً تغییر کرده است و در حال حاضر هر معلم به مدت دو سال به دانش‌آموزان خود درس می‌دهد: اول و دوم، سوم و چهارم یا پنجم و ششم. معلم‌ها و دانش‌آموزان از ارتباط ادامه‌دار خود با هم در این طرح جدید لذت می‌برند اما با اجرای این طرح مشکلی که قبلاً هم وجود داشته است اکنون بیشتر به چشم می‌آید:

آداکوهن که معلم کلاس سوم و چهارم است می‌گوید: «از نظر تئوریک باید بتوانیم در ابتدای سال دوم، از آخرین مطالبی که در سال پیش خواندیم شروع کنیم و با سرعت پیش برویم و به برنامه درسی جدید پردازیم. اما متأسفانه بچه‌هایی که در طول تابستان مطالعه نمی‌کنند خیلی عقب‌تر از بچه‌های دیگرند و مدتی طول می‌کشد تا بتوانند دوباره به توانایی‌هایی که سال پیش به دست آورده بودند، برسند. بعضی از بچه‌ها هم انگار هیچ وقت نمی‌رسند.»

مهارت خواندن در بچه‌هایی که در خانه مطالعه نمی‌کنند ممکن است در طول تابستان به اندازه‌ی یک سال تحصیلی یا بیشتر، پس‌رفت کند. خواندن هم مانند اغلب مهارت‌های دیگر است: اگر از آن استفاده نکنید آنرا از دست می‌دهید. معلمان به خوبی نتیجه آن را می‌بینند. بچه‌هایی که در طول تابستان مطالعه می‌کنند، در ابتدای هر سال تحصیلی بسیار جلوتر از پایان سال تحصیلی گذشته‌اند. بچه‌هایی که کمی مطالعه

می‌کنند معمولاً سطح مهارت‌های خود را حفظ می‌کنند و بچه‌هایی که اصلاً مطالعه نمی‌کنند عقب می‌افتند و ممکن است هنگامی که بقیه کلاس پیشرفت می‌کند، باز هم عقب بمانند.

بسیاری از کتابخانه‌ها با برنامه مطالعه تابستانی در مقابله با این مشکل کمک می‌کنند. این برنامه‌های مطالعاتی بین طیفی از برنامه‌های پرزرق و برق و رقابت‌آمیز و برنامه‌های آموزشی صرف قرار گرفته‌اند. در برنامه‌های نوع اول بچه‌ها درباره‌ی موضوع‌های خاصی مطالعه می‌کنند، مطالب خلاق می‌نویسند و به ازای خواندن تعداد مشخصی کتاب جایزه می‌گیرند، اما در نوع دوم کتابدار با بچه‌ها به طور منظم در تماس است و گاهی می‌خواهد که بچه‌ها از کتاب‌هایی که خوانده‌اند گزارشی شفاهی ارائه دهند.


اگر فرزندان اجتماع و اهل رقابتند، شاید برنامه مطالعاتی کتابخانه همان چیزی باشد که بتواند خواندن آنها را در سراسر تعطیلات مدرسه تضمین کند. قبل از پایان سال تحصیلی با کتابخانه‌ی محله‌تان تماس بگیرید و ببینید برای ایام تابستان چه برنامه‌ای دارند. حتی برنامه قصه‌خوانی گروهی هم می‌تواند مفید باشد چون به هر حال باعث می‌شود که بچه‌ها به داخل محیط کتابخانه بیایند و آنها را تشویق می‌کند کتابی را انتخاب کنند و به خانه ببرند.

اگر کتابخانه محله‌تان چنین برنامه‌هایی ارائه می‌دهد یا اگر فرزندان علاقه ندارند به صورت هدفمند و در رقابت با بچه‌های دیگر مطالعه کنند، می‌توانید برنامه شخصی خود را تنظیم کنید. به اهدافی که فرزندان بیان می‌کنند و پاداش‌هایی که به دریافت آن علاقه‌مندند توجه کنید.

چگونه برای تابستان برنامه مطالعه‌ی شخصی خود را تنظیم کنید

۱. از فرزندان‌تان بپرسید برای تابستان چه آرزوهایی دارند. آیا می‌خواهند سفر کنند، به بازی‌های ورزشی بپردازند، باغبانی کنند؟ در کتابخانه کتاب‌هایی پیدا کنید که به این موضوع‌ها ربط داشته باشد.
 ۲. با فرزندان هدفی معقول برای مطالعه تعیین کنید، آیا فرزندان می‌تواند در هفته یک کتاب بخواند؟ دو کتاب چه؟ آیا باید برای رسیدن به هدف پاداش بگیرد؟
 ۳. برای ماه‌های تابستان یک تقویم درست کنید. هر بار که فرزندان کتابی را تمام کرد از او بخواهید روی تقویم یک برچسب بچسباند.
 ۴. فرزندان را تشویق کنید درباره‌ی کتاب، یعنی موضوع، طرح داستان و شخصیت‌هایش برایتان تعریف کند. از او بپرسید که چه جنبه‌هایی از کتاب برای او خوشایند یا ناخوشایند بود.
 ۵. به صورت منظم به کتابخانه سر بزنید. وقتی فرزندان کتابی را تمام کرد حتماً کتاب دیگری در دسترس داشته باشید.
 ۶. در پایان تابستان، سؤال‌های زیر را از فرزندان بپرسید و برنامه مطالعه‌ی او را ارزیابی کنید.
- آیا به هدف مطالعه‌ی اولیه خود دست یافتی؟
- آیا چیز جدیدی یادگرفتی؟
- آیا در میان آنچه خواندی مطلب خیلی جالب هم بود؟
- آیا مهارت‌های خواندنت پیشرفت کرده است؟

در سفرهای طولانی با ماشین کتاب بخوانید


 کیت و شوهرش هر تابستان همراه سه فرزندشان با ماشین جیپ خود به مقصدی تازه سفر می‌کنند: مُتانا، کِیک، کوه‌های نیومکزیکو. بیشتر دوستان کیت که حتی می‌ترسند سه بچه را با ماشین از خانه تا بازار ببرند تعجب می‌کنند که کیت چگونه می‌تواند خود را با سه بچه شش، ده و دوازده‌ساله در ماشین حبس کند و چندین روز ۶۰۰-۵۰۰ کیلومتر سفر کند.

کیت می‌گوید در صندلی عقب همیشه فقط دو نفر می‌نشینند پس اولین کاری که باید بکنیم این است که جای نشستن هر کس را تعیین کنیم. بیشتر روزها گرگ با چمدان‌ها در عقب ماشین می‌نشیند تا امیر و اُشلی جای بیشتری داشته باشند. برای خوردن، شنا کردن و دیدن مناظر زیاد می‌ایستیم. بچه‌ها کلی کتاب نقاشی، کتاب مصور و داستان‌های ماجراجویی همراه دارند. وقتی حوصله بچه‌ها سر می‌رود و با هم دعوا می‌کنند با هم «بیرون را تماشا کن» بازی می‌کنیم. ما همه در طول تابستان‌های گذشته بازی‌هایی اختراع کرده‌ایم. حتی اُشلی هم تابستان گذشته یک بازی اختراع کرد: هر کس تعداد بیشتری جیپ‌مانند جیپ ما می‌دید یک نوشیدنی جایزه می‌گرفت. این جوری وقتمان می‌گذرد و از شدت خشم نیز دیوانه نمی‌شویم.

سفرهای طولانی با ماشین می‌تواند حتی صبورترین پدر و مادرها را از پا در بیاورد و دادن داروی خواب‌آور به بچه‌ها چندان تجویز نمی‌شود. البته می‌توانید راه‌هایی پیدا کنید تا بچه‌ها در سفرهای طولانی از سر و کول هم بالا نروند. حتی بعضی از این روش‌ها تا حدودی کارکرد آموزشی نیز دارند:

۵۰ بچه‌ها را مسئول مسیریابی کنید: بچه‌ها می‌توانند، بسته به سن خود، نقشه، تابلوهای جاده، تابلوهای خیابان‌ها، علامت خروجی جاده‌ها یا علامت ابنیه تاریخی را بخوانند. اگر می‌خواهید برای صرف ناهار بایستید از فرزندان‌تان بخواهید تابلو رستوران مورد علاقه‌شان را پیدا کنند.

۵۱ «بیرون را تماشا کن» بازی کنید: بد نیست از پلاک خودروها شروع کنید. ببینید کدام یک از بچه‌ها می‌تواند زودتر از بقیه ده پلاک از ده استان مختلف ببیند، یا از استان مجاور ده پلاک پیدا کند. از بچه‌ها بخواهید خنده‌دارترین تابلوی تبلیغاتی یا عجیب‌ترین نام برای شهرهای سر راه یا تابلوی جالب‌ترین مکان دیدنی توریستی را پیدا کنند.

۵۲ با صدای بلند کتاب بخوانید: منطقی‌ترین مطلب برای خواندن، کتابچه‌ی راهنمای جایی است که همان روز به آنجا می‌رسید. از یکی از بچه‌ها بخواهید تمام اطلاعات مربوط به آنجا را با صدای بلند بخواند. اگر خانواده‌تان خیلی دموکراتیک باشد می‌توانید حتی برای اماکن دیدنی، محل اقامت، یا رستورانی که می‌خواهید امتحان کنید، رأی‌گیری کنید. کار دیگری که می‌توانید بکنید این است که هنگام دیدار از یک مکان، بروشور مربوط به آن را بردارید و وقتی به ماشین برگشتید آن را با صدای بلند بخوانید.


۵۳ بازی‌های لغوی بکنید: یک موضوع پیدا کنید، مثلاً حیوانات. یک حیوان نام ببرید: شیر. نفر بعد باید حیوانی را نام ببرد که با حرف آخر حیوان قبلی، یعنی «ر» شروع شود. آن‌قدر ادامه بدهید تا همه خسته شوند سپس موضوع را عوض کنید. یا نام شهر، استان یا منطقه‌ای را

که از آن عبور می‌کنید به فرزندان‌تان بگویید و از آنها بخواهید با استفاده از حروف آن هرچند لغت که می‌توانند روی کاغذ یادداشت کنند.

⑤ بازی‌های جغرافیایی بکنید: سعی کنید به کمک خانواده، همه‌ی استان‌های کشور را به ترتیب الفبا نام ببرید، مراکز استان‌ها یا استان‌های مجاور استانی که در آن قرار دارید را نام ببرید. به اطلس مراجعه کنید تا جواب‌های خود را کنترل کنید.

⑥ از بچه‌ها بخواهید بازی اختراع کنند: به بچه‌ها پنج دقیقه فرصت دهید تا با هم قوانین یک بازی را تنظیم کنند و بتوانند با هم در ماشین بازی کنند. با گذر زمان می‌توانید قوانین بازی را اصلاح کنید و بهبود بخشید. شاید تعجب کنید که بسیاری از این بازی‌ها نزد خانواده‌تان یک بازی محبوب می‌شود و می‌تواند همه را کیلومترها سرگرم کند.

به نوار قصه گوش کنید


 یکی از آشنایان من هر روز برای رفتن به محل کار یک ساعت و نیم رانندگی می‌کرد تا به لوس آنجلس برسد. اگر من مجبور می‌شدم چنین کاری کنم، حتماً دیوانه می‌شدم. اما او می‌گفت که این کار را دوست دارد و این زمان را «زمان خصوصی خود» می‌نامید که می‌توانست دور از خانواده و کار خود باشد. او این مسیر را در ماشین کوچک خود طی می‌کرد و هر هفته نوارهای داستان جدیدی را در ضبط صوت ماشین خود می‌گذاشت و این اولین باری بود که من درباره این شکل شنیداری ادبیات چیزی شنیدم. البته از آن موقع به بعد نوارهای داستان هم نزد کسانی که باید از خانه تا محل کار مسیری طولانی طی کنند و هم نزد کسانی که وقت مطالعه ندارند اما می‌توانند گوشی را روی گوش‌های خود بگذارند، بسیار محبوبیت پیدا کرده است.

نوار قصه هم برای بزرگسالان وجود دارد و هم برای بچه‌ها. بعضی از نوارهای قصه‌ی کودکان نیز در بسته‌هایی همراه کتاب قصه فروخته می‌شود تا کودک بتواند ضمن گوش کردن به قصه متن آن را نیز در کتاب دنبال کند. این روش برای تقویت مهارت‌هایی که به تازگی در خواندن پیدا شده، روش مؤثری است و قابل درک است که چرا والدین نگران نیز از آن استقبال می‌کنند. البته این روش هرگز نباید جای خواندن والدین یا خواندن برای والدین را بگیرد. بعضی از نوجوانان، علی‌رغم این‌که در کودکی خوب می‌خواندند،

ترجیح می‌دهند در اتاق را روی خود ببندند و گوشی واکمن را روی گوش‌های خود بگذارند. نوار قصه برای چنین نوجوانانی نیز می‌تواند مفید باشد. نوارهای قصه در بسیاری از کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها یافت می‌شود. صورت زیر برخی از نوارهای موجود در بازار را ذکر می‌کند.

① حسن کچل

② ترانه‌های کودکان

③ لچک‌قلی

④ حسن و خانم حنا

⑤ اتل مثل توتوله


⑥ بزبزقندی

⑦ و...

بخش ۳

رفتار بچه‌ها را اصلاح کنید

اطمینان حاصل کنید که فرزندتان برای خواندن آمادگی دارد


 جنیفر که متولد ماه آوریل است هنگام ورود به کلاس اول دبستان در ماه سپتامبر شش سال تمام داشت. نسبت به سن خود قدبلند بود، خیلی خوب صحبت می‌کرد، عاشق رنگ‌آمیزی بود و بلافاصله از نظر توانایی خواندن در بالاترین گروه کلاس خود قرار گرفت و تا پایان سال تحصیلی نیز در آن گروه درخشید. دو سال بعد که برادرش جاستین به کلاس اول رفت، او پنج سال و ده ماه سن داشت، او یکی از کوچک‌ترین و کوتاه‌قدترین بچه‌های کلاس خود بود. معلم او به زودی متوجه شد که جاستین نمی‌تواند برای مدت زیادی روی موضوع واحدی تمرکز کند، هماهنگی بین چشمان و دستان او ضعیف است و هیچ علاقه‌ای به خواندن از خود نشان نمی‌دهد. جاستین از نظر خواندن در پایین‌ترین سطح کلاس خود قرار داده شد. در کلاس سوم جاستین به طور ناگهانی انرژی شدیدی را از خود نشان داد، از دانش‌آموزان دیگر جلو زد و جایگاه حقیقی خود را بین بهترین‌های کلاس به دست آورد.

وقتی فرزندتان به کلاس اول می‌رود با بچه‌هایی هم‌کلاس می‌شود که ممکن است حدود یک سال با هم اختلاف سن داشته باشند، تفاوت سنی در این مرحله یعنی تفاوت رشد جسمی، عاطفی و ذهنی. البته سن تقویمی کودک نسبت به عواملی چون جنسیت، درک تصویری و شنیداری، سلامت جسمی، توانایی زبانی و علاقه به خواندن، در آمادگی او برای خواندن تأثیر کمتری دارد.

دخترها معمولاً زودتر از پسرها برای خواندن آمادگی پیدا می‌کنند. آمادگی بیشتر دخترها به این واقعیت‌ها ربط دارد که دخترها اغلب زودتر از پسرها زبان باز می‌کنند و هنگام ورود به دبستان از دایره‌ی لغات گسترده‌تری برخوردارند.

اطلاعات زمینه‌ای بچه‌ها، یعنی تجربیاتی که با خود به مدرسه می‌آورند، در آمادگی آنها برای خواندن عامل کلیدی‌اند. به عنوان نمونه یکی از بچه‌هایی که من امتحان می‌کردم در مرکز شهر بزرگ شده بود، امتحان، آزمایش ساده‌ای بود و او باید کلمات را با تصویر مربوط به خود ربط می‌داد. تصویر، تصویر یک حیوان شاخدار بود و کلمات: گاو، پرچم و گوزن. کودک کلمه گاو را برگزید و وقتی از او پرسیدم گفت: «خوب این گاو است.» معلوم شد که هرگز نه گوزن دیده است و نه درباره آن چیزی شنیده است. معلوم شد وقتی باید به کمک قدرت درک خود می‌خواند، از موقعیت خوبی برخوردار نبوده است.

درک تصویری در بچه‌های مختلف با سرعت متفاوتی رشد می‌کند. بچه‌های خیلی کوچک ممکن است M و A را با هم اشتباه بگیرند چون نوک هر دو رو به بالا است و وقتی کمی بزرگ‌تر می‌شوند ممکن است d و b، p و g یا m و w را با هم اشتباه بگیرند.

درک شنیداری در آمادگی برای خواندن، به توانایی کودک برای تشخیص تفاوت صدای حروف یا تشخیص کلمات هم‌صدا مربوط می‌شود. کودکانی که مهارت آنها برای تشخیص تفاوت صداها به قدر کافی رشد نکرده است، ممکن است نتوانند کلمات هم‌وزن را تشخیص بدهند یا صدای ب و پ را با هم اشتباه بگیرند.

مشکلاتی جسمی از قبیل ضعف بینایی یا شنوایی و ضعف مهارت‌های

حرکتی می‌تواند بچه‌ها را از خواندن بازدارد. و گاهی ناتوانی در تمرکز، به مشکلات جسمی مانند کم‌خونی، کمبود خواب و سوء تغذیه برمی‌گردد و نه مشکلات عاطفی.

وقتی فرزندتان به کلاس اول وارد می‌شود احتمالاً معنی چند هزار لغت را می‌داند و البته دایره‌ی لغاتی که به زبان می‌آورد و می‌شنود بر آمادگی او برای خواندن تأثیر به‌سزایی دارد. عامل مؤثر دیگر درک درونی او از ساختار و دستور زبان است. اگر این درک درونی را داشته باشید مسلماً آنچه را می‌خوانید، بهتر می‌فهمید. با این درک درونی می‌توانید حدس بزنید که کلمه‌ای که بعد از اسم آمده است و نمی‌توانید آن را بخوانید صفت است و اسم را توصیف می‌کند و می‌توانید حدس بزنید که بعد از فاعل بالاخره فعل می‌آید. لازم نیست این واژگان دستوری را بلد باشید، تنها چیزی که لازم است بدانید این است که یک زبان چگونه عمل می‌کند.

تمایل کودک برای خواندن تابع دو چیز است: رشد عاطفی او و برخوردارهایی که در خانه می‌بیند. اگر با صدای بلند برای کودکان می‌خوانید و به او نشان داده‌اید که خواندن کار باارزشی است، کودکان با علاقه برای یادگیری به کلاس درس می‌آید.

در هر گروهی از بچه‌های کلاس اول، هم بچه‌هایی پیدا می‌شوند که می‌توانند کمی بخوانند، هم بچه‌هایی که با کمی تلاش برای کسب آمادگی، خواندن را می‌آموزند و هم بچه‌هایی که تا یکی دو سال بعد آمادگی واقعی را به دست نخواهند آورد. کار معلم سخت است و سخت‌تر از آن احساس ناکامی والدینی است که فرزندانشان در گروه سوم قرار می‌گیرند. ممکن است فرزندتان در سال دوم دبستان مهارت و

علاقه‌ی لازم را به دست آورد تا به همکلاسی‌های خود برسد و این خود تجربه‌ی خوبی است. شاید از این بترسید که فرزندتان هیچ وقت به سطح همکلاسی‌های خود نرسد اما مهارت‌های او ناگهان شکوفا شود و شما را به تعجب وادارد.

هر بچه‌ای با بچه‌های دیگر تفاوت دارد (مراجعه کنید به روش ۴۹). تشخیص این تفاوت‌ها به شما کمک می‌کند با فرزندتان که با سرعت خاص خود برای خواندن آماده می‌شود، کنار بیایید. کارهایی هست که می‌توانید برای آماده کردن فرزندتان برای خواندن انجام دهید. اما به خاطر داشته باشید که به زور نمی‌توان او را وادار به رشد کرد. اگر قبل از این که آمادگی پیدا کند او را به خواندن وادار کنید ممکن است توانایی خواندن داشته باشد اما از خواندن لذت نبرد.

چگونه فرزند خود را برای خواندن آماده کنید.

تجربه

- از جاهای جدید دیدن کنید و درباره‌ی آنها صحبت کنید.
- برای معرفی مفاهیم تازه از برنامه‌های آموزشی تلویزیون استفاده کنید.
- درباره‌ی تجربیات مختلف زندگی برای او با صدای بلند قصه بخوانید.

درک بینایی

- رسم شکل و نقاشی را از روی سرمشق تمرین کنید.
- با همدیگر پازل درست کنید.
- با خمیر بازی و آجرهای خانه‌سازی کار کنید.

درک شنیداری

- ① با هم با صدای بلند شعر و ترانه بخوانید و بازی‌های زبانی بکنید.^۱
(مراجعه کنید به روش ۴۳).
- ② بازی‌های لغوی کنید که شامل ذکر کلمه‌هایی می‌شود که مانند هم شروع یا تمام می‌شوند.

مشکلات جسمی

- ① قبل از ورود به دبستان بخواهید که چشم‌ها و گوش‌های فرزندتان توسط متخصص معاینه شود.

توانایی گفتاری


- ① فرزندتان را تشویق کنید جمله‌ها را به صورت کامل بیان کند.
- ② وقت بگذارید و از تجربیات خود برای همدیگر تعریف کنید و به حرف یکدیگر گوش کنید.

تمایل برای خواندن

- ① به صورت منظم به کتابخانه سر بزنید.
- ② به بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند کتاب‌هایی بدهید که ظاهری جذاب دارند.
- ③ در هر فرصت ممکن با صدای بلند کتاب بخوانید.

۱. مثلاً شش سیخ کباب سیخی شش زار. یا دایی‌ام چاقه، چایی‌ام داغه.

خواندن فعال را تشویق کنید


 جادی که ۱۶ سال داشت یک سال تابستان داوطلب شد تا برای بچه‌ها در کتابخانه قصه‌های پریان بخواند. روز اول وقتی بعد از اتمام کار خود به خانه برگشت، چهره‌اش حالتی متحیر داشت:

«خیلی عجیب است، من این‌همه صدای ترسناک از خودم درمی‌آورم و صدای شخصیت‌های وحشتناک را تقلید می‌کنم اما هر بار که به آخر صفحه می‌رسم و می‌پرسم: "حالا چه می‌شود؟" یا "به نظر تان چطور بود؟" هیچ پاسخی نمی‌گیرم. بچه‌ها همین‌طور می‌نشینند. آخرش فقط یکی از دخترها گفت: "دیو آنها را می‌گیرد!" و بعد سرخ شد، انگار کسی اجازه ندارد در کتابخانه حرف بزند!»

«به خاطر همین بعد از جلسه با یکی دو تا از بچه‌ها حرف زدیم و از آنها پرسیدم که آیا از قصه خوششان آمد. گفتند، بله، خوششان آمد، قصه خوب بود. پرسیدم از خواندن من خوششان آمد؟ گفتند صداهای ترسناکی که تقلید می‌کردم خوب بود. پرسیدم چرا جوابم را نمی‌دادند. گفتند چون معمولاً وقتی برای شنیدن قصه می‌آیند، کسی که قصه را می‌خواند، فقط کتاب را برمی‌دارد و از اول تا آخر می‌خواند. آنها باید فقط می‌نشستند و گوش می‌کردند و به همین دلیل نمی‌دانستند باید چه کار کنند.»

خوانندگان و شنوندگان فعال نسبت به خوانندگان و شنوندگان منفعل مطلب را بهتر درک می‌کنند. خودتان فکر کنید: وقتی هوشیار هستید، سؤال می‌کنید و درباره‌ی روایت شخص مقابل اظهار نظر می‌کنید، گفت‌وگو را بهتر از حالتی که فقط سخنان گوینده را می‌شنوید، دنبال

می‌کنید و به خاطر می‌آورید. به همین دلیل است که بیشتر افراد با شرکت در سمینار بهتر می‌آموزند تا با گوش کردن به سخنرانی. احتمالاً سقراط اولین کسی بود که فواید یادگیری فعال را تشخیص داد. در روش سقراطی با پرسیدن یک‌سری سؤال از دانشجویان و بررسی عمیق پاسخ آنها، دانش را از زبان خود دانشجویان بیرون می‌کشند. بدین ترتیب دانشجویان تشویق می‌شوند دانسته‌های خود را در ارتباط با آنچه نمی‌دانند به کار بگیرند.

اصلی که خواندن جدی براساس آن نهاده شده است نیز شبیه به همین است. گاهی قبل از شروع به خواندن از دانشجویان یک‌سری سؤال پرسیده می‌شود. ممکن است در طول داستان چندبار مکث کنند تا آینده‌ی داستان را پیشگویی کنند، به سؤالات پاسخ دهند یا درباره‌ی اتفاقات داستان اظهار نظر کنند. در پایان داستان، دانشجویان آنچه را که آموخته‌اند دوره می‌کنند.

ما بزرگسالان بدون این‌که کسی برایمان سؤال فراهم کند به صورت فعال می‌خوانیم. از خودمان می‌پرسیم که چه چیزهایی برایمان خوشایند و چه چیزهایی ناخوشاینداند، علایقمان چیست، در دانشمان چه خلاءهایی وجود دارد و بدین ترتیب انتخاب می‌کنیم که چه چیزی بخوانیم. هنگامی که می‌خوانیم به طور پیوسته آینده را پیشگویی می‌کنیم و پیش خودمان درباره تعصبات نویسنده، انگیزه‌ی شخصیت‌ها یا علاقه‌مان نسبت به مطلب اظهار نظر می‌کنیم. ما به صورت خودکار دانسته‌های خود را در ارتباط با متنی که می‌خوانیم به کار می‌گیریم و ضمن خواندن، عقاید خود را تغییر داده و پالایش می‌کنیم. فعال‌ترین خوانندگان بعد از خواندن به عمل واداشته می‌شوند: برای ویراستار نامه

می‌نویسند، با دوستانشان درباره‌ی آنچه آموخته‌اند بحث می‌کنند یا به جست‌وجوی کتاب‌های دیگر از همان نویسنده می‌پردازند. یادگیری فعال یک مهارت است و بچه‌ها لزوماً به صورت خود به خود به آن دست نمی‌یابند. اگر هنگامی که با صدای بلند برای فرزندانتان کتاب می‌خوانید از برخی از روش‌های زیر استفاده کنید می‌توانید به آنها کمک کنید خواندن و گوش دادن فعال را بیاموزند.

خواندن جدی و هوشمندانه را چگونه تشویق کنیم

قبل از خواندن

۱. جلد کتاب را بالا نگه دارید و از بچه‌ها بخواهید موضوع داستان را حدس بزنند.
۲. عنوان کتاب و نام نویسنده را ذکر کنید. اگر داستان مشابهی برای بچه‌ها خوانده‌اید برایشان یادآوری کنید یا اگر از همان نویسنده چیزی دیگر خوانده‌اید ذکر کنید.

در ضمن خواندن

۳. تصاویر را به بچه‌ها نشان دهید و از آنها بخواهید شخصیت‌های داستان و کارهای آنها را مشخص کنند.
۴. درباره‌ی شخصیت‌ها و وقایع داستان، سؤالاتی مانند سؤالات زیر پرسید:

● آیا چنین اتفاقی واقعاً می‌تواند بیفتد؟

● چرا چنین کرد؟

● اگر تو بودی همین کار را می‌کردی؟



❶ مشکلش چیست؟

❷ چگونه می‌تواند مشکلش را حل کند؟

❸ بعداً چه اتفاقی می‌افتد؟


۵. اگر داستان به نظم نوشته شده است یا ترجیح بند دارد هنگام رسیدن به بندهای تکراری مکث کنید و به بچه‌ها اجازه بدهید آنها را به زبان بیاورند.

بعد از خواندن

۶. به بچه‌ها یادآوری کنید که درباره‌ی داستان چه چیزهایی پیش‌گویی می‌کردند و از آنها بپرسید که داستان با پیش‌گویی آنها چه تفاوتی داشت.

۷. نظر بچه‌ها را درباره‌ی تصاویر، شخصیت‌پردازی، سبک نگارش و طرح داستان بپرسید.

اجازه بدهید بچه‌ها به موضوعی علاقه‌مند شوند و آن را دنبال کنند


 آرون مثل همه بچه‌ها به مهدکودک می‌رود. اگر چیزی حتی شکل سبزیجات باشد، آن را نمی‌خورد، فقط لباس قرمز و آبی می‌پوشد و چند ماه است که تنها به کتاب‌های دایناسورها نگاه می‌کند. نود و نه درصد از نقاشی‌هایی که می‌کشد نقاشی دایناسورها است. در اتاق خواب خود پوستر دایناسورها را نصب کرده است و روی هر سطح ممکن نیز دایناسورهای کوچک پلاستیکی و لاستیکی قرار داده است. از محاسنش این است که واقعاً درباره دایناسورها چیزهای زیادی می‌داند: نام‌ها، زیستگاه‌ها، علایق غذایی و غیره. وقتی مهمان داریم علی‌رغم میل خود چند لحظه‌ای بازی با دایناسورهاش را قطع می‌کند و کمی از این اطلاعات را با بی میلی با مهمانان در میان می‌گذارد. پدرش می‌گوید که در کودکی هرگز چنین دوره‌ای را با عشق دایناسورها نگذرانده است اما در خاطرات مهمش به یاد می‌آورد که در یک دوره تنها چیزی که توجهش را جلب می‌کرد آمار بازی‌های بیس‌بال بود.

چرا دایناسورها؟ مشکل است بگویم که چه چیزی پسرها را به سمت این خزندگان منقرض شده جلب می‌کند و چه چیزی دخترهای کوچک را در یک سن خاص به اسب‌ها علاقه‌مند می‌کند. پدر و مادرهای هوشمند از این وسواس‌های زودگذر حسن استفاده را به عمل می‌آورند و از آنها به عنوان انگیزه‌ای برای ایجاد علاقه به خواندن کمک می‌گیرند. یادگیری بر اساس پرسش نوعی آموزش است که در آن معلم به دانش‌آموز

اجازه می‌دهد که به موضوع خاص خود علاقه‌مند شود و تا جایی که می‌خواهد آن را دنبال کند. این کار برای معلمی که مسئول ۳۰ دانش‌آموز است پرزحمت است اما اگر یک، دو یا سه فرزند داشته باشید خیلی ساده‌تر است. در یادگیری براساس پرسش تمام یادگیری کودک براساس سؤال‌هایی صورت می‌گیرد که نسبت به دنیای اطراف خود دارد. این روش یادگیری روشی طبیعی است که مشابه روش یادگیری او درباره‌ی دنیا، هنگام خردسالی است. این چیه؟ آها، چقدر نرم است. چه بوی خوبی دارد. مزه‌اش عجیب است.

بچه‌ها نسبت به دنیای خود به‌طور طبیعی کنجکاوند اما وقتی مجبور می‌شوند با ۲۹ نفر دیگر که هرکدام گذشته، نقطه نظر، علایق و توانایی‌های متفاوتی دارند، در یک کلاس بنشینند، اغلب اوقات این کنجکاوی طبیعی تضعیف می‌شود. گاهی بهترین جا برای پرورش این کنجکاوی خانه است.

فرض کنید که جان یک روز به خانه می‌آید و می‌پرسد: «امریکای جنوبی کجاست؟ امروز یک شاگرد جدید به کلاسما اضافه شد که از امریکای جنوبی آمده است. مگر امریکا کشور ما نیست؟»

حالا شما فرصت دارید که کره‌ی جغرافیایی را گردگیری کنید و قاره‌ها را به فرزندتان نشان دهید. هنوز وقت آن نرسیده است که باعجله به کتابخانه بروید و با یک بغل کتاب درباره‌ی پوشش گیاهی و جانوری و تولیدات ناخالص ملی برزیل و اکوادور به خانه برگردید. شاید درسی که با کره‌ی جغرافیایی به فرزندتان داده‌اید کاملاً او را راضی کرده باشد و به موضوع پایان داده باشد. در یادگیری براساس پرسش، نکته این است که اجازه بدهید کودک علایق خود را تا جایی که ادامه دارند دنبال کند و بدین ترتیب سبب شود تا چیزی یاد بگیرد.


ممکن است قسمتی از امریکای جنوبی که نزدیک قطب جنوب است برای جان جالب باشد. در این مرحله می‌توانید دایرةالمعارف را بیاورید و او را راهنمایی کنید که مقاله‌های مربوط به شیلی، آرژانتین و قطب جنوب را بخواند. اگر در آن مقاله‌ها موضوع جالبی پیدا کرد شاید لازم باشد سری به کتابخانه بزنید یا برای کسب اطلاعات بیشتر در اینترنت سیر کنید.

هنگام گردش علمی با همکلاسی‌ها یا خانواده، هنگام گفت‌وگو با یک دوست یا با دیدن کلمه‌ای ناشناخته در روزنامه ممکن است فرصتی برای یادگیری پدید آید. هدف این نیست که شما پاسخ سؤالات فرزندان را بدهید، بلکه نقش کتابدار کتاب‌های مرجع را بازی کنید و منابع اطلاعاتی مورد نیاز فرزندان را در اختیار او قرار دهید.

والدین آرون دقیقاً به خاطر نمی‌آورند که وسواس او نسبت به دایناسورها چگونه آغاز شد اما فکر می‌کنند به زمانی برمی‌گردد که نزد دندانپزشک می‌رفتند و او هر بار که دندان‌های پسرشان را تمیز می‌کرد به آرون یک دایناسور لاستیکی می‌داد. در آن زمان بود که آرون از والدینش یک پوستر از دایناسورها خواست و بعد خواست هنگام خواب اطلاعاتی را که درباره‌ی هر دایناسور روی پوستر نوشته شده است برای او بخوانند. بعد مادر آرون که از خواندن عناوین و اعداد و ارقام روی پوستر خسته شده بود ابتکار عمل به خرج داد و درباره‌ی دایناسورها کتاب‌های داستانی پیدا کرد تا آنها را هنگام خواب برای آرون بخواند. از اینجا بود که آرون تصویر دایناسورها را از کتاب‌ها کپی می‌کرد و در اطراف آنها مناظر خیالی می‌کشید و بعد از آن هم براساس ذهن خود از دایناسورها تصاویری خلاق رسم می‌کرد.

آرون اکنون صاحب دوازده جلد کتاب درباره‌ی دایناسورها است و به تازگی یک مجله‌ی کودکان خریده است که روی جلد آن تصویر دایناسور چاپ شده است. در همین مجله نیز یک مقاله درباره‌ی نهنگ‌ها بود، و بعد ناگهان عکس نهنگ آبی روی دیوار اتاق آرون نصب شد. هفته گذشته که به کتابخانه رفتند، دو جلد کتاب درباره‌ی نهنگ‌ها قرض کرد. اکنون می‌تواند چند نوع از نهنگ‌ها را شناسایی کند. تصور کنید که وقتی آرون واقعاً خواندن بیاموزد چه توانایی‌هایی به دست می‌آورد!

به بچه‌هایی که نمی‌توانند بخوانند اجازه بدهید قصه را از روی تصاویر تعریف کنند


 خواهرزاده‌ام که چهارساله است دوست دارد هنگام گفت‌وگوی تلفنی با من «اتاق را بخواند». او بدون این‌که از نظم خاصی تبعیت کند و بدون هیچ منطق قابل درکی به تک‌گویی می‌پردازد:

«خُب، می‌دانی یک کاسه سیب آنجاست، و بلوز بافتنی مامان روی صندلی افتاده بود. به اسب‌های کوچولوی روی میز نگاه می‌کرد و بیرون پنجره یک ماشین است و ماشین‌های اسباب‌بازی روی زمین‌اند.»

اگر غریبه‌ی رهگذری این سخنان را بشنود شاید به نظرش دیوانه‌وار بیاید اما من می‌توانم خواهرزاده‌ام را تصور کنم که در اتاق ایستاده است، گوشی را در یک دست خود گرفته است، به اطرافش نگاه می‌کند و آنچه را که می‌بیند، «می‌خواند». او اجسام فیزیکی را به زبان تبدیل می‌کند و به شکلی روایت‌گونه پشت سر هم بیان می‌کند. روایت او مانند روایت‌هایی است که از زبان بزرگسالان هنگام گفت‌وگو با همدیگر می‌شنود یا شبیه آنچه از کتاب‌های داستان برای او می‌خوانند. او از برخی از عناصر روایت، یعنی توصیف، ترتیب فضایی و از حروف ربط نیز استفاده می‌کند. خواهرزاده‌ام هنوز از نظر رشدی در مرحله‌ی قبل از خواندن قرار دارد اما به سرعت مفهوم خواندن در ذهن او شکل می‌گیرد. اگر یک کتاب تصویری به او بدهیم می‌تواند صفحات آن را به ترتیب ورق بزند و ماجرا را برایتان تعریف کند. اگر داستان کتاب را بارها شنیده باشد و بر اثر تکرار مطلب آنها را حفظ کرده باشد می‌تواند آنها را مانند کسی که می‌خواند از بر بگوید. همین روزهاست که جهش کند و خواندن بیاموزد.

هر مادر یا پدری که یک کتاب را برای صدمین مرتبه خوانده باشد حاضر است برای ابد از خواندن قصه با صدای بلند صرف نظر کند. حوصله‌ی

مادر بزرگ‌ترها از تکرار سر می‌رود اما همین تکرار در رشد فرزندانمان نقشی باورنکردنی دارد. تکرار و کار یکنواخت بچه‌ها را آرام می‌کند و به آنها احساس امنیت می‌بخشد. وقتی بچه‌ها قصه‌ای را بارها و بارها می‌شنوند، با این تکرار آنرا حفظ می‌کنند و سپس یکدفعه خواندن را می‌آموزند. در میان تکرار یکنواخت داستان، کودک متوجه می‌شود که بین کلماتی که به زبان می‌آورید و کلماتی که نوشته شده است رابطه‌ای وجود دارد. علائم پیچ در پیچ و بی‌معنی صفحه معنی پیدا می‌کند و یک انسان دیگر با سواد می‌شود.

تکرار ← حفظ کردن ← خواندن


بعد از شنیدن داستان و قبل از این که فرزندتان بتواند کلمات آنرا بخواند، می‌تواند داستان را از روی تصاویر آن تعریف کند. این مرحله، مرحله‌ی مهمی در مسیر خواندن است. کودک با هجی کردن صدای کلمات قادر به خواندن نمی‌شود. برای این که بتواند مسلط و روان بخواند باید بتواند ساختار یک داستان را درک کند و آنرا درونی کند. کتاب‌های مصور با به تصویر کشیدن اتفاقات، شخصیت‌ها و موقعیت مکانی داستان به بچه‌ها کمک می‌کنند که این مهارت را در خود پرورش دهند.

چگونه داستان را از روی تصاویر تعریف کنیم

از ابتدا شروع کنید از فرزندتان بخواهید بگوید که چه کسانی در داستان نقش دارند و داستان در کجا اتفاق می‌افتد.	صفحات را ورق بزنید یا از فرزندتان بخواهید این کار را انجام بدهد. در هر صفحه از فرزندتان بپرسید که چه اتفاقی می‌افتد. اگر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد بگوید، صفحه را بخوانید. در صورت تمایل از فرزندتان بخواهید پیشگویی کند که چه اتفاقی می‌افتد.	در آخر از فرزندتان بپرسید قصه چگونه تمام شد. آیا پایان خوش داشت؟ آیا قابل فهم و قابل قبول بود؟
---	---	--

و چند توصیه هنگام به کارگیری این مراحل: اصرار نکنید فرزندتان طرح دقیق داستان را توصیف کند یا از همان کلماتی استفاده کند که در کتاب نوشته شده است. اجازه بدهید تا حد امکان از تخیل خود استفاده کند. اگر خیلی از موضوع پرت شد می‌توانید بپرسید: «در تصویر چه اتفاقی افتاده است؟ تو از کجا فهمیدی؟» تنها یک پاسخ درست وجود ندارد پس از پاسخ خلاق فرزندتان با آغوش باز از او استقبال کنید. اگر هنگامی که قصه را از روی تصاویر آن می‌خواند از خود شور و هیجان نشان دهید برای خواندن از روی کلمات تشویق می‌شود و شاید ضرورت پیدا نکند در طول چند ماه آینده یک داستان را بیش از چند صدبار برای او بخوانید!

از بچه‌ها بخواهید پس از شنیدن داستان آن را دوباره تعریف کنند

چند روز پیش که به کتابخانه رفته بودم کودک پنج‌ساله‌ای را دیدم که قصه  سه بزغاله کوچک را برای کودک سه‌ساله‌ای «می‌خواند». این دختر کوچک صفحه‌های کتاب را ورق می‌زد و با صدای آهنگین خود داستان آشنا را تعریف می‌کرد: سه تا بزغاله کوچولو بودند! می‌خواستند خونه بسازند! یک بزغاله کوچولو خونه‌اش را، از گاه ساخت، اما گرگه، هوف!، فوت کرد و خونه خراب شد. یک بزغاله کوچولو خونه‌اش را از چوپ ساخت و گرگه هوف! فوت کرد و آن خانه هم خراب شد. آن وقت بزغاله کوچولوی زرنگ که خونه‌اش آجری است و با هوف و فوت اما این خونه که خراب نمی‌شه! خلاصه، گرگه می‌ره روی شیروونی و می‌افته توی دیگ آب جوش. همه بزغاله‌ها از خوشحالی می‌رقصند. تموم شد. تمام عناصر داستان اصلی در قصه‌ای که دختر کوچک تعریف کرد وجود داشت البته چند تغییر کوچک هم رخ داده بود، مثلاً جایگزینی کلمه «گاه» به جای «پوشال» (گاه را از تصویر حدس زده بود و کلمه‌ی پوشال کمی برایش ناآشنا بود). روشن است که «خواننده» داستان را درونی کرده است و با کمی راهنمایی توسط تصاویر می‌تواند آن را دوباره تعریف کند.

تعریف کردن یکی از مهارت‌های مهم تفکر انتقادی است. ممکن است ساده به نظر برسد ولی واقعاً پیچیده است. کودکی که می‌خواهد یک قصه‌ی پریان را تعریف کند باید اصول ترتیب، شخصیت‌پردازی، طرح و درونمایه را درک کند.

اگر صاحب کودکی باشید حتماً با داستان‌های بی‌سر و تهی که از وقایع روزمره تعریف می‌کند آشنایی دارید. آنها وقتی خراب‌کاری می‌کنند و دسته گل به آب می‌دهند و می‌آیند تا به ما نشان بدهند و بگویند چه اتفاقی افتاده است، داستان‌شان نامفهوم است و ما را به کلی گیج می‌کند. ما نیز به آنها التماس می‌کنیم که «از اولش شروع کن!»

بچه‌هایی که می‌توانند داستانی را به ترتیب از اول تا آخر و با حذف جزئیات زاید اما با حفظ مفاهیم اصلی تعریف کنند، از مهارتی مفید و کاربردی برخوردارند.

اگر می‌خواهید به فرزندتان کمک کنید این مهارت را به دست بیاورد او را تشویق کنید داستان‌های آشنای خود را از بر تعریف کند. هفته‌ای یک بار به جای این که داستان‌های تکراری را با صدای بلند بخوانید، از فرزند پیش دبستانی‌تان بخواهید قصه‌ی کتاب مورد علاقه‌ی خود را برایتان، با استفاده یا بدون استفاده از کتاب به عنوان راهنما، تعریف کند. اگر فرزندتان کمی بزرگ‌تر است از او بخواهید طرح داستان‌های آشنای خود را برای بچه‌های کوچک‌تر تعریف کند.

شما می‌توانید مهارت فرزند خود را برای تعریف وقایع زندگی واقعی نیز بهبود بخشید. هنگام صرف غذا از فرزندتان بخواهید خلاصه‌ی یکی از کارهایی که در مدرسه انجام داده را بیان کند. تشویق‌اش کنید که برای روایت خود، قسمت آغاز، میانی، و پایانی قائل شود. برای این که گیج نشود از او بپرسید: «اول چه اتفاقی افتاد؟ بعد چه شد؟ چگونه تمام شد؟» برای این که از روش صحیح بیان خلاصه‌ی یک جریان الگویی در اختیار او قرار دهید، آنچه را در محل کار، در فروشگاه یا در مسیر خانه برایتان اتفاق افتاده تعریف کنید. بد نیست برای اتفاقات

واقعی زندگی‌تان یک تیترا خبری بگذارید: «شغل جدید پدر باعث معروفیت خانواده می‌شود»، «مادر از فروشگاه میوه‌ای عجیب می‌خرد.» این کار به شما کمک می‌کند ضمن این‌که جزئیات را به ترتیب وقوع بیان می‌کنید موضوع اصلی را نیز در خاطر داشته باشید.

چگونه اتفاقات زندگی واقعی خود را تعریف کنیم

۱. به موضوع اصلی بیان‌دیشید. مهم‌ترین اتفاقی که افتاد چه بود؟ برای داستان چه تیترا می‌توانید بگذارید؟
۲. از ابتدا شروع کنید. افرادی را که نقش داشتند و محل وقوع جریان را توضیح دهید.
۳. جزئیات طرح را به ترتیب وقوع اضافه کنید. سعی کنید از بیان جزئیاتی که به مفهوم اصلی ربط ندارند یا موضوع را مبهم می‌کنند، اجتناب کنید.
۴. در صورت امکان برای داستان خود پایانی پرسر و صدا و هیجانی قرار دهید.

از بچه‌ها بخواهید داستان‌ها را ارزیابی کنند

⚠ کاترین می‌گوید: «کلافه شده‌ام، گزارش‌هایی را که درباره‌ی کتاب‌های کودکان می‌نویسند می‌خوانم و کتاب‌هایی که برای بچه‌های هم‌سن بچه‌های من توصیه می‌کنند تهیه می‌کنم ولی هیچ‌وقت موفقیت‌آمیز از آب در نمی‌آیند. کتاب‌ها یا بیش از حد غم‌انگیز، یا فاقد جذابیت یا مبهم یا زیادی بزرگ‌سالانه است. بچه‌های من ترجیح می‌دهند به جای این‌که یکی از این کتاب‌های به اصطلاح داغ تازه را آزمایش کنند، خواندن همان کتاب‌های قدیمی و مورد علاقه‌ی خود را باز هم تکرار کنند.»

در ۱۹۷۹ سام سباستا درباره‌ی علایق بچه‌ها نسبت به انواع مختلف داستان تحقیقی انجام داد و به این نتیجه رسید که:

- ① بچه‌ها طرح‌هایی را دوست دارند که سریع پیش می‌رود.
- ② دوست دارند جزئیات محل وقوع داستان ذکر شود.
- ③ در بسیاری از اوقات از داستان‌های پندآمیز لذت می‌برند.
- ④ داستان‌های غم‌انگیز برای آنها ناخوشایند است.
- ⑤ شخصیت‌های مهربان را دوست دارند.

داستان‌هایی که بچه‌ها معمولاً در سال‌های اول دبستان انتخاب می‌کنند شامل قصه‌های حیوانات، قصه‌های طنز، و داستان‌های واقع‌گرایانه درباره‌ی خانواده، دوستان و مدرسه است. بچه‌های بزرگ‌تر کتاب‌هایی

را می‌پسندند که موضوع آن فشارهای گروه هم‌سن و سالان، عقاید سفت و سخت و تعصب‌آمیز و مشکلات خانوادگی است.

تعجبی ندارد که منتقدان همیشه همان کتاب‌هایی را که کودکان انتخاب می‌کنند، انتخاب نکنند.

بچه‌های شما درباره‌ی ادبیات نظر خاص خود را دارند اما ممکن است برای بیان این نظرها به کمک نیاز داشته باشند. همان‌طور که تجربه خیلی خوب به شما نشان داده است:

هر کتابی ارزش خواندن ندارد

نباید انتظار داشته باشید فرزندتان به هر کتابی که به او توصیه می‌کنید با تمام وجود علاقه نشان دهد، حتی اگر این کتاب‌ها، کتاب‌های مورد علاقه دوران کودکی شما باشند. بهتر است به آنها اجازه بدهید از کتاب‌هایی که به نظر آنها بد است بدگویی کنند و از کتاب‌هایی که لذت می‌برند تمجید کنند، اما آنها را تشویق کنید برای دفاع از عقیده‌ی خود دلیل بیاورند. کسی که خواندن را دوست دارد به صورت خودکار از هر مطلبی خوشش نمی‌آید؛ او با نگاهی انتقادی می‌خواند، ارزش ادبی را درک می‌کند، سبک و نقطه نظر نویسنده را دقیقاً بررسی می‌کند و به تدریج و به مرور زمان علایق شخصی خود را پیدا می‌کند.

این سؤال‌ها به فرزند شما کمک می‌کنند تا کتاب‌ها را ارزیابی کند:

- آیا این کتاب، کتاب خوبی بود؟
- آیا چنین داستانی می‌تواند واقعاً اتفاق بیفتد؟
- آیا رفتارها و گفته‌های شخصیت‌ها مانند افراد واقعی بود؟

- ۵۰ آیا می‌توانم محل وقوع داستان را تصور کنم؟
- ۵۰ آیا هنگام خواندن داستان در آن «غرق» شدم؟
- ۵۰ آیا پایان داستان معقول بود؟
- ۵۰ آیا پیام نویسنده معقول است؟
- ۵۰ آیا کتاب هیجان‌انگیز بود؟ جالب بود؟ ناراحت‌کننده بود؟
- ۵۰ آیا وقتی کتاب را بستم باز هم دوست داشتم به خواندن ادامه بدهم؟
- ۵۰ آیا علاقه دارم درباره‌ی این موضوع یا از همین نویسنده کتاب دیگری بخوانم؟

بین داستان‌ها و زندگی بچه‌ها ارتباط برقرار کنید

⚠️ یک معلم کلاس سوم برایم تعریف می‌کرد که داستانی واقعی را برای دانش‌آموزان خواند. محل وقوع داستان جامعه‌ای روستایی بود که برای بچه‌های کلاس بیگانه بود. بعد از خواندن داستان که معلم درباره‌ی آن با بچه‌ها بحث کرد، متوجه شد که در درک بچه‌ها نسبت به داستان یک دوگانگی وجود دارد. بعضی از بچه‌ها که در شهر زندگی کرده بودند فکر می‌کردند که داستان سال‌ها پیش رخ داده است چون همه‌ی شخصیت‌های آن لباس‌های قدیمی به تن داشتند و با اسب و گاری به این طرف و آن طرف می‌رفتند. بیشتر بچه‌هایی که در نواحی کشاورزی اطراف شهر زندگی کرده بودند چنین برداشتی نداشتند چون در تجربه‌ی خود به دیدن اسب و گاری عادت داشتند. چنداناً از بچه‌ها فکر می‌کردند که داستان در کشوری خارجی رخ داده است چون هیچ‌گاه نام‌های خانوادگی شخصیت‌های اصلی را که به نظرشان از کتاب مقدس مسیحیان برگرفته شده بود، نشنیده بودند. تنها چیزی که همه‌ی بچه‌ها در آن اتفاق نظر داشتند طرح داستان بود: داستان، ماجرای ساده‌ای بود که برای یک پسر و گربه‌اش اتفاق افتاد و واقع‌گرایانه بود نه تخیلی.

دانسته‌های بچه‌ها بر کوچک‌ترین متنی که می‌خوانند تأثیر می‌گذارد. برای این‌که بتوانند آنچه را می‌خوانند درک کنند باید بین دانش خود از جهان و آنچه در صفحه چاپ شده است ارتباط برقرار کنند.

دانش پیش‌زمینه + محتوای داستان ← درک متن

شما می‌توانید به بچه‌ها کمک کنید بین داستان‌ها و زندگی واقعی ارتباط برقرار کنند. برای این کار به آنها بیاموزید آنچه را می‌خوانند با آنچه می‌دانند مقایسه کنند. هنگامی که با صدای بلند برای بچه‌ها قصه می‌خوانید، از آنها سؤال پرسید. محتوای سؤال‌ها متغیر است اما آنچه در زیر آمده است می‌تواند شما را راهنمایی کند:

سؤال‌هایی برای کمک به فرزندان برای برقراری رابطه بین داستان‌ها و

زندگی واقعی

- ① یادت می‌آید که از مزرعه بازدید کردیم؟ آیا مانند مزرعه‌ی این داستان بود؟
- ② بیابانی که در قصه وجود دارد با جایی که ما در آن زندگی می‌کنیم چه تفاوتی دارد؟
- ③ آیا بچه‌های این قصه در زمان ما زندگی می‌کنند؟ از کجا می‌فهمی؟

طرح

- ④ آیا چنین اتفاقی برای آشنایان ما افتاده است؟
- ⑤ اگر چنین اتفاقی برای تو می‌افتاد چه می‌کردی؟

شخصیت‌پردازی

- ⑥ این شخصیت چه احساسی دارد؟ از کجا می‌فهمی؟
 - ⑦ اگر تو بودی این شاهزاده‌خانم را چگونه توصیف می‌کردی؟
 - ⑧ این دختر کوچک نسبت به مادرش چه احساسی دارد؟ از کجا می‌دانی؟
- (برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی ایجاد ارتباط با شخصیت‌ها مراجعه کنید)

به روش ۴۰.)

بچه‌ها را تشویق کنید با شخصیت‌ها همانندسازی کنند

لیندا پرسید: «نظرت راجع به نمایش چه بود؟»
من گفتم: «بدم آمد. تحمل هیچ‌یک از شخصیت‌هایش را ندارم. جز این‌که
زبانمان مشترک است هیچ وجه اشتراک دیگری با هیچ‌یک از آن آدم‌ها
ندارم.»



داستان‌هایی می‌توانند ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهند که بتوانیم با
شخصیت‌های آنها ارتباط برقرار کنیم، چه داستان تخیلی باشد و چه
واقعی. در ادبیات داستانی شخصیتی که خوب پرداخته شده باشد نقاط
ضعف و نقاط قوتی دارد که از طریق اندیشه‌ها، رفتارها، گفت‌وگوها،
روایت مستقیم یا اندیشه و کلام شخصیت‌های دیگر داستان آشکار می‌شود.
در ساختار سنتی داستان، شخصیت اصلی با مشکلی روبه‌رو می‌شود
که تغییری در او ایجاد می‌کند. وقایع داستان را معمولاً برخورد شخصیت
اصلی با مشکل تعیین می‌کند. داستان‌های خوب انواع مختلف رفتار را
نشان می‌دهند. اگر با شخصیت‌ها همانندسازی کنیم می‌توانیم احساس
آنها را درک کنیم و عکس‌العمل آنها را پیش‌بینی کنیم. اگر رفتار و
اندیشه‌ی آنها غلط باشد، این را نیز درک می‌کنیم و آرزو می‌کنیم که روش
خود را تغییر دهند.

برخی معتقدند باید از «آموزش شخصیت» حمایت شود، می‌گویند شخصیت‌های داستانی می‌توانند در ارائه‌ی الگوی رفتاری خوب برای بچه‌ها نقش مؤثری داشته باشند. همان‌طور که در قصه‌های سنتی نمونه‌های اخلاقی فراوان است و مثلاً می‌تواند آنها را در حکایت‌های سعدی پیدا کنید. در قصه‌ای که خوب پرداخته شده باشد هم نمونه‌هایی از رفتار خوب و هم رفتار بد دیده می‌شود. داستان خوب به جای این که یک درس اخلاقی را به زور در حلقوم خواننده فروکند، به او اجازه می‌دهد که انتخاب کند: به نظرم بنا به این دلایل این شخصیت درست رفتار کرد و این شخصیت غلط.

پیاژه می‌گوید که توانایی کودک برای گذاشتن خود در جای دیگران یکی از قدم‌های مهم رشد اوست. خواندن داستان‌های خوب که شخصیت‌های آنها خوب پرداخته شده‌اند و رشد و تغییر می‌کنند، به بچه‌ها کمک می‌کند این قدم مهم را بردارند و به سوی بزرگسالی حرکت کنند.

شما می‌توانید حتی به خردسالان نیز کمک کنید از شخصیت‌پردازی درکی به دست آورند. وقتی با صدای بلند برایشان می‌خوانید، از آنها پرسید که شخصیت یا قهرمان داستان چه احساسی دارد. آیا تو هم چنین احساسی را داشته‌ای؟ آیا تو هم در موقعیت مشابهی قرار گرفته‌ای؟ شخصیت‌ها با چه مشکلی روبه‌رو شده‌اند؟ شخصیت‌ها باید چه کاری انجام دهند؟ شخصیت‌ها از چه نظر تغییر کرده‌اند؟

با بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانید درباره‌ی داستان‌های واقعی صحبت کنید: درباره‌ی مردم، رفتارها و احساسات آنها و این که آیا رفتارشان درست بود یا نه. به یک درس خشک تاریخ، کمی شخصیت‌پردازی

تزریق کنید و ببینید چقدر جان می‌گیرد! چه چیزی کاشفان را وادار کرد به جست‌وجوی راهی به سوی شرق پردازند. آیا کارشان درست بود که در یانوردان ناآگاه را با خود به هر کجا می‌کشیدند تا به هدف خود برسند؟ آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ وقتی نماینده‌ی فتحعلی‌شاه معاهده‌ی ترکمن‌چای را (در سال ۱۲۴۳ ه. ق) امضا می‌کرد چه احساسی داشت؟ آیا تمام احساس‌هایش مثبت بود؟ اگر تو بودی چه احساسی داشتی؟

وقتی بچه‌ها را تشویق می‌کنید احساس و رفتار شخصیت‌ها را با احساس و رفتار خود مقایسه کنند، به آنها کمک می‌کنید احساسات و رفتارهایی را که جنبه‌ی جهانی دارند، تشخیص دهند. بچه‌ها از طریق ادبیات نسبت به احساسات و اعمال دیگران آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند و بدین ترتیب در زندگی واقعی خود می‌توانند با دیگران بهتر رابطه برقرار کنند.

بین کتاب‌ها رابطه برقرار کنید

⚠
 و انسا که خواندن کتابِ تار عنکبوت شارلوت را تازه تمام کرده بود. سرشار از هیجان به کلاس آمد. طرح داستان را با دقت و با آب و تاب تعریف کرد که چه داستان خوبی بود. چقدر شخصیت‌ها جالب بودند، بعضی از قسمت‌های آن چقدر غم‌انگیز بود و بعضی از قسمت‌ها چقدر خنده‌دار. وقتی صحبت‌های و انسا تمام شد معلم از او پرسید «آیا استوارت کوچولو و شیپور قو را خوانده‌ای؟» و افزود: «این کتاب‌ها هم اثر ای. بی. وایت، یعنی همان کسی است که تار عنکبوت شارلوت را نوشته است.» چشمان و انسا گرد شد و با صدایی که از شدت هیجان به زور درمی‌آمد گفت: «یعنی جز آن هم چیزی نوشته؟»

بچه‌ها در سن و سال خاصی هیچ‌وقت به این موضوع نمی‌اندیشند که کتاب نویسند هم دارد. آنها به دنیای یک کتاب وارد می‌شوند، رقص کنان از آن عبور می‌کنند و با بستن کتاب از آن دنیا خارج می‌شوند. اگر از آن کتاب خوششان آمد ممکن است آن را بارها و بارها بخوانند. اگر درباره‌ی کتاب مورد علاقه‌ی بچه‌ها با آنها صحبت کنید، به جای این‌که به خاطر عشقشان همان صفحات ثابت را بارها و بارها بخوانند، می‌توانند این عشق را با خود به دنیای بیرون بیاورند. از بچه‌ها پرسید که چه چیز خاصی در آن کتاب وجود دارد؟ آیا موضوع کتاب خاص است؟ یا نوع آن، تصاویر، یا شخصیت‌هایش؟

آیا از ابتدا تا انتهای کتاب همین احساس کلی را داشتی که کتاب عالی است؟

اگر کتاب از نظر فرزندان واقعاً عالی بود به او کمک کنید از همان نویسندگان کتاب‌های دیگری پیدا کند. به خاطر داشته باشید که یک نویسنده ممکن است برای گروه‌های سنی گوناگون بنویسد. کتابدار می‌تواند به شما در انتخاب عناوین مناسب کمک کند. اگر نویسنده یک سری کتاب نوشته باشد برنامه‌ی مطالعاتی فرزندان تا مدتی پر می‌شود. (مراجعه کنید به روش ۲۷).

اگر موضوع کتاب جالب بود، کتاب‌های دیگری پیدا کنید که موضوع مشابهی دارند. اگر نوع ادبی کتاب (مثلاً نمایشنامه، یا داستان پلیسی) برای فرزندان جالب بود به او کمک کنید کتاب‌های دیگری از همان نوع پیدا کند. برای این که مهارت‌های انتقادی فرزندان را برانگیزید از او بخواهید کتاب‌هایی را که موضوعی واحد یا شخصیت‌هایی مشابه یا... دارند با هم مقایسه کند. از او بپرسید کدام یک را ترجیح می‌دهد و چرا. اگر خودتان هم اهل مطالعه هستید احتمالاً با استفاده از همین روش‌ها کتاب‌های خود را انتخاب می‌کنید. موضوع خاصی توجهتان را جلب می‌کند و دنبال کارهای مشابه آن می‌گردید. نویسندگانی که تازه با کار او آشنا شده‌اید نظرتان را می‌گیرد و برمی‌گردید که ببینید چه چیزهای دیگری نوشته است. علایق بچه‌ها تازه در حال شکل‌گیری است و آنها برای این که کشف کنند که چگونه تمایل خود را نسبت به خواندن ارضا کنند، به کمک نیاز دارند.

۴۲

بچه‌ها را تشویق کنید پاسخ خود را از کتاب بگیرند نه از شما

⚠ کسانى که من و خواهر و برادرانم را از کودکی می‌شناختند می‌گویند روی میز غذاخوری ما اغلب کتاب‌های مرجع دیده می‌شد. اگر کسی بدون قصد و غرض سؤالی می‌پرسید، مثلاً می‌پرسید: «آیا اهرام نزدیک قاهره‌اند؟» ناگهان ظرف‌های غذا عقب رانده می‌شد و سطح میز از اطلس‌های جغرافیایی و دایرةالمعارف‌ها پوشانده می‌شد. اگر می‌پرسیدیم: «دیگته استقلال چیست؟ ساکسیفون را چه کسی اختراع کرد، کبک لانه خود را کجا می‌سازد؟» جواب پدرم همیشه این بود: «خودتان پیدا کنید».

پدر و مادر اولین مرجع اطلاعاتی فرزندان خوداند. به سؤالات فرزندان خود، به خصوص سؤالاتی که هنگام خواندن به ذهن آنها خطور می‌کند، حتماً پاسخ بدهید. البته می‌توانید آنها را در جهت مستقل شدن کمک کنید و منابع دیگر را به آنها معرفی کنید. وقتی روند کلی سؤال کردن آنها تغییر می‌کند و به جای این‌که بپرسند: «زرّافه چیست؟» می‌پرسند: «مهم‌ترین شکارچی زرّافه در طبیعت چه موجودی است؟»، معرفی منابع جدید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به هر حال شما که پاسخ همه چیز را نمی‌دانید و نباید هم بدانید. همین قدر کافی است که بدانید پاسخ را کجا می‌توان پیدا کرد.

در خانه‌ی شما باید یک اطلس جغرافیایی، یک لغت‌نامه خوب و یک دایرةالمعارف (دایرةالمعارف تک جلدی کافست) پیدا شود.

چاپ‌های کمی قدیمی‌تر آنها را می‌توانید به صورت دست دوم تهیه کنید. اگر چاپ آن به بیش از پنج سال پیش برمی‌گردد زحمت خریدن آن را به خود ندهید - با گذر زمان مرز کشورها تغییر می‌کند، به واژگان زبان، لغت‌های جدید افزوده می‌شود و واقعیت‌های علمی تغییر می‌کند. اگر رایانه‌ای با CD-Rom دارید می‌توانید یک CD تهیه کنید که تمام این منابع را شامل شود. اگر مودم داشته باشید می‌توانید در اینترنت به بسیاری از آنها دست پیدا کنید.

منابع مرجع را در جایی قرار دهید که به راحتی قابل دسترسی باشند. برای آموزش روش استفاده از این منابع به فرزندان خود، لازم نیست وقت زیادی صرف کنید. اگر به صورت عملی به آنها نشان بدهید مفیدتر و معنی‌دارتر است. به مثال زیر توجه کنید:

پسر: پدر، dingbat یعنی چه؟ انگار یک جور حیوان است، اما در این متن انگلیسی که من می‌خوانم آدم‌ها همدیگر را dingbat خطاب می‌کنند.

پدر: بیا معنی آن را پیدا کنیم. اگر معنی یک کلمه را ندانیم آن را در کجا می‌توانیم پیدا کنیم؟

پسر: لابد در فرهنگ لغت.

پدر: درست است، کدام حرف را بگردیم؟

پسر: D، اول dingbat.

پدر: باز هم درست گفتی، حالا از واژه‌ی راهنما که در بالای صفحه نوشته می‌شود برای پیدا کردن صفحه‌ای که dingbat در آن نوشته شده است استفاده می‌کنم. این صفحه با diet شروع می‌شود و با dinghy تمام می‌شود پس فکر می‌کنم dingbat هم باید همین‌جا باشد، بله، همین‌جا است. می‌خواهی آن را بخوانی؟


پسر: «dingbat». معنی اول: آدم کم‌عقل. معنی دوم: سنگ یا آجری که برای پرتاب استفاده می‌شود. معنی سوم: شیء کوچکی که نام آن را ندانند یا فراموش کرده باشند. معنی چهارم: یکی از علائم چاپگر». فکر می‌کنم آنی که در متن من استفاده شده است معنی اول است.

بعد از چند تمرین مانند تمرین فوق بچه‌ها می‌توانند به تنهایی معنی لغاتی را که نمی‌دانند در لغت‌نامه پیدا کنند و بدین ترتیب به جای این که به صورت منفعل اطلاعات را دریافت کنند، آن را به صورت فعال جست‌وجو کنند.

بخش ۴

رفتار خود را تغییر دهید

از واژه‌ها لذت ببرید و این لذت را نشان بدهید

 داینا و تیم از مدت‌ها قبل از این‌که پسرشان بن به دنیا بیاید برای سرگرمی در ماشین، هنگام سفرهای طولانی با هم شعر می‌ساختند. هنگامی که به دیدن فامیل خود می‌رفتند، یکی از آن دو به طور ناگهان عبارتی را به زبان می‌آورد و این عبارت خط اول «شعر ماشینی» آنها را تشکیل می‌داد. سپس دیگری خط بعدی را می‌افزود و شعر آنها کیلومتر به کیلومتر بلندتر می‌شد. گاهی شعر آن قدر جذاب و پیچیده می‌شد که در آن لحظه کسی که پشت فرمان نبود آن را برای ادامه‌ی بازی روی کاغذ ثبت می‌کرد.

اخیراً در سفر به ویرجینیا طبق معمول داینا و تیم مشغول ساختن شعر بودند که ناگهان صدای ظریفی از صندلی عقب ماشین بلند شد و یک خط به شعر اضافه شد! او بن بود، پدر و مادر بن پنج‌ساله، هم متعجب شدند و هم خوشحال. بن هم مفهوم اساسی شعر را درک کرده بود و هم خطی به آن اضافه کرده بود که هم قافیه خط قبل بود. اکنون بن در بسیاری از اوقات در بازی والدین خود شرکت می‌کند و خط‌های پیشنهادی او روز به روز علاوه بر قافیه، از نظر وزن و معنا نیز بهتر می‌شوند.

در حالی که رانندگی می‌کنید می‌توانید واژه‌ای سخت و ناآشنا را برای فرزندانتان بخوانید. یا هنگام روزنامه خواندن واژه‌ای پرطمطراق و دهن‌پرکن را، بلندخوانی کنید. به ریتم‌ها و قافیه‌های ناهماهنگ در گفتار توجه کنید. به بازی‌های زبانی اهمیت بدهید چون فرزندانتان از این کار خوششان می‌آید و کم‌کم متوجه می‌شوند که زبان ارزش کشف را دارد.

افق‌های فرزندتان و افق‌های خود را گسترش دهید

در مقابل حدود ۱۵ کودک با پیشینه‌های نژادی و سنین مختلف نشسته‌ام و می‌گویم: «می‌خواهم قسمتی از این کتاب را برایتان بخوانم. از شما می‌خواهم هر وقت کلمه‌ای را شنیدید که معنی آن را نمی‌دانید، دست خود را بلند کنید».

بچه‌ها دور و برم جمع می‌شوند و من برای آنها درباره‌ی لاک‌پشت‌ها و قورباغه‌ها می‌خوانم. دست‌ها بالا می‌روند، اول یکی دو تا و بعد بیشتر. بسیاری از بچه‌ها معنی دوزیست را نمی‌دانند. بعضی با شنیدن کلمه مرداب دست خود را بالا می‌برند. چندتایی کلمه‌ی خونسرد را نمی‌فهمند و هیچ‌یک از آنها نیز معنی شکارچی را نمی‌دانند.

جین چل، کارشناس خواندن در کتاب بحران خواندن: چرا بچه‌های ضعیف عقب می‌افتند به رابطه‌ی بین «بسامد بیرون رفتن با بزرگسالان» و پیشرفت در توانایی خواندن اشاره می‌کند. دانشی که بچه‌ها با خود به متن می‌آورند، بر آنچه از متن درک می‌کنند تأثیر مستقیم دارد. گسترش دادن تجربیات بچه‌ها در زندگی می‌تواند علایق و توانایی‌های آنها را در خواندن افزایش دهد.

ما بزرگسالان هنگام خواندن، می‌دانیم که چگونه کلمه‌ای ناآشنا را از کلمات اطراف آن درک کنیم و معمولاً می‌توانیم بر اساس متن درباره‌ی

معنی کلمه‌ی ناآشنا حدسی عالمانه بزنیم. اما تصور کنید که هر سه یا چهار کلمه یک‌بار به کلمه‌ای ناآشنا برسید. کودکی که با متنی درباره‌ی لاک‌پشت‌ها و قورباغه‌ها روبه‌رو می‌شود، همان‌قدر گیج می‌شود که اگر متنی درباره‌ی فیزیک نجومی به شما بدهند.

با خارج کردن فرزندان از محدوده‌ی کوچک زندگی او، یعنی خانه و مدرسه، می‌توانید افق‌های او را گسترش دهید و بدین ترتیب توانایی خواندن او را افزایش دهید. اگر از طرح زیر پیروی کنید، بیرون رفتن با خانواده می‌تواند بالقوه دایره‌ی لغات و مهارت‌های زبانی فرزندان را افزایش دهد.


بیرون بروید ← درباره‌ی جایی که رفتید ← کتاب‌هایی پیدا کنید
صحبت کنید ← که موضوع را بسط دهد.

برای بیرون رفتن لازم نیست که حتماً به یک سفر دور و دراز بروید، حتی می‌توانید کاری ساده انجام بدهید، مثلاً برای خرید روپوش مدرسه به مرکز خرید بروید. هدف این است که از بیرون رفتن به عنوان وسیله‌ای برای آموختن کلمات و مفاهیم جدید استفاده کنید تا بتوانید از این مفاهیم و کلمات هنگام خواندن استفاده کنید و به وسیله‌ی خواندن نیز آنها را گسترش دهید.

رفتن به جاهای زیر می‌تواند به گسترش دایره‌ی لغات و افزایش مهارت‌های زبانی فرزندان کمک کند:

موزه	سینما	نمایش‌های خیابانی
باغ وحش	تئاتر	بازار
راه‌پیمایی در طبیعت	کنسرت	نمایشگاه‌ها
باغ‌های گیاه‌شناسی	مسابقات ورزشی	شهر بازی‌ها

محیط مناسبی برای خواندن فراهم کنید

 از دوران کودکی ام کتاب داستانی را به خاطر می‌آورم که در صفحه‌ی اول آن تصویر یکی از شخصیت‌های اصلی داستان دیده می‌شد. این کودک کنار پنجره در یک صندلی لم داده بود و کتاب می‌خواند. آفتاب ملایم پاییزی از پنجره به درون می‌تابید و پشت سر کودک بالش‌هایی بود به رنگ جواهر. شاید هم بچه‌گره‌ای در گوشه‌ای خوابیده بود. هر وقت به مکان بی‌نقصی برای مطالعه فکر می‌کنم، همین تصویر به ذهنم می‌آید.

در این کتاب وقت زیادی صرف کرده‌ام تا جنبه‌های مهم یک محیط مناسب برای خواندن را ترسیم کنم: داشتن کتاب و مطالب خواندنی دیگر در خانه، مطالعه کردن والدین، بیرون رفتن و تجربه کردن به صورت مشترک. علاوه بر آن، محیط مناسب برای خواندن باید ساکت، راحت، و پرنور باشد.

نیاز به سکوت شاید امری واضح به نظر برسد اما خانه خود را ببینید و به صداهای آن گوش دهید. آیا صدای تلویزیون و رادیو دائم بلند است؟ آیا فرزندان می‌تواند در اتاق را ببندد تا صدای دعوی خواهر و برادرش را نشنود؟ آیا همه‌ی صدای خیابان شنیده می‌شود؟ برای این‌که هدف‌تان از مطالعه لذت بردن باشد، باید بتوانید از محیط خود خارج شوید و به طور کامل در متن فرو بروید. اگر صداهای خارجی حواستان را به طور مکرر پرت کند، غیرممکن است بتوانید تا حد مطلوب جذب متن

بشوید. صدا به خصوص حواس بچه‌ها را پرت می‌کند، آنها را گیج می‌کند و آنها را از خواندن دل‌سرد می‌کند.

فرزندتان در مدرسه روی نیمکتی سفت و پشت میز، مطالعه می‌کند. بچه‌ها به صورت غریزی تمایل دارند که روی زمین دراز بکشند. شاید خواندن روی فرش برای آنها از خواندن پشت میز راحت‌تر باشد و شاید رختخواب خود را برای مطالعه به صندلی ترجیح دهند. اگر امکان مالی آن‌را داشته باشید و فضای کافی نیز در خانه‌تان باشد، بد نیست یک مبل راحتی یا متکای ویژه برای فرزندتان تهیه کنید چون بیشتر بچه‌ها از داشتن وسایل خصوصی لذت می‌برند.

نوری که از بالای سر می‌تابد در اغلب اوقات تند است و به راحتی نمی‌توان با آن مطالعه کرد. چراغ‌های مطالعه، به خصوص چراغ‌هایی که می‌توان جهت نور آن‌را تنظیم کرد، در ایجاد محیطی سالم برای مطالعه نقش مهمی دارند.

اگر فضایی ساکت، راحت و روشن فراهم کرده‌اید باز هم کارتان کاملاً تمام نشده است. کار دیگری که باید انجام دهید این است که زمان کافی را نیز در اختیار فرزندتان قرار دهید تا بتواند فارغ از کار خانه، فعالیت‌های دیگر و گفت‌وگو با اعضای خانواده، بدون مزاحمت به مطالعه پردازد و در بطن کتاب فرورود و با آن کاملاً درگیر شود.

تلویزیون را به طور دائم روشن نگذارید، بلکه از آن عاقلانه استفاده کنید

⚠ وقتی جیک به دنیا آمد، ملیسا و جاش، مادر و پدرش بهترین برنامه‌ها را برای او داشتند. می‌خواستند تلویزیون را در اتاق خواب خود نگه دارند و قبل از کلاس اول دبستان به پسرشان اجازه ندهند آن‌را تماشا کند. در آن موقع هم فقط قصد داشتند برنامه‌های مستند طبیعت و برنامه‌های آموزشی را به او نشان بدهند.

اما بعد از مدت کوتاهی ملیسا به فواید ویدیو برای سرگرم کردن بچه هنگام صرف غذا پی برد. اگر هنگام صرف غذا یک کارتون موزیکال در ویدیو می‌گذاشتند می‌توانستند غذا را با آرامش و بدون تنش میل کنند. کمی بعد جیک به تعدادی از کارتونها علاقه‌مند شده بود و اصرار داشت که آنها را بارها و بارها تماشا کند. از آنجا که هزینه کرایه‌ی فیلم‌ها زیاد شده بود ملیسا و جاش رضایت دادند که برنامه‌های کودک را از تلویزیون ضبط کنند و آنها را هنگام صرف غذا برای جیک نمایش دهند. البته تلویزیون نیز کانون اتاق نشیمن آنها شده بود. هر وقت که جاش برنامه‌های ورزشی را تماشا می‌کرد جیک هم آنجا بود. ملیسا متوجه شد که جیک صدای خنده‌ای را که هنگام نمایش بعضی سریال‌های تلویزیونی پخش می‌شود، بسیار دوست دارد و نسبت به برخی از پیام‌های بازرگانی با ذوق و شوق عکس‌العمل نشان می‌دهد. وقتی خواهر جیک به دنیا آمد، دیگر تلویزیون بخش بزرگی از روز او را پر می‌کرد.

من نمی‌خواهم پیشنهاد کنم تلویزیون خود را بسوزانید چون معتقدم در خانه‌ای که به کتاب‌خوانی عشق می‌ورزند برای تلویزیون نیز جا هست.

البته بد نیست واقعیت را بدانید: ۷۵ درصد از بچه‌هایی که خواندن آنها پایین‌تر از سطح متوسط است قبل از رفتن به مدرسه تلویزیون تماشا می‌کردند و نسبت بچه‌های ضعیفی که بیش از چهار ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند، دو برابر بچه‌هایی است که در خواندن، متوسط یا بالاتر از متوسط‌اند.

این در خانواده شما چه معنایی دارد؟ واضح است که وقتی فرزندان مشغول تماشای تلویزیون است، کتاب نمی‌خواند. شما باید محدودیت تعیین کنید. اگر نمی‌خواهید برنامه‌های خاصی را شامل این محدودیت کنید، زمانی را که فرزندان صرف تماشای تلویزیون می‌کند محدود کنید.

یکی از روش‌های انجام این کار برگزاری یک همایش خانوادگی است. برای فرزندان توضیح بدهید که می‌خواهید همه‌ی اعضای خانواده زمان تماشای تلویزیون خود را محدود کنند تا بتوانند به فعالیت‌های خارج از خانه، مطالعه، کار خانه و یادگیری بپردازند. سپس به بچه‌ها اجازه بدهید در جلسه‌ی تصمیم‌گیری شرکت کنند و به سؤالات زیر پاسخ دهند:

- ① هر هفته چند ساعت می‌توانیم تلویزیون تماشا کنیم؟
- ② کدام برنامه‌ها مورد علاقه‌ی ماست و می‌خواهیم آنها را تماشا کنیم؟
- ③ چگونه می‌توانیم برای برنامه‌های خاص یا برنامه‌های آموزشی وقت بگذاریم؟
- ④ اگر اعضای مختلف خانواده برای انتخاب کانال نظر واحدی نداشته باشند چه کنیم؟

اجازه بدهید هر یک از اعضای خانواده از جدول هفتگی برنامه‌های

تلویزیون برای انتخاب برنامه‌های مجاز هفته آینده‌ی خود استفاده کند. به صورت خانوادگی ساعت تماشا را محدود کنید و اختلاف نظرهایی را که به وجود می‌آید حل کنید. برنامه‌ای را که به دست آوردید بنویسید و روی دیوار نصب کنید و دقت کنید که افراد خانواده در طول یک هفته تا چه حد آن را رعایت می‌کنند. در صورت لزوم در برنامه تغییراتی ایجاد کنید. شما می‌توانید با روش‌های مختلف از تلویزیون بهره‌ی مفید ببرید. واضح‌ترین روش این است که برنامه‌های «آموزشی» مانند مستندهای طبیعت، برنامه‌هایی درباره‌ی سفر، تاریخ و غیره را انتخاب کنید. اما از سطحی‌ترین سریال تلویزیونی نیز می‌توانید برای افزایش مهارت‌های زبانی فرزندانتان استفاده کنید.

چگونه برای بهبود درک مطلبی از سریال‌ها و نمایش‌های تلویزیونی استفاده کنیم.

قبل از تماشای برنامه از فرزندانتان بخواهید با تماشای آن پاسخ سؤال‌های زیر را پیدا کنند:

① شخصیت‌های اصلی چه کسانی‌اند؟

② فلان شخصیت با چه مشکلی روبه‌روست؟

③ چگونه مشکل را حل می‌کند؟


بعد از تماشای برنامه پاسخ فرزندانتان را مرور کنید و سؤالات زیر را نیز اضافه کنید:

④ به نظر تو این برنامه در چه قالبی ساخته شده است؟ واقع‌گرایانه، طنز یا خیالی؟ چرا؟

⑤ آیا این داستان جور دیگری نیز می‌توانست پایان یابد؟

دقت کنید که این سؤالات مانند سؤالاتی است که می‌توانید درباره‌ی یک کتاب پرسید. همان‌طور که با برنامه سؤال‌های خود می‌توانید فرزندان را به یک خواننده جدی تبدیل کنید، این‌گونه سؤالات نیز می‌تواند او را به یک بیننده‌ی جدی تبدیل کند (مراجعه کنید به روش ۳۴). بخشی از خطر تلویزیون انفعالی است که در بیننده ایجاد می‌کند. برخورد انفعالی با کتاب واقعاً غیرممکن است اما جلوی تلویزیون به راحتی می‌شود حالت گیاهی (مثل چغندر) به خود گرفت. فرزندان خود را تشویق کنید هنگام تماشای تلویزیون فکر کنند تا از حالت منفعل خارج شوند و تلویزیون برای آنها به ابزاری آموزشی تبدیل شود.

با معلم فرزندتان همکاری کنید

 یکی از آشنایان من که معلم کلاس دوم است می‌گوید: «دانش‌آموزان کلاس من به طرز عجیبی نظر والدین خود را درباره‌ی آموزش و پرورش حس می‌کنند. آنها توانایی‌های والدین خود را با حس ششم خود می‌فهمند و می‌دانند که کدام یک بهتر می‌خواند یا کدام یک نمی‌تواند در انجام تکالیف به آنها کمک کند. آنها واقعاً می‌فهمند که والدینشان درباره‌ی مدرسه و به خصوص درباره‌ی من چه نظری دارند... بعضی از والدین هیچ وقت در مدرسه پا نمی‌گذارند. حتی در روز مخصوص اولیا و مربیان نیز پیدایشان نمی‌شود. اما گاهی جلوی بچه‌ها جنجال به پا می‌کنند که چرا معلمتان فلان چیز را به شما درس داده است. از طرف دیگر والدین بسیاری از بچه‌ها به صورت داوطلبانه حضور دارند و وقتی که دنبال فرزندان خود می‌آیند با من صحبت و درباره‌ی برنامه‌ی درسی بچه‌ها سؤال می‌کنند. لازم به ذکر نیست که این بچه‌ها بهترین بازده را در کلاس دارند، از انضباط گرفته تا مسائل درسی.»

تحقیقات گوناگونی که در کشورهای مختلف انجام شده است نشان می‌دهد که بین موفقیت نوآموزان در خواندن و نقش والدین در امور مدرسه‌ی آنها رابطه‌ای مهم وجود دارد. منظور من این نیست که تمام علایق خود را کنار بگذارید تا به انجمن اولیا و مربیان پیوندید، بلکه لازم است درک کنید که در یادگیری فرزندتان، هم در مدرسه و هم در خانه، نقش مهمی دارید.


آیا با کتاب‌های درسی فرزندانتان آشنایی دارید؟ آیا وقت می‌گذارید

تا کتاب‌هایی را که از کتابخانه به خانه می‌آورند، تورق کنید. آیا می‌توانید با اطمینان بگویید که فرزندان با شعر، ادبیات تخیلی، مطالب غیرادبی، و نمایشنامه روبه‌رو شده‌اند؟ شاید سطح توانایی فرزندان را در خواندن بدانید اما آیا می‌دانید که در حال حاضر مشغول خواندن چه کتابی است؟

هرگز دو معلم با سبک کار یکسان که بر مسائل یکسانی در آموزش خود تکیه کنند، پیدا نمی‌شود. شما که اولین معلم فرزند خود هستید ممکن است با اخلاق یا روش معلم‌های دیگر اختلاف پیدا کنید. شما حق دارید که معلم را زیر سؤال ببرید اما این کار را در حضور فرزند خود انجام ندهید. اگر در دل فرزندان نسبت به نحوه‌ای که به او آموزش داده می‌شود شک و تردید ایجاد کنید به طور قطع در کلاس دچار مشکل خواهد شد. وقتی بچه‌ها حس می‌کنند که کار معلمشان مورد تأیید شما نیست برای اطاعت از او و برای توجه به درس و کلاس دلیلی نمی‌بینند. احترام مانند چسبی است که سلسله مراتب کلاس را حفظ می‌کند. اگر شما نسبت به معلمان فرزندان بی‌احترامی کنید، فرزندان نیز احساس می‌کنند که اجازه دارند خود نیز به آنها بی‌احترامی کنند.

روش درست این است که رابطه‌ای با معلم فرزندان برقرار تا بتوانید به راحتی با او صحبت کنید. معلم باید بتواند بدون گرفتن موضع دفاعی از سوی شما درباره‌ی ضعف‌های فرزندان صحبت کند. شما باید بتوانید توصیه معلم را درباره‌ی مطالب خواندنی جویا شوید، هنگام اشاره به مشکلات، خونسردی خود را حفظ کنید و در صورت لزوم پیشنهاد خود را برای کارهای کمک آموزشی در خانه بیان یا به نظر معلم گوش کنید. اگر شما و معلم بتوانید مانند یک تیم کار کنید به نفع شاگرد مشترکتان خواهد بود.

انتظار بالایی داشته باشید


 در بیمارستان هارلم، برای مدت کوتاهی با پسری به نام جیمز کار کردم که گلوله خورده بود. بسیاری از دندان‌های جیمز روکش طلای بدل داشت و عمده‌ترین مشکل او این بود که چرا دکترا «بی‌خودی» لباس‌های نوبی تنش را پاره کرده بودند. جیمز که ۱۳ سال داشت یک فروشنده‌ی خرده‌پای مواد مخدر بود. من به جیمز گفتم که به بچه‌ها در خواندن کمک می‌کنم و او با لحنی تمسخرآمیز گفت بچه‌های زیادی را می‌شناسد که اصلاً خواندن بلد نیستند اما او و مادرش همان روز صبح سرود روحانی بیست و سوم را از کتاب مقدس خوانده بودند. او در واقع خیلی روان می‌خواند اما از مدرسه دل زده شده بود. جیمز می‌گفت: «معلم‌ها مرا دوست ندارند». بعداً روشن شد که از زمان تولد جیمز، مادرش برای هزینه تحصیل او در دانشگاه پس‌انداز می‌کرده است. جیمز هم مانند مادرش واقعاً انتظار داشت خود را از این وضع آشفته نجات دهد، به دانشگاه برود و یک زندگی خوب داشته باشد.

درباره‌ی این‌که معلم‌ها خود کاری می‌کنند که انتظارانشان در کلاس برآورده شود چیزهای بسیاری گفته‌اند: دانش‌آموزی که از نظر معلم ناموفق است تقریباً همیشه ناموفق می‌شود و دانش‌آموزی که در نظر معلم موفق است معمولاً طبق پیش‌بینی او به موفقیت دست می‌یابد. اگر با دقت به برخورد معلم با این دانش‌آموزان توجه کنید، الگوهای را خواهید دید که به طور قطع به نتیجه‌ی پیش‌بینی شده منتهی می‌شود. معلم از دانش‌آموز «ناموفق» کمتر درس می‌پرسد و این دانش‌آموزان

به تدریج تمایل خود را برای بلند کردن دستشان یا شرکت کردن در امور کلاس از دست می‌دهند.


اما معلم از دانش‌آموز «موفق» بیشتر درس می‌پرسد، او را تشویق می‌کند که رهبری فعالیت‌ها را در کلاس به عهده بگیرد و عموماً مشوق تلاش‌های اوست. وقتی معلم در اوایل سال تحصیلی یک دانش‌آموز را ناموفق رده‌بندی می‌کند می‌توان برای کار او دلایل مختلفی جست‌وجو کرد. شاید به دلیل اختلافات بین شهری یا تبعیض جنسی یا شاید حتی به خاطر شهرت منفی او نزد معلمان سال گذشته باشد. (در مورد جیمز احتمالاً سر و وضع ظاهری و اخلاق او تأثیر مثبتی بر معلم‌ها نداشت). وقتی والدین یک کودک او را ناموفق ارزیابی می‌کنند، دلایلی بسیار پیچیده‌تر از این دارد، اما به همین نسبت برای کودک ضرر دارد.

اگر می‌خواهید محیط خانه‌ی خود را مناسب خواندن کنید، یکی از مهم‌ترین قدم‌هایی که می‌توانید بردارید این است که به فرزندان‌تان بفهمانید که از آنها انتظارات بزرگی دارید. طبق تحقیقی که انجام شد بچه‌هایی که در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی می‌کردند اما در خواندن موفق بودند، والدینی داشتند که از آنها انتظار رفتن به دانشگاه را داشتند. در واقع تقریباً همه تحقیقاتی که نقش والدین را در موفقیت بچه‌ها در خواندن بررسی می‌کنند، نشان می‌دهند که برخورد والدین با امور آموزشی و موفقیت‌های بچه‌ها، بسیار مهم‌تر از موقعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده آنهاست.

هر چه که بتوانید به فرزندان‌تان بدهید، باید از نیازهای اساسی آنها، یعنی غذا، لباس، سرپناه، عشق و باور به توانایی‌های آنها شروع کنید. و این نعمت آخر، یعنی باور به توانایی‌های آنهاست که بچه‌ها را از

وضعیت متوسط بالاتر می‌برد و به آنها کمک می‌کند که از موانعی مانند معلم‌های بد، امکانات غیرکافی و محیط غیردوستانه عبور کنند و به عنوان خواننده، دانش‌آموز و بالاخره بزرگسالانی توانا، تمام استعدادهای بالقوه‌ی خود را شکوفا کنند.

تفاوت‌های بین بچه‌ها را به رسمیت بشناسید

 پی. جی با اعضای خانواده‌اش که نسبت به خواندن و لعی سیری ناپذیر داشتند به هیچ وجه جور در نمی‌آمد. او همیشه بازی‌های پرجنب و جوش و بازی‌های ورزشی را به نشستن و کتاب خواندن ترجیح می‌داد. سر میز غذا برادرها و خواهرهای او با بیان افکار و فلسفه‌هایی که در کتاب‌ها می‌خواندند بر سر جلب توجه والدین خود با هم رقابت می‌کردند. پی جی بدون مکث غذا می‌خورد، قبل از تمام شدن غذای سایر اعضای خانواده اجازه می‌گرفت و از سر میز بلند می‌شد و به بیرون از خانه می‌دوید تا بازی کند.

پی. جی در طول رشد خود بیرون از جریان عقلانی حاکم بر خانواده‌ی خود باقی ماند. علی‌رغم این‌که به دانشگاه خوبی رفت و چند مدرک نیز گرفت، هنوز خود را «کودن» می‌نامد.

حتی درون یک خانواده‌ی واحد نیز رشد، گستره‌ی توجه و علایق بچه‌ها می‌تواند بسیار متفاوت باشد. به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به این تفاوت‌ها می‌تواند شما و فرزندانتان را از ناراحتی‌های زیادی در امان دارد.

بعضی از والدین به تفاوت‌های ظاهری یا تفاوت استعدادها‌ی هنری فرزندانشان افتخار می‌کنند اما همین والدین به سختی می‌توانند قبول کنند که رشد شخصیتی یکی از بچه‌ها سریع‌تر از رشد شخصیتی دیگری

صورت می‌گیرد یا یکی از بچه‌ها از فعالیت مورد علاقه‌ی دیگری متنفر است. هرگز نمی‌گویید: «چه بد که چشمان پسرمان سبز است، آخر چشمان سایر اعضای خانواده قهوه‌ای است.» اما اگر پسران نتواند خوب بخواند ممکن است به هر غریبه‌ای که می‌رسید بگویید: «وقتی خواهرانش این سن بودند خیلی خوب کتاب می‌خواندند.»

این‌گونه مقایسه‌ها همیشه تأثیر مخرب دارد. حتی اگر در حضور فرزندان اظهار نظر نکنید، آنها اضطراب شما را حس می‌کنند. کودکی که به خواندن علاقه دارد کم‌رو می‌شود، و کودکی که نمی‌تواند خوب بخواند احساس حماقت می‌کند.

اگر کودکی به کلی از خواندن دوری کند ممکن است در یادگیری، یک ناتوانی جزئی داشته باشد که کار خواندن را مشکل و ناخوشایند می‌کند. اگر احساس می‌کنید که ممکن است چنین مشکلی وجود داشته باشد با معلم فرزندان در این باره صحبت کنید. اما به خاطر داشته باشید که برخی از این ناتوانی‌ها هرگز به طور کامل رفع نمی‌شود. ممکن است در مدرسه به فرزندان توجه ویژه بشود و او نیز بیاموزد که این نقص خود را جبران کند اما شاید هرگز نتواند آن‌طور که شما می‌خواهید سریع بخواند و از خواندن لذت ببرد.

حتی بچه‌هایی که در ظاهر هیچ مشکلی در یادگیری ندارند و دانشمندترین والدین دنیا را دارند ممکن است کارهای دیگر را به خواندن ترجیح بدهند. شما می‌توانید فرزندان را سر میزی که غذای آن کلم است بنشانید اما نمی‌توانید او را به خوردن آن وادار کنید. خواندن نیز همین‌طور است. بعد از آن‌که همه کارهای لازم را انجام دادید و همه گفتنی‌ها را گفتید، بقیه‌اش به سلیقه‌تان ربط دارد. بهترین کاری که

می‌توانید بکنید این است که میز را طوری بچینید که اشتهای فرزندتان تحریک شود، سپس غذا را در بشقاب‌ها بکشید و امیدوار باشید که الگوی رفتار مناسب شما نتیجه‌ی مورد نظرتان را سبب شود.

۵۰

آرام باشید

⚠ وقتی در شیکاگو دوره‌ی کارآموزی عملی تربیت معلم را می‌دیدیم، آموزش خواندن به دو گروه ضعیف از بچه‌های کلاس اول دبستان را به عهده‌ی من گذاشتند و معلم همکارم نیز به بچه‌های قوی‌تر درس می‌داد. هنوز یادم می‌آید که یکی از ضعیف‌ترین دانش‌آموزان ضعیف‌ترین گروه، که پسر بچه‌ی کوچکی به نام آندی بود، چگونه هنگام برخورد با کلمه‌ای که نمی‌توانست آنرا بخواند، آنقدر نفس خود را می‌گرفت که کبود شود، و یادم می‌آید که چقدر از کار او ناراحت می‌شدم. او این حقّه را از کجا آموخته بود؟ مسلماً در کتاب نخوانده بود! کار او بسیار ناراحت‌کننده بود اما باعث می‌شد که فشار به سرعت از روی او برداشته شود چون من باعجله کلمه را برای او می‌خواندم یا از دانش‌آموز دیگری می‌خواستم که به جای او بخواند.

مشکل آندی در اولین گردهمایی اولیا و مربیان برایم روشن شد. مادر او که مانند آندی، کوچک‌اندام و عصبی بود مثل فرقه وارد کلاس شد و می‌خواست بداند که چرا فرزندش که هیچ پیشرفتی در مدرسه نمی‌کرد گیر یک دانش‌جوی کارآموز افتاده بود و چرا حجم تکالیفی که به او می‌دادیم آنقدر کم بود. مادرش هر شب سرخود دو ساعت با او کار می‌کرد و مطمئن بود که حق آندی از مدرسه بیشتر از چیزی بود که دریافت می‌کرد. او مضطرب‌ترین زنی بود که در عمر خود دیده بودم. پس از چند لحظه متوجه شدم که من نیز نفس خود را نگه داشته‌ام و بدین ترتیب با آن پسرک ریزنقش و عصبی که آنقدر مرا غمگین می‌کرد همدلی کردم.

بین توجه فعال به دست‌آوردهای فرزندانمان و به دست گرفتن کامل زندگی آنها تفاوتی وجود دارد. خط باریکی وجود دارد که داشتن

انتظارات بالا را از انتظارات غیرواقع‌بینانه جدا می‌کند. بسیاری از والدین از روی حُسن نیت و برای دیدن موفقیت فرزندان خود، از این خط عبور می‌کنند و فرزندان‌شان را به اضطراب‌های فردی خود مبتلا می‌کنند. ممکن است مادر اندی این پیام‌ها را به صورت واضح به زبان نیاورده باشد اما اندی این پیام‌ها را از او دریافت کرده است:

- ① معلم تو نمی‌تواند به تو درس بدهد.
- ② تو نمی‌توانی در مدرسه چیزی بیاموزی.
- ③ تو باید سریع‌تر بیاموزی.
- ④ تو موفق نیستی.
- ⑤ من می‌دانم که چه چیزی به نفع توست.
- ⑥ من خودم این مشکل را برای تو حل می‌کنم.
- ⑦ کار درست و حسابی خواندن است.

اگر فرزندان نمی‌توانند با موفقیت بخوانند طبیعی است که مضطرب شوید. اما لازم است یک قدم عقب بروید، یک نفس عمیق بکشید و به علل عدم موفقیت فرزندان بیاندیشید. شاید فرزندان هنوز برای خواندن آماده نیست (مراجعه کنید به روش ۳۳). در مورد اندی مسلماً مشکل همین بود. او از اغلب بچه‌های کلاس اول کم‌سن‌تر و ریزتر بود و در مجموع کمتر رشد کرده بود و اگر یک سال دیگر نیز در کلاس آمادگی می‌ماند به نفع او بود. شاید فرزندان در یادگیری ناتوانی‌ای داشته باشد که با توجه شخصی یک متخصص به او رفع شود. و شاید هم کارهای دیگر را به خواندن ترجیح می‌دهد. (مراجعه کنید به روش ۴۹)

اکنون به پیام‌هایی که شما می‌خواهید به فرزندان بدهید بیاندیشید:

- ① تو می‌توانی.

❶ اگر به کمک نیاز داشته باشی کمکت می‌کنم.

❷ خواندن لذت بخش است.

برای این که بتوانید این پیام‌ها را به فرزندتان منتقل کنید باید بتوانید آرام باشید. به فرزندانتان تکالیف اضافی ندهید. از کتاب طنز مورد علاقه‌شان برای آنها بخوانید. اگر نمره‌ی پایین گرفتند قشقرق به پا نکنید. با نشان دادن استفاده‌های عملی خواندن به آنها کمک کنید اهمیت خواندن را درک کنند (مراجعه کنید به روش‌های ۱۵-۱۱). و مهم‌تر از همه این که با رفتار خود به آنها نشان دهید: خود نیز برای لذت بردن بخوانید.

جان گاتری، استاد آموزش، در تحقیقی نشان داد که مردم به دو دلیل

می‌خوانند:

۱. برای کسب دانش.

۲. برای لذت و آرام شدن.

اگر به فرزندانتان نشان بدهید که از خواندن لذت می‌برید.

آنها نیز می‌توانند از الگوی شما تقلید کنند اما اگر به آنها نشان بدهید که خواندن صرفاً یک تکلیف است که باید انجام شود، و صرفاً به کارهای درسی مربوط می‌شود، یا باید برای جلب رضایت شما بخوانند، فرزندانتان را از تجربه‌ی لذت درونی خواندن محروم می‌کنید. اگر چنین کنید فرزندانتان در نهایت هنگام خواندن چنان تنش خواهند داشت که نتوانند با خواندن به آرامش دست یابند و هرگز به خواندن عشق نخواهند ورزید.

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

- از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:
- آمادگی برای زایمان و مراقبت از نوزاد
- چهل نکته کلیدی برای شیردادن به نوزاد
- آشنایی نوین برای کودکان، از سه ماهگی تا هیجده ماهگی
- کلیدهای آرام کردن کودک ناآرام
- بهترین کلیدهای تغذیه برای کودکان و نوجوانان
- نقش پدر در مراقبت و تربیت کودک
- فرزند دوم، پیامدها و راه حلها
- کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا
- کلیدهای تربیتی برای والدین تک فرزند
- کلیدهای پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رویارویی با مشکلات رفتاری کودکان
- کلیدهای رویارویی با پدیده خشونت در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رفتار با نوجوانان
- کلیدهایی برای بیماریهای کودکان
- دستورات ایمنی و مراقبت از آسیبهای کودکان
- کلیدهای رویارویی با بیماریهای حساسیت در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای تربیت فرزند در خانواده های تک سرپرست
- کلیدهای پرورش کودک تیزهوش
- کلیدهای پیشگیری و مقابله با اعتیاد در نوجوان و جوان
- کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان
- کلیدهای پرورش مهارتهای اساسی زندگی در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رفتار با کودک یکساله
- کلیدهای رفتار با کودک دوساله
- کلیدهای رفتار با کودک سهساله
- کلیدهای رفتار با کودک چهارساله
- کلیدهای رفتار با کودک پنجساله
- راهنمای کامل تربیت کودک
- ماساژ کودک
- کلیدهای عادت دادن فرزند به کار در خانه
- کلیدهای پرورش فرزندان امیدوار و موفق
- کلیدهای همراهی و مراقبت از نوجوانان در اینترنت
- کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای مقابله با اضطراب در کودکان و نوجوانان

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

- کلیدهای تربیت و رفتار با پسرها
- کلیدهای برخورد با مشکلات خواب کودکان
- کلیدهای برخورد با ناتوانی در یادگیری
- چگونه به کودک خود «نه» بگوییم!
- کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها
- پاسخ به والدین
- کلیدهای پرورش هوش عاطفی در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای تربیت کودک مبتلا به سندرم دان
- راهنمای بهبود روابط خواهر و برادرها
- کلیدهای رفتار با دوقلوها
- روشهای انتخاب مهد و پرستار کودک
- کلیدهای رفتار با کودک مبتلا به اختلال کمبود توجه
- کلیدهای موفقیت پدرناتنی
- کلیدهای موفقیت مادرناتنی
- کلیدهای پرورش احساس امنیت در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای پرورش فرزند شاد
- کلیدهای کمک به کودک برای برخورد با مرگ عزیزان
- کلیدهای مراقبت از نوزاد از تولد تا یک سالگی
- کلیدهای آموختن درباره کودکان کم توجه و بیش فعال (ADD/ADHD)
- کلیدهای برخورد با لکنت زبان در کودکان
- کلیدهای پرورش رفتار و ارزشهای اخلاقی در کودکان و نوجوانان (هوش اخلاقی)
- کلیدهای برخورد با ترس در نوجوانان
- فرهنگ نامها
- آموزش دستشویی رفتن به کودکان
- تربیت بدون فریاد

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

- از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:
- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به مطالعه
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به ریاضی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به علوم تجربی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به تاریخ و جغرافی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به ورزش و سلامتی
 - وقتی که فرزندان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند!
 - یادگیری شاد
 - زیبا چیست؟ زیبا کیست؟

کلیدهای همسران موفق

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- ۱۰۰۱ پرسش پیش از ازدواج
- راهنمای مادران شاغل
- تغذیه دوره بارداری
- ده قرار مهم برای زندگی مشترک
- برای روابط بهتر کاری نکنید!
- معجزه گفت‌وگو
- غذاهای فوری

مجموعه کلیدهای بازسازی زندگی پس از طلاق

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- تأثیر طلاق بر فرزندان
- فرزندان طلاق از نوزاد تا هفده ساله
- دعوی پدر و مادر
- نخستین خداحافظی
- یک دل و دو خانه
- ورود به خانواده جدید
- بازسازی زندگی پس از طلاق

ادبیات عرفانی

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- هدیه‌ای از فرشته مادر
- لیلی نام تمام دختران زمین است
- در سینه‌ات نهنگی می‌تپد
- پیامبری از کنار خانه ما رد شد
- من هشتمین آن هفت نفرم
- نامه‌های خط‌خطی
- جوانمرد نام دیگر تو

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

۵۰ فعالیت ساده و لذت بخش که می تواند فرزند شما را در یادگیری و کسب مهارت های زندگی پیش ببرد.

شما که فرزند کوچکی دارید می دانید که عشق به مطالعه می تواند دروازه دنیایی از یادگیری و لذت را به روی فرزندتان بگشاید و با علاقه با آن روبه روشود. اما از کجا باید آغاز کرد؟ این راهنمای جدید ۵۰ روش عالی را به شما نشان می دهد.

۵۰ روش ساده

برای علاقه مند کردن فرزند به

مطالعه

شامل ۵۰ فعالیت ساده و لذت بخش برای والدین و بچه ها است که به بچه ها کمک می کند تا ابد به مطالعه علاقه مند شوند. هر فعالیت دستورالعمل ساده ای دارد، لوازم مورد نیاز را ذکر می کند و می گوید که چگونه فرزندتان را برای دانستن بیشتر تشویق کنید. این کتاب منابعی را که به شما کمک می کند فرزندتان را در مسیر یادگیری راهنمایی کنید، نیز ذکر می کند.



عناوین دیگر این مجموعه:

- ۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به ورزش و سلامتی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به تاریخ و جغرافی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به علوم تجربی
 - ۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به ریاضی
- وقتی که فرزندان باهوش نمره های کم می گیرند!



کتابهای دانه

نشر صابرین

